



# کتابچه عدالت ترمیمی

هوارد زهر





---

# کتابچه عدالت ترمیمی

هوارد زهر



توانا

TAVANA

آموزشکده آنلاین  
برای جامعه مدنی ایران

e-collaborative

*for civic education*

---



آموزشکده آنلاین  
برای جامعه مدنی ایران

<http://www.tavaana.org>

پروژه

e-collaborative  
*for civic education*

<http://www.eciviced.org>

---

### کتابچه عدالت ترمیمی

Little Book of Restorative Justice

---

نویسنده: هوارد زهر (Howard Zehr)

---

مترجم: آموزشکده توانا (آموزشکده الکترونیکی برای جامعه مدنی ایران)

Permission given by Skyhorse Publishing Inc

---

ناشر: E-Collaborative for Civic Education

---

نقاشی روی جلد: Evening Shows اثر پل کله (Paul Klee)

---

© E-Collaborative for Civic Education 2021

## e-collaborative for civic education

ECCE (E-Collaborative Civic Education) یک سازمان غیرانتفاعی در ایالات متحده آمریکا، تحت 501c3 است که از فن آوری اطلاعات و ارتباطات برای آموزش و ارتقای سطح شهروندی و زندگی سیاسی دموکراتیک استفاده می کند.

ما به عنوان بنیانگذاران و مدیران این سازمان اشتیاق عمیق مشترکی داریم که شکل دهنده ایده‌های جوامع باز است. همچنین برای ما، شهروند، دانش شهروندی، مسئولیت و وظیفه شهروندی یک فرد در محافظت از جامعه سیاسی دموکراتیک پایه و اساس کار است؛ همان‌طور که حقوق عام بشر که هر شهروندی باید از آن‌ها برخوردار باشد، اساسی و بنیادی هستند. ECCE دموکراسی را تنها نظام سیاسی قادر به تأمین طیف کاملی از آزادی‌های شهروندی و سیاسی برای تک تک شهروندان و امنیت برابری و عدالت می‌داند. ما دموکراسی را مجموعه‌ای از ارزش‌ها، نهادها و فرایندها می‌دانیم که مبشر صلح، توسعه، تحمل و مدارا، تکررگرایی و جوامعی شایسته‌سالار است که به کرامت انسانی و دستاوردهای انسانی ارجح می‌گذارد.

ما پروژه اصلی ECCE یعنی «آموزش‌شکده توانا: آموزش‌شکده مجازی برای جامعه مدنی ایران» را در سال ۲۰۱۰ تأسیس کردیم. آموزش‌شکده توانا در ارایه منابع و آموزش در دنیای مجازی در ایران، یک نهاد پیشرو است. توانا با ارایه دوره‌های آموزشی زنده در حین حفظ امنیت و با ناشناس ماندن دانشجویان، به یک جامعه آموزشی قابل اعتماد برای دانشجویان در سراسر کشور تبدیل شده است. این دروس در موضوعاتی متنوع مانند نهادهای دموکراتیک، امنیت دیجیتال، حقوق زنان، و بونوبیسی، جدایی دین و دولت و توانایی‌های رهبری ارایه می‌شوند. آموزش‌شکده توانا آموزش زنده دروس و سمینارهای مجازی را با برنامه‌هایی مثل مطالعات موردی در جنبش‌های اجتماعی و گذارهای دموکراتیک، مصاحبه با فعالان و روشنفکران، دستورالعمل‌های خودآموز، کتابخانه مطالب توصیفی، ابزارهای کمکی و راهنمایی برای آموزشگران ایرانی و حمایت مداوم و ارایه مشاوره آموزشی برای دانشجویان تکمیل کرده است.

تلاش ما برای توسعه توانایی‌های آموزش‌شکده توانا متوجه گردآوردن بهترین متفکران ایرانی و صداهای حذف شده است. به همین ترتیب، به دنبال انتشار و ارتقای آثار مکتوب روشنفکران ایرانی هستیم که ایده‌های آنان در جمهوری اسلامی ممنوع شده است.

یکی از نقاط تمرکز تلاش توانا، ترجمه متون کلاسیک دموکراسی و مقالات معاصر در این باره و نیز ترجمه آثار مرتبط با جامعه مدنی، حقوق بشر، حاکمیت قانون، روزنامه‌نگاری، کنشگری و فن آوری اطلاعات و ارتباطات است. امید ما این است که این متون بتواند سهمی در غنای فردی هموطنان ایرانی و بر ساختن نهادهای دموکراتیک و جامعه‌ای باز در ایران داشته باشد.

سپاسگزار بازتاب نظرات و پیشنهادهای شما



## فهرست

۱۱	<b>فصل اول: نگاه کلی</b>
۱۳	چرا این کتابچه؟
۱۶	درباره این ویراست از کتاب
۱۹	چه اموری عدالت ترمیمی نیستند؟
۲۵	عدالت ترمیمی در ارتباط با نیازها و نقش‌ها است.
۳۳	<b>فصل دوم: اصول ترمیمی</b>
۳۶	سه ستون عدالت ترمیمی
۴۰	چگونه و چه کسانی از اهمیت برخوردارند؟
۴۲	هدف عدالت ترمیمی انجام دادن کار درست است
۴۷	دریچه‌نگاهی ترمیمی
۵۰	تعریف عدالت ترمیمی
۵۱	اهداف عدالت ترمیمی
۵۲	پرسش‌های راهنما درباره عدالت ترمیمی
۵۳	تابلوهای راهنمای عدالت ترمیمی
۵۶	<b>فصل سوم: اقدامات ترمیمی</b>
۵۸	رهیافت‌های بنیادین اغلب شامل مواجهه‌های آسان‌یاب است
۶۲	الگوها در برابر پرسش «چه کسی» و «چگونه» با هم متفاوتند
۶۷	الگوها از لحاظ اهداف با هم متفاوتند
۷۰	پیوستار ترمیمی

۷۵

## فصل چهارم: از این جا به کجا؟

۷۵

عدالت کیفری در مقابل عدالت ترمیمی

۷۶

عدالت قضایی در برابر عدالت ترمیمی

۷۷

نکته بیش بخش

۷۹

شیوه‌ای برای زیستن

۸۱

عدالت ترمیمی یک رودخانه است

۸۴

**ضمیمه اول:** اصول بنیادین عدالت ترمیمی

۹۰

**ضمیمه دوم:** عدالت ترمیمی در سه پاره‌ها

۹۳

**ضمیمه سوم:** عدالت ترمیمی؟ عدالت ترمیمی کدام است؟

۹۷

**ضمیمه چهارم:** ده شیوه برای زیستن ترمیم‌محور

۱۰۳

**ضمیمه پنجم:** عدالت ترمیمی و آشتی بخشی

۱۰۶

**خواندنی‌های بیش تر**

۱۰۹

**درباره نویسنده**



## تقدیرنامه

از دوستان و همکاران بسیاری به نحو ویژه سپاسگزارم که درباره این نوشتار اظهار نظر کردند. این افراد شامل دانشجویان کنونی، دانشجویان سابق و همکارانم در مرکز عدالت و آشتی بخشی می‌شوند که از سال ۱۹۹۶ در آنجا تدریس کرده‌ام. همچنین خواهان سپاسگزاری ویژه از بارب توئوز، ژارم ساواتسکی، بونیه پرایس لوفتون، رابرت ژیلت، ورنون جانتزی، لاریسا فست و علی گوهر به خاطر دقت نظر و پیشنهادهایشان هستم.

در ویراست حاضر به طور ویژه از سوجاتا بالیگا برای پیشنهادات و بازخوانی دقیق سپاسگزارم.



## فصل اول: نگاه کلی

چگونه ما به مثابه یک جامعه به ارتکاب اشتباه پاسخ می‌دهیم؟ وقتی جرم و جنایتی رخ می‌دهد یعنی زمانی که بی‌عدالتی یا زیان‌دیدگی پدید آمده است، چه کاری لازم است انجام شود؟ عدالت‌ورزی مستلزم چه چیزی است؟ ضرورت این پرسش هرروزه از رهگذر رخدادهایی که در رسانه‌ها گزارش می‌شود، مورد تاکید قرار می‌گیرد.

خواه ما با جرم یا دیگر آسیب‌رسانی‌ها و آزار و اذیت‌ها سروکار داشته باشیم یا نداشته باشیم؛ نظام حقوقی غرب شیوه تفکر ما را درباره موضوعاتی مانند جرم یا دیگر آسیب‌رسانی‌ها و آزار و اذیت‌ها تحت تاثیر قرار داده است و البته این مسئله محدود به جغرافیای مغرب‌زمین نیست بلکه بیش‌تر جاهای دنیا را در بر گرفته است.

رهیافت نظام حقوقی غرب به مسئله عدالت، برتری‌های چشمگیری دارد. با این حال اذعان فزاینده‌ای به محدودیت‌ها و ناکامی این نظام حقوقی نیز صورت می‌گیرد. کسانی که آسیب دیده‌اند، آسیب رساننده‌اند و اعضای اجتماع به طور کلی اغلب احساس می‌کنند که روند دادرسی قضایی که توسط این نظام حقوقی طراحی شده است، به اندازه کافی پاسخگوی نیازهای آنان نیست. متخصصان حرفه‌ای در امور حقوقی مانند ضابطان قضایی<sup>۱</sup>، قضات، وکلا، دادستان‌ها، افسران عفو مشروط<sup>۲</sup> و مسئولان زندان پیرپی از احساس سرخوردگی و ناکامی خود سخن می‌گویند. بسیاری از آن‌ها احساس می‌کنند که روند دادرسی قضایی، آسیب‌های اجتماعی و اختلافات را به جای

1- law enforcement officers

2- probation and parole officers

اینکه بهبود بخشد یا به آشتی رساند، عمیق تر کرده است. عدالت ترمیمی کوششی برای نشان دادن برخی از این نیازها و محدودیت‌ها است. از دهه ۱۹۷۰ برنامه‌ها و تدابیری در هزاران گروه اجتماعی و در بسیاری از کشورهای جهان اجرا شده است. اغلب این برنامه‌ها و تدابیر گزینه‌هایی را در کنار یا همراه با نظام حقوقی موجود عرضه می‌کنند؛ هرچند در برخی موقعیت‌ها از آن‌ها به عنوان گزینه بدیل نظام حقوقی موجود بهره گرفته می‌شود. از سال ۱۹۸۹ در نیوزلند همایش‌هایی ترمیمی برپا شده است که در مرکز نظام قضایی به کلی نوپای آن، جای گرفته است. امروزه در بسیاری از جاها عدالت ترمیمی به عنوان نشانی از امید و حرکت به سوی آینده در نظر گرفته می‌شود؛ خواه به این وعده خود وفادار بماند - که به نظر می‌رسد خواهد ماند - خواه نماند. با این حال بسیاری به این امر خوش بین هستند.

عدالت ترمیمی سرآغاز اقدامی برای مبارزه با سرقت و دیگر جرایم مربوط به مالکیت<sup>۳</sup> است که معمولاً (اغلب از روی خطا) به مثابه جرایم به نسبت کوچک بدان‌ها نگریسته می‌شود. با وجود این، امروزه رهیافت‌های ترمیمی در برخی جوامع برای شدیدترین شکل خشونت‌های جنایی هم در دسترس است: مرگ ناشی از تصادف با خودرو در حالت مستی راننده، ضرب و جرح، تجاوز و حتی قتل. بنا بر تجربه کمیته صلح و حقیقت<sup>۴</sup> در آفریقای جنوبی، اقداماتی برای کاربست عدالت ترمیمی در چارچوب جرایم بزرگ نیز صورت گرفته است.

همچنین این رهیافت‌ها و تدابیر فراتر از نظام قضایی جنایی، به مدارس، دانشگاه‌ها، محل‌های کار و نهادهای دینی نیز گسترانیده شده‌اند. برخی بر این باورند که کاربست رهیافت‌های ترمیمی مانند فرآیندهای حلقه‌محور (تدبیری که در میان اهالی بومی کانادا مرسوم بوده است)، به مثابه شیوه‌ای عمومی برای فعالیت، حل مشکلات و تحول اختلافات است. برخی دیگر هم فرآیندهای حلقه‌محور و دیگر رهیافت‌های ترمیمی را به مثابه راهی برای ساخت و بهینه‌سازی گروه‌های اجتماعی دنبال می‌کنند. کای پرانیس<sup>۵</sup> به عنوان حامی برجسته عدالت ترمیمی، این حلقه‌ها را صورتی از دموکراسی مشارکتی<sup>۶</sup> می‌نامد که فراتر از قاعده ساده اکثریت‌گرایی<sup>۷</sup> است.

در جوامعی که نظام‌های حقوقی غربی جایگزین شده‌اند یا فرآیندهای حل تعارض

---

3- property crimes

4- Truth and Reconciliation Commission

5- Kay Pranis

6- participatory democracy

7- simple majority rule

و عدالت سنتی سرکوب شده‌اند، عدالت ترمیمی فرصتی برای بازبینی این سنت‌ها فراهم می‌کند که گاه به فعال شدن دوباره آن‌ها منجر می‌شود. گاه عدالت ترمیمی را به مثابه آمیزه‌ای از آن‌گونه عوامل کلیدی تصور می‌کنم که درباره مسئله اختلاف و آسیب، هم از احساسات حقوق بشر دوستانه مدرن و هم از رهیافت‌های سنتی بهره برده است. هر چند اصطلاح «عدالت ترمیمی» بر اقدامات و برنامه‌های گوناگونی دلالت دارد، با این حال جوهر آن شماری از اصول و ارزش‌های اخلاقی، دیدگاهی فلسفی و مجموعه‌ای متناوب از پرسش‌های سازنده است. نهایت آن‌که، عدالت ترمیمی چارچوبی بدیل برای اندیشیدن درباره تخلف و ارتکاب خطاکاری فراهم می‌کند. در صفحات آینده این چارچوب را بر خواهیم رسید و تبیین خواهیم کرد به چه کیفیتی می‌توان آن را در ساحت عمل اجرا کرد.

### چرا این کتابچه؟

قصد و نیت من در این کتابچه استدلال به نفع عدالت ترمیمی نیست. همچنین بسیاری از پیامدهای این رهیافت را بررسی نخواهم کرد. به بیان دقیق‌تر، بر آنم تا این کتاب توصیفی خلاصه‌وار و چشم‌اندازی کلی درباره مسئله عدالت ترمیمی باشد؛ حتی اگر می‌خواهید می‌توان آن را کتابی کمک‌درسی<sup>۸</sup> درباره عدالت ترمیمی نامید. با این حال خلاصه‌ای از برخی برنامه‌ها و تدابیر عدالت‌ورزی ترمیمی ارائه خواهم کرد و کانون تمرکز در این کتاب به‌ویژه بر اصول یا فلسفه عدالت ترمیمی خواهد بود. کتاب‌های دیگر در مجموعه کتابچه‌هایی درباره عدالت و آشتی‌بخشی<sup>۹</sup> الگوهای کنشگری را به شکلی مفصل‌تر بررسی می‌کنند؛ فهرستی از آن‌ها در پایان این کتاب خواهد آمد.

کتابچه عدالت ترمیمی برای کسانی است که این اصطلاح را شنیده‌اند و کنجکاو هستند بدانند این اصطلاح به چه معنایی دلالت دارد. با این حال همچنین این کتاب کوششی است برای شفاف‌سازی بیش‌تر برای کسانی که در این حوزه فعالیت می‌کنند؛ زیرا امکان دارد به راحتی راه خود را گم کنیم و وضوح آشکار مقصدی که از قبل مشخص کرده‌ایم، از دست برود.

ایده‌های نوآورانه اجتماعی<sup>۱۰</sup> همچنان که توسعه و انتشار می‌یابد، گرایش دارد تا از مسیر اصلی خود خارج شود و عدالت ترمیمی هم از این جهت تفاوتی با دیگر ایده‌ها

8- CliffsNotes

9- Little Books of Justice & Peacebuilding

10- social innovations

ندارد. نام‌گذاری بیش از پیش بسیاری از برنامه‌ها با عنوان «عدالت ترمیمی» باعث شد تا گاه معنای این تعبیر رو به ضعف نهد یا اینکه اصلاً گمراه‌کننده نماید. برخی اوقات عدالت‌ورزی ترمیمی بر اثر فشارهای اجتناب‌ناپذیر فعالیت در دنیای واقعی، به نحوی نامحسوس از اصول خود منحرف یا با امور دیگری همراه شده است.

جمعیت دفاع از قربانیان<sup>۱۱</sup> به نحوی ویژه، چنین دغدغه‌ای دارد. عدالت ترمیمی ادعا دارد که قربانی محور<sup>۱۲</sup> است؛ اما آیا این ادعا واقعیت دارد؟ با تاسف باید گفت که انگیزه اصلی تلاش‌های عدالت‌ورزانه ترمیمی بر اثر نیاز به شیوه‌ای مثبت‌تر از تعامل با آسیب‌زندگان پدید آمده است؛ زیرا گروه‌های قربانی در هراس از آنان به سر می‌برند. مشابه با نظام حقوق جزایی - که هدفش پیشرفت<sup>۱۳</sup> یا سر جای خود برگرداندن امور<sup>۱۴</sup> است - شاید عدالت ترمیمی هم در گام نخست تبدیل به شیوه‌ای برای حل و فصل مسائل مربوط به مجرمان شود.

دیگران از این می‌پرسند که آیا در این زمینه به میزان کافی نیازهای کسانی که مرتکب جرم شده‌اند مشخص شده است و تلاش کافی برای کمک به آنان شده است تا به خود واقعی‌شان برسند؟ آیا برنامه‌های عدالت ترمیمی حمایت کافی از کسانی انجام می‌دهد که مرتکب جرم شده‌اند تا به تعهدات خود عمل کنند و الگوی رفتاری خویش را تغییر دهند؟ آیا برنامه‌های عدالت ترمیمی به اندازه کافی آن آسیب‌هایی را خاطر نشان می‌کند که سبب می‌شود افراد مرتکب جرم شوند؟ آیا چنین برنامه‌هایی به‌دقت در حال تبدیل شدن به شیوه‌های جدید مجازات<sup>۱۵</sup> افراد در شمایلی نوین است؟ و این که به طور کلی درباره گروه‌های اجتماعی چه دیدگاهی دارد؟ آیا به گروه‌های اجتماعی به اندازه کافی اجازه می‌دهد و آن‌ها را تشویق می‌کند که درگیر مسائل خود شوند و تعهدات خویش را به یاد داشته باشند؟

دغدغه دیگر آن است که خواه در نظریه‌پردازی خواه در ساحت کنشگری، آیا ما همان الگوهای تبعیض‌آمیز اقتصادی و نژادی را دوباره دنبال کرده‌ایم که هم‌اکنون در جامعه رواج دارد؟ آیا عدالت ترمیمی برای مثال مطابق آنچه در ایالات متحده اجرا شده است، به نحو اساسی درباره سفیدپوستان نیز در حال اجراست؟ آیا این برنامه به اندازه

11- The victim advocacy community

12- victim-oriented

13- improve

14- replace

15- punishment

کافی تبعیض‌های اساسی<sup>۱۶</sup> را خاطر نشان می‌سازد؟

تجربه پیشین ما مبنی بر ایجاد تغییر در عرصه عدالت‌ورزی به ما هشدار می‌دهد که به‌رغم انگیزه خوب فعالان، خارج شدن از مسیر و انحراف از بینش‌ها و الگوهای معیار امری اجتناب‌ناپذیر است. اگر مدافعان ایجاد تغییر مایل نباشند تا به این خروج احتمالی از مسیر اصلی اعتراف کنند یا بدان اشاره داشته باشند، آن گاه تلاش‌های آنان منجر به نتیجه‌ای بسیار متفاوت‌تر از چیزی می‌شود که در ابتدا در ذهن داشتند. در واقع امکان دارد مشخص شود که آنچه «پیشرفت» نام گرفته است، به‌مراتب بدتر از شرایطی باشد که قرار بر آن بود تا اصلاح شود یا جایگزینی برای آن در نظر گرفته شود.

یکی از مهم‌ترین تدابیر ایمنی‌بخش که ما می‌توانیم در برابر چنین انحراف از معیارها و خروج از مسیرهایی انجام دهیم، آن است که به ارزش‌های اخلاقی و اصول بنیادین توجه کنیم. اگر ما تکلیف خود را درباره اصول و ارزش‌های اخلاقی بدانیم و برنامه‌های خود را مطابق با این امور در ذهن ترسیم کنیم و در برابر پرسش‌هایی که این اصول از ما دارد، با روی گشاده مواجه شویم، آن گاه به احتمال بسیار زیاد در مسیر رو به جلو حرکت خواهیم کرد.

به بیان دیگر، حوزه عدالت ترمیمی به‌سرعت و از جهات متعددی در حال رشد است؛ به‌گونه‌ای که برخی اوقات فهمیدن این موضوع دشوار است که به چه کیفیتی همراه با خلاقیت و حفظ یکپارچگی به سوی آینده حرکت خواهیم کرد. تنها بینشی واضح و شفاف از اصول و اهداف است که می‌تواند راه‌نمای ما باشد تا مسیر خود را در راهی بیابیم که به صورتی اجتناب‌ناپذیر، هم نامعلوم و هم پر پیچ و خم است.

این کتاب کوششی برای صورت‌بندی و بیان سرراست و روشن از مفهوم عدالت ترمیمی و اصول آن است. با این حال، باید به محدودیت‌هایی اشاره کنم که مجبور شدم بر چارچوب کار اعمال کنم. حتی با این که به‌سختی کوشیده‌ام تا انتقادپذیر و پذیرا باشم، از این ایده‌آل جانبداری کرده‌ام. علاوه بر این، به‌رغم تمام مخالفت‌ها سعی من بر این بوده است تا از «چشم‌انداز» خود بنویسم که محصول فعالیت خود من است: یک مرد سفیدپوست از طبقه متوسط نژاد اروپایی که به مسیحیت منونایت<sup>۱۷</sup> باور دارد. این سرگذشت شخصی به همراه علاقه، دغدغه‌ها و ارزش‌های اخلاقی دیگر، به‌ضرورت، بیش و گویش مرا تعین بخشیده است.

16- disparities

17- Mennonite

حتی اگر اتفاق نظر در این حوزه درباره طرح کلی اصول عدالت ترمیمی در کار باشد، با این حال تمام نتایج نظری کار من با موافقت همگان همراه نیست. آنچه در این جا می‌خوانید فهم من از مسئله عدالت ترمیمی است و بایستی در برابر نظرات دیگران به آزمون نهاده شود.

در نهایت این‌که، این کتاب در فضای آمریکای شمالی نوشته شده است. واژگان، موضوعات مطروحه و حتی شیوه صورت‌بندی و بیان مفاهیم، تا اندازه‌ای حقایق را درباره موقعیت خودم مشخص می‌سازد. ویراست اول این کتاب به زبان‌های دیگر ترجمه شده است؛ با این حال برای انتقال معنا به فعالیتی بیش از ترجمه واژگان احتیاج است.

حال با این پیش‌زمینه و شرایط باید از چستی «عدالت ترمیمی» پرسید. بسیاری از سوء تفاهم‌ها درباره چستی این مفهوم وجود دارد؛ به گونه‌ای که اکنون بسیار مهم می‌نماید تا ابتدا روشن سازم که از نظر من عدالت ترمیمی چه چیزی نیست. با این همه، پیش از آن نکاتی چند در باب این ویراست خواهم گفت.

### درباره این ویراست از کتاب

از انتشار اولیه کتاب در سال ۲۰۰۲ تا کنون اتفاق‌های زیادی رخ داده است. بیش از صدوده‌هزار نسخه از خود این کتاب به فروش رفت و در کشورهای مختلفی مانند ژاپن، چکسلواکی، پاکستان و ایران ترجمه و منتشر گردید. با توجه به این جریان، حوزه مباحث مربوط به عدالت ترمیمی طی این سال‌ها در حال گسترش و پیشرفت بوده است و از بافت عدالت جزایی هم فراتر رفته است. در واقع، شهرهایی در انگلستان، نیوزلند، کره جنوبی و جاهای دیگر هم در حال پژوهش در این باره بوده‌اند که چگونه می‌توان شهرهایی مبتنی بر ایده عدالت ترمیمی ساخت. تعدادی از نظام‌های درمان و سلامت<sup>۱۸</sup> در ایالات متحده هم رهیافت‌های ترمیم‌محور را برای فعالیت‌های خود برگزیده‌اند تا موارد احتمالی آسیب ناشی از درمان نادرست را خاطر نشان سازند و اجازه داده‌اند بیماران و پزشکان بیش از پیش آزادانه‌تر در تعامل با هم باشند تا در جلسات نیازهای خود را بیان و تعهدات پزشکان را نیز یادآور شوند. برخی از مدافعان چنین استدلال می‌کنند که عدالت ترمیمی در واقع شیوه‌ای برای زیستن است.

دست کم در ایالات متحده چه بسا بزرگ‌ترین ساحت برای رشد عدالت ترمیمی در مدارس و در دوران اخیر در حوزه روابط دانشگاهی باشد. این کتاب به تمرکز بر مسئله



عدالت جزایی گرایش دارد؛ اما تعداد دیگری از کتاب‌های مجموعه «کتابچه‌ها» اکنون به طور خاص برای نشان‌دادن وضعیت در بافت دانشگاهی نگاشته شده‌اند. در آوردگاه عدالت ترمیمی، رونق و گسترش رخ داده است. اکنون اکثریت ایالت‌های آمریکا به اصول و تدابیر عدالت ترمیمی در سیاست‌گذاری‌ها و قوانین خود ارجاع می‌دهند. کشورهای زیادی مدل‌هایی بین‌المللی طراحی کرده‌اند که از عدالت ترمیمی الهام گرفته است. در زمان ویراست اول این کتاب، بیش تر درخواست‌ها برای بهره‌برداری از عدالت ترمیمی در موارد جزایی، از سوی مسئولان رسمی بود؛ با این حال درخواست‌هایی که اصرار بر غیررسمی بودن داشته‌اند گاه کوششی برای نشان‌دادن نابرابری‌های نژادی بوده است که اکنون به تدریج رایج‌تر نیز شده است.

«جیم کروبی»<sup>۱۹</sup> نوین: حبس گسترده در دوران کوررنگی»<sup>۲۰</sup> کتاب مهم مایکل الکساندر<sup>۲۱</sup> دربردارنده هشدارهایی بسیار ضروری درباره رواج و دلالت‌های مبنی بر تبعیض نژادی در نظام حقوق جزای ایالات متحده است. این مسئله به تناسب، دغدغه‌های مربوط به اموری را افزایش می‌دهد که عدالت ترمیمی ممکن است در آن‌ها مشارکت داشته باشد یا بر آن اساس این الگوها را تقویت نماید. آیا در حوزه کنشگری به اندازه کافی این احتمال رصد شده است؟ آیا به اندازه کافی اندیشیده‌ایم که عدالت ترمیمی به چه کیفیتی امکان دارد مبتکرانه این مشکل را به دیگران نشان دهد؟ آیا به اندازه کافی درباره امکان وجود فرض‌ها و جانبداری‌های مندرج در شیوه صورت‌بندی مفهوم عدالت ترمیمی و نحوه عملکرد خود تامل کرده‌ایم؟ آیا درباره این که چه اموری باید در عدالت ترمیمی گنجانده شود به صداهای متنوع دیگران گوش کرده‌ایم و به امری ترغیب شده‌ایم؟ این‌ها پرسش‌هایی ضروری است که این کتاب نمی‌تواند بدان‌ها پاسخ دهد؛ با این‌همه امیدوارانه می‌توان این کتاب را یاری‌دهنده فرآیند گفتگو درباره این موارد به شمار آورد.

به طور فزاینده‌ای برچسب‌هایی مانند «قربانی» و «مجرم»<sup>۲۲</sup> به پرسش کشیده می‌شود. در حالی که این اصطلاحات برای ارجاع‌دادن، منبعی دم‌دستی و مختصر ارائه می‌دهد و در نظام حقوق جزایی نیز رواج دارد. همچنین در معرض ساده‌سازی<sup>۲۳</sup> بیش از اندازه و

۱۹- قوانین جیم کرو اصطلاحی توهین‌آمیز برای اشاره به قوانین نژادپرستانه، به‌ویژه در جنوب آمریکا، از قرن نوزدهم بوده است. برای اطلاعات بیشتر تر نگاه کنید: (قوانین جیم کرو) [مترجم]

20- The New Jim Crow: Mass Incarceration in the Age of Colorblindness

21- Michelle Alexander

22- offender

23- oversimplify

تبدیل شدن به گفتار قالبی<sup>۲۴</sup> قرار دارد. در مباحث جرم‌شناسی،<sup>۲۵</sup> نظریه برچسب‌گذاری<sup>۲۶</sup> تاکید می‌کند که این برچسب‌ها اغلب ارزش داورانه<sup>۲۷</sup> است و ممکن است مردم تمایل داشته باشند همانی شوند که برچسب‌های آن‌ها مشخص کرده است. همچنین در موقعیت‌های بسیاری مانند مدارس، پذیرش مسئولیت خطا کار بودن ممکن است آشکار و واضح نباشد یا این‌که برخی از مسئولیت‌ها ممکن است در بین همه اعضا مشترک باشد؛ امکان دارد برچسب «قربانی» و «مجرم» به طور خاص در این بافت نامناسب باشد. اغلب گزینه‌های بدیل برای این اصطلاحات عجیب و غریب است؛ اما در این ویراست هرچند کاربست آن‌ها را به کلی از نوشتار حذف نکرده‌ام، سعی کرده‌ام به کم‌ترین میزان از آن‌ها استفاده کنم.

یکی از ساحت‌های مناقشه‌برانگیز اصطلاح‌شناسی درباره تمام واژگان این حوزه است: آیا باید از عدالت‌ورزی ترمیمی<sup>۲۸</sup> استفاده شود یا از کنش‌های ترمیمی<sup>۲۹</sup>؟ رهیافت‌های ترمیمی در موقعیت‌های بسیاری مانند مدارس یا برای حل مسئله استفاده می‌شوند که کاربست اصطلاح «عدالت» در این موارد مناسب به نظر نمی‌رسد. مشاهده این کاربست‌ها و اذعان بلافاصله به محدودیت‌های ادبیات عدالت‌ورزی مایه خوش‌وقتی است. با وجود این، بنا بر تجربه شخصی‌ام، بیش‌تر اختلافات و آسیب‌رسانی‌ها شامل تجربه یا ادراک از مسئله بی‌عدالتی است و من ترجیح می‌دهم آگاهی خود درباره جنبه عدالت را از دست ندهم. بدین جهت کاربست اصطلاح «عدالت» ترمیمی را در این کتاب ادامه خواهم داد، همراه با این‌که اذعان می‌کنم شاید کاربست اصطلاح «تدابیر ترمیمی» در برخی زمینه‌ها مناسب‌تر باشد.

اکنون این است دیدگاه من درباره آنچه عدالت ترمیمی نیست!

24- stereotype

25- criminology

26- labeling theory

27- judgmental

28- restorative justice

29- restorative practices

### چه اموری عدالت ترمیمی نیستند؟

عدالت ترمیمی در درجه اول به بخشودگی<sup>۳۰</sup> و مصالحه<sup>۳۱</sup> بین افراد مربوط نیست. برخی از قربانیان و مدافعان آن‌ها به عدالت ترمیمی واکنش منفی نشان می‌دهند؛ زیرا خیال می‌کنند هدف چنین برنامه‌ای تشویق یا حتی وادار ساختن قربانیان به بخشش یا مصالحه با کسانی است که بدان‌ها یا به کسانی که علاقه دارند، آسیب وارد کرده‌اند. همچنان که در آینده خواهیم دید اصل اساسی یا کانون تمرکز عدالت ترمیمی ناظر به مسئله بخشش یا مصالحه نیست. این امر حقیقت دارد که عدالت ترمیمی بستری فراهم می‌کند که یکی از این دو گزینه یا هر دو آن‌ها محقق شود. در واقع پیش‌بینی می‌شود در جاتی از بخشش یا حتی مصالحه یا دست‌کم کاهش خصومت<sup>۳۲</sup> و هراس از یکدیگر، بیش از آنچه در موضع خصومت‌آمیز نظام عدالت جزایی وجود دارد، به واسطه عدالت ترمیمی رخ خواهد داد. در هر حال، این امر تجربه‌ای است که از فردی تا فرد دیگر متفاوت است و به طور کلی وابسته به تصمیم افراد است. نباید فشاری برای بخشش یا تلاش برای مصالحه در کار باشد. خواه بخشش و خواه مصالحه، نه پیش‌نیاز روند عدالت ترمیمی و نه برآیند آن است.

عدالت ترمیمی، به‌ضرورت، دلیلی بر بازگشت به شرایط و اوضاع گذشته نیست.

برخی اوقات اصطلاح «ترمیمی» مناقشه‌برانگیز است، زیرا شاید به نظر رسد دلالت بر بازگشت به گذشته دارد؛ تو گویی آزاررسانی یا امری نادرست هرگز رخ نداده است. به‌ویژه در موارد آسیب‌های جدی احتمال این مسئله به کلی منتفی است. لین شاینر<sup>۳۳</sup> - که کودکانش به قتل رسیده‌اند - می‌گوید که کلماتی مانند «دوباره...» کارآیی ندارد: «من نمی‌توانم همه چیز را دوباره از سر نظم ببخشم؛ زیرا اگر می‌توانستم، تنها می‌بایست قطعات به‌هم‌ریخته را بردارم، آن‌ها را سرجای خود بگذارم... شما می‌سازید، شما زندگی جدیدی می‌آفرینید. من چند قطعه از زندگی پیشین در دست دارم که باید آن‌ها را سرجای خود بگذارم.»<sup>۳۴</sup>

30- forgiveness

31- reconciliation

32- hostility

33- Lynn Shiner

34- Howard Zehr, *Transcending: Reflections of Crime Victims* (Good Books, 2001), 9.

در دنیای واقعیت، برگشت به گذشته به سختی امکان پذیر یا حتی مطلوب است. برای مثال فردی که در گذشته مورد سوءاستفاده جنسی قرار گرفته یا دچار لطمه روحی شده است یا در الگویی طولانی مدت خطا کار بوده است، چه بسا حالت شخصی یا روابط سالمی ندارد که بدان بازگردد. موقعیت آن‌ها بایستی تغییر کند، نه این که از نو بازیابی شود. به شیوه‌ای مشابه، هدف از عدالت ترمیمی تغییر الگوهای نژادپرستی و سرکوب‌گری است، نه این که آن‌ها را در خاطره‌ها جاودانه سازد.

عدالت ترمیمی اغلب شامل حرکت به سوی معنای نوینی از هویت فردی و به سلامت‌زیستن یا روابط سالم‌تر جدیدی است. بسیاری از مدافعان عدالت ترمیمی این امر را به مثابه شیوه‌ای برای بازیابی حس امیدواری و اشتراک و یگانگی با جهان ما می‌دانند. در آخرین ایمیلی که برای من آمده است، فانیا دیویس<sup>۳۵</sup> - از دادستان‌های کنشگر در عرصه عدالت ترمیمی - چنین آورده است:

«موضوع این نیست که بعد از رخداد اختلاف در موقعیت کنونی به زمان گذشته بازگردیم، بلکه برگشت به خود واقعی افراد مهم است که همیشه آن خود واقعی وجود داشته است. اگر روندهای عدالت ترمیمی به خوبی منجر به تسهیل امور شوند، آن گاه امکان تغییر مردم، روابط یا جوامع پدیدار می‌شود. بیش‌تر اوقات این مسئله، جدایی اساسی وضعیت کنونی از وضعیت قبل از رخداد اختلاف است. پس ما چه چیزی را بازیابی می‌کنیم؟ برای من چنین می‌نماید که ما بخشی از وجود انسانی را بازیابی می‌کنیم که واقعا خواهان در ارتباط بودن با دیگران به شیوه‌ای نیکو است. بازگشت به خوب بودن، امری مشترک در بین تمام انسان‌هاست. شاید بتوان گفت این بازگشت به همان ودیعت الهی<sup>۳۶</sup> است که به ما انسان‌ها هدیه شده است. یا همچنان که یکی از بزرگان بومیان آمریکای شمالی گفته است، بازگشت به بخشی از خود ما است که به همه چیز مرتبط است.»

35- Fania Davis

36- divinity present

### عدالت ترمیمی میانجی‌گری<sup>۳۷</sup> نیست.

بسیاری از برنامه‌های عدالت ترمیمی پیرامون امکان رودررو شدن و ملاقات آسان‌یاب بین آسیب‌دیدگان و آسیب‌زنندگان، بسان برنامه‌های میانجی‌گرایانه طراحی شده است و چه بسا در این برنامه‌ها برخی از اعضای خانواده و اجتماع‌های کوچک مربوط به آن‌ها هم حضور دارند. با این‌همه ملاقات و رودررو شدن همیشه انتخاب اصلی یا مناسب به نظر نمی‌رسد. علاوه بر این، رهیافت‌های ترمیمی مهم است؛ حتی زمانی که طرف آسیب‌زننده شناخته شده نباشد یا دستگیر نشده باشد یا زمانی که یکی از دو طرف اختلاف مایل به ملاقات یکدیگر نباشد یا از چنین توانایی برخوردار نباشند. بنابراین عدالت ترمیمی منحصر به رودررو شدن نیست.

حتی زمانی که آن‌ها با هم رودررو شوند، تعبیر «میانجی‌گری» توصیف مناسبی برای آن وضعیت نیست. در نزاع‌ها یا اختلاف‌هایی که تحت تاثیر روند میانجی‌گری است، فرض بر این است که طرف‌های مناقشه در محدوده اخلاق عمل می‌کنند که اغلب، مسئولیت‌هایی را در پی دارد و چه بسا لازم باشد در تمام جنبه‌ها آن‌ها را مراعات کرد. در حالی که ممکن است این حس سرزنش به اشتراک گذاشته شده با دیگران در برخی موارد جنایی درست باشد، با این‌همه در بسیاری از موارد اینچنین نیست. قربانیان تجاوز جنسی یا حتی قاچاقچیان دوست ندارند به عنوان «طرف دعوا»<sup>۳۸</sup> شناخته شوند. در واقع، احتمال می‌رود به شدت در حال مبارزه با میل به سرزنش خود باشند تا بر آن حس غلبه کنند.

به هر صورت برای مشارکت داشتن در بیش‌تر رودرویی‌های عدالت ترمیمی، خطا کار بایستی تا اندازه‌ای به مسئولیت‌پذیری درباره جرم خود اذعان داشته باشد و بخش مهم چنین برنامه‌ای باید خطا نامیدن کار انجام شده و اعتراف بدان باشد. شاید زبان «بی‌طرفانه»<sup>۳۹</sup> میانجی‌گری در این‌جا گمراه‌کننده و حتی در بسیاری از موارد آزاردهنده باشد.

با وجود آن‌که اصطلاح «میانجی‌گری» از قبل در بحث‌های مربوط به عدالت ترمیمی به کار گرفته شده است، بنا بر دلایلی که ذکر شد در روندی پرشتاب، اصطلاحاتی همچون «رایزنی»<sup>۴۰</sup> یا «گفتگو»<sup>۴۱</sup> در حال جایگزینی است.

37- mediation

38- disputant

39- neutral

40- conferencing

41- dialogue

عدالت ترمیمی در درجه اول برای کاهش جنایت‌پیشگی<sup>۴۲</sup> یا تکرار حملات، طراحی نشده است.

عدالت ترمیمی در تلاش برای پذیرفته شدن از سوی مردم، اغلب به مثابه شیوه‌ای ارزیابی یا تلقی می‌شود که هدفش کاهش تکرار جرم و جنایت است. دلایل خوبی در کار است تا باور داشت که چنین برنامه‌هایی واقعا میزان آسیب‌رسانی را کاهش می‌دهد. در حقیقت، تحقیق در این مورد تا به حال بسیار دلگرم‌کننده بوده است. با وجود این، کاستن از جنایت‌پیشگی نخستین دلیل اساسی اجرای برنامه‌های عدالت ترمیمی نیست. کاهش جنایت‌پیشگی محصولی فرعی است ولی عدالت ترمیمی در درجه نخست به این دلیل اجرا می‌شود که اجرایی کردن آن درست<sup>۴۳</sup> است. کسانی که از آسیب‌ها رنج می‌برند باید بتوان شناسایی نیازهای خود و خاطر نشان کردن آن‌ها را داشته باشند؛ کسانی که آسیب‌ها را ایجاد کرده‌اند هم باید تشویق شوند تا مسئولیت‌پذیر باشند؛ و کسانی که مورد ظلم واقع شده‌اند باید در این روند دخالت داشته باشند- بی آنکه به این امر توجه شود که آیا طرف مقابل پیام را دریافت کرده است و آسیب‌رسانی را کاهش داده است یا نه.

### عدالت ترمیمی برنامه‌ای خاص یا طرحی کلی نیست.

عدالت ترمیمی در برنامه‌های متنوعی به صورت جزئی یا کلی گنجانده شده است. با این حال مدلی ناب در کار نیست تا بتوان به عنوان ایده آل آن را دید یا به سادگی بتوان در هر اجتماعی آن را پیاده کرد. حتی بعد از سه دهه تجربه، ما هنوز در پیچ تند آموختن در این حوزه هستیم. جذاب‌ترین برنامه‌ها که تا به حال ارائه شده‌اند حتی به ذهن کسانی از ما، که برنامه‌های اولیه را آغاز کرده بودیم، نیامده بود و بسیاری از ایده‌های نوین‌تر به یقین از رهگذر گفتگو و تجربه پدیدار خواهد شد.

همچنین تمام مدل‌ها تا حدی فرهنگ‌محور<sup>۴۴</sup> است. حاصل آن که، عدالت ترمیمی بایستی به وسیله گروه‌های اجتماعی از رهگذر گفتگو از طریق ارزیابی منابع و نیازها و کاربست اصول درباره موقعیت‌های افراد از پایین به بالا بر ساخته شود.

عدالت ترمیمی نقشه راه نیست؛ بلکه اصول عدالت ترمیمی را می‌توان به مثابه راه‌نمایی دانست که مسیر را نشان می‌دهد. دست کم عدالت ترمیمی دعوتی به گفتگو و پژوهش است.

42- recidivism

43- the right thing

44- culture-bound

عدالت ترمیمی محدود به جرائم «خُرد»<sup>۴۵</sup> یا کسانی نیست که برای بار اول مرتکب آن‌ها شده‌اند.

شاید آسان‌تر باشد تا از حمایت اجتماعی برای برنامه‌هایی برخوردار شد که جرم‌های به اصطلاح «خُرد» را خاطر نشان می‌سازد. با این حال تجربه نشان داده است که رهیافت‌های ترمیمی می‌تواند شگرف‌ترین تاثیر را بر موارد دشوار داشته باشد. علاوه بر این اگر اصول عدالت ترمیمی جدی قلمداد شود نیاز به رهیافت‌های ترمیمی، به‌ویژه در موارد دشوار، آشکارا معلوم می‌گردد. پرسش‌های راهنما درباره عدالت ترمیمی (نگاه کنید به صفحه ۵۲) بسا به آماده کردن پاسخ‌هایی ترمیمی در هر یک از دشوارترین موارد یاری رساند. خشونت خانگی<sup>۴۶</sup> یکی از چالش‌برانگیزترین حیطه‌های کاربری عدالت ترمیمی است و دقت زیادی در این مورد توصیه می‌شود. با این همه روزبه‌روز رهیافت‌های ترمیمی موفق در این حوزه قابل مشاهده است.

رهیافت‌های ترمیمی با تمام آسیب‌هایی سروکار دارد که در آن‌ها به نحو چشمگیری عدم توازن قدرت وجود دارد؛ مانند جنایات همراه با نفرت‌پراکنی، قلدری در محیط آموزشی<sup>۴۷</sup> و سوءاستفاده جنسی از کودکان<sup>۴۸</sup>. باید در طراحی برنامه این نکته مد نظر قرار گیرد و در موارد مزبوری که عامل رشد خشونت است، نیاز است تا تسهیلاتی به صورت موازی کاملاً به اجرا در آید. اما همچنان که کسان بسیاری نیز استدلال کرده‌اند، این امر وقتی محقق می‌شود که برنامه در بهترین شکل اجرا شود؛ آن‌گاه می‌تواند نتایجی به دنبال داشته باشد که به نسبت شیوه مرسوم در نظام قضایی کنونی برای حل این مشکلات بسی بهتر است.

شاید به نظر رسد برنامه‌های عدالت ترمیمی برای جوانان بهترین گزینه است. با این وجود عدالت ترمیمی برای بزرگسالان هم قابل اجراست و بسیاری از برنامه‌ها برای هر دو گروه سنی در نظر گرفته شده است.

عدالت ترمیمی برنامه‌ای از آمریکای شمالی یا نوین نیست. حوزه فعالیت‌های مدرن عدالت ترمیمی در دهه ۱۹۷۰ میلادی از پروژه‌های آزمایشی

45- minor

46- Domestic violence

47- bullying

48- child sexual abuse

در تعدادی از گروه‌های اجتماعی در کشورهای آمریکای شمالی آغاز شد. در حالی که تلاش می‌شد تا ایمان<sup>۴۹</sup> و همچنین نظرگاه صلح‌آمیز آن‌ها در جهان خشن عدالت‌جویی به کار بسته شود، منونایت‌ها و دیگر مشارکت‌کنندگان (در استان انتاریو و قدری بعدتر در ایندیانا) در برنامه رودرو شدن قربانیان با آسیب‌زنندگان، صاحب تجربه شدند و این فعالیت‌ها موجب تشکیل برنامه‌هایی در این گروه‌های اجتماعی شد که اندکی بعدتر به الگوهایی برای چنین برنامه‌هایی در جاهای دیگر دنیا تبدیل گردید. نظریه عدالت ترمیمی در آغاز از این تلاش‌های کوچک شروع به توسعه و پیشرفت کرد.

با این‌همه جنبش عدالت ترمیمی در فضای خلاء رشد نکرده و با جنبش‌های پیشین و سنت‌های دینی و فرهنگی متنوع در ارتباط بوده است. بسیاری از سنت‌های بومی عناصر ترمیمی مهمی داشته و دارند. این حوزه به صورت خاص و امدار مردمان بومی آمریکای شمالی و نیوزلند است؛ زیرا آن‌ها در رشد و پیشرفت اولیه این جنبش نقش داشتند و همچنین دیگر سنت‌ها به صورت فزاینده‌ای روحیه‌بخش این جنبش هستند. ریشه و پیشینه عدالت ترمیمی گسترده‌تر و عمیق‌تر از ابتکارات دهه ۱۹۷۰ است و قدمت آن به تاریخ انسان<sup>۵۰</sup> بر می‌گردد.

### عدالت ترمیمی نه نوشداروی<sup>۵۱</sup> هر درد و نه به‌ضرورت جایگزینی برای نظام قضایی است.

عدالت ترمیمی به شیوه اجرایی کنونی به هیچ وجه پاسخ‌گوی تمام موقعیت‌ها نیست و آشکار است که نبایستی آن را حتی در دنیای ایده‌آل جایگزین نظام قضایی دانست. بسیاری از افراد احساس می‌کنند حتی در صورتی که عدالت ترمیمی را بتوان به‌گسترده‌گی پیاده کرد، به برخی از شکل‌های نظام حقوقی غرب (به صورت ایده‌آل مثلاً نظام حقوقی ترمیم‌محور) باز هم به مثابه پشتیبان و پاسدار حقوق اساسی بشر نیاز خواهد بود. در واقع این کارکردی است که دادگاه نوجوانان در نظام عدالت ترمیمی نوجوانان نیوزلند دارا است.

بیش‌ترین مدافعان عدالت ترمیمی موافق‌اند که جرم و جنایت هم جنبه‌ای عمومی و هم جنبه‌ای خصوصی دارد. شاید دقیق‌تر آن باشد که بگوییم جنایت بیش از جنبه اجتماعی، جنبه شخصی و بین‌الاشخاصی دارد. نظام حقوقی بر جنبه اجتماعی تمرکز

49- faith

50- human history

51 panacea



می‌کند، این بدان معناست که تمرکز بر نیازها و مسئولیت‌های جامعه متناسب با تعریف دولت از این امور است. در هر حال این تاکید، جنبه شخصی و بین‌الاشخاصی جرم و جنایت را نادیده می‌گیرد یا کم‌ارزش جلوه می‌دهد. عدالت ترمیمی با درکانون توجه قراردادن و ارزش‌یابی ابعاد شخصی، بین‌الاشخاصی و اجتماعی جرم در پی فراهم آوردن تعادلی بهینه‌تر در چگونگی تجربه عدالت‌ورزی است.

### عدالت ترمیمی به ضرورت، گزینه بدیلی برای زندان نیست.

جامعه غرب و به‌ویژه ایالات متحده به شکل گسترده‌ای در بهره‌برداری از زندان زیاده‌روی<sup>۵۲</sup> می‌کند. اگر عدالت ترمیمی جدی گرفته می‌شد، تکیه بر زندان‌ها کاهش می‌یافت و ماهیت زندان‌ها نیز تا اندازه چشم‌گیری تغییر می‌کرد. با این حال، رهیافت‌های عدالت ترمیمی ممکن است گاهی همراه با یا به موازات محکومیت منجر به زندان نیز به کار گرفته شود. عدالت ترمیمی می‌تواند گزینه‌ای بدیل برای زندان باشد و همچنین اتکای بیش از حد ما را به آن کاهش دهد. با این‌همه عدالت ترمیمی ضرورتاً به حذف مجازات حبس برای برخی موارد، حکم نمی‌کند.

### عدالت ترمیمی به ضرورت، مخالف کیفردهی نیست.

به‌رغم نوشته‌های سابقم، دیگر ترمیم را قطب مخالف کیفردهی<sup>۵۳</sup> نمی‌دانم؛ اگرچه بایستی اتکای ما به مجازات فی‌نفسه کاهش یابد. تفصیل این مطلب در صفحه ۷۵ خواهد آمد.

### عدالت ترمیمی در ارتباط با نیازها و نقش‌ها است.

جنبش عدالت ترمیمی از اساس به مثابه کوششی برای بازاندیشی نیازهایی آغاز شد که هم جرم و جنایت مایه به‌وجودآمدن آن‌ها است و هم نقش‌هایی که در ضمن این امور ایجاد می‌شود. مدافعان عدالت ترمیمی نگران آنچه هستند که در روند رایج عدالت جزایی به دست نیامده است. آن‌ها همچنین بر این باورند که فهم متداول از کسانی که مشارکت‌کنندگان یا صاحبان حق قانونی در حقوق به شمار می‌آیند، بسیار تنگ‌نظرانه است.

عدالت ترمیمی دایره صاحبان حق قانونی، یعنی کسانی که منفعت یا موضعی در

52- overuse

53- retribution

رخدادی دارند، را توسعه بخشید و این امر شامل دولت و احزاب سیاسی و همچنین دیگر اعضای جامعه می‌شود که مجرم‌اند و مستقیماً و بلاواسطه این جرایم را مرتکب شده‌اند.

بدان جهت که این دیدگاه درباره نیازها و نقش‌ها در آغاز جنبش مطرح بود و به این دلیل که چارچوب نیازها/نقش‌ها برای این مفهوم بسیار اساسی است، اهمیت دارد که این نگاه کلی از همین جا آغاز شود. با بسط و توسعه این حوزه، تحلیل درباره مفهوم صاحبان حق پیچیده‌تر و فراگیرتر شد.

بحث آینده، محدود به برخی از دغدغه‌های بنیادینی است که در آغاز جنبش وجود داشتند و آن‌هایی که تا کنون نقشی اساسی را بازی می‌کنند. همچنین این بحث محدود است به «نیازهای مرتبط با عدالت‌ورزی»<sup>۵۴</sup> یعنی نیازهای کسانی که آسیب دیده‌اند، آسیب زده‌اند و اعضای گروه‌های اجتماعی که ممکن است در این امور دست کم تا حدی با یکدیگر در روند عادلانه قضایی مشترک باشند.

### قربانیان؛ کسانی که آسیب دیده‌اند.

نیازهای قربانیان جنایات از دغدغه‌های خاص عدالت‌ترمیمی در بافت عدالت‌جزایی است که به طور کافی از سوی این نظام قضایی چیزی برای آن در نظر گرفته نشده است. مردمانی که قربانی شده‌اند اغلب احساس می‌کنند نادیده گرفته شده‌اند، به فراموشی سپرده شده‌اند و حتی از سوی نظام قضایی مورد سوءاستفاده قرار گرفته‌اند. در واقع برخی اوقات منافع دولتی در مخالفت مستقیم با منافع قربانیان است. این امر تا حدی ناشی از تعریف قانونی از مسئله جرم و جنایت است که آشکارا خود قربانیان را شامل نشده است. جرم و جنایت به مثابه کاری در برابر دولت تعریف شده است؛ به گونه‌ای که دولت جای قربانی قرار می‌گیرد. با این حال کسانی که آسیب دیده‌اند، اغلب از روند عادلانه قضایی نیازهایی را طلب می‌کنند.

نظر به تعریف قانونی جرم و جنایت و سرشت روند عادلانه‌جزایی، چهار گونه از نیازهایی که در زیر می‌آیند، به نظر می‌رسد به طور خاص مورد غفلت واقع شده‌اند:

**یک- اطلاعات:**<sup>۵۵</sup> کسانی که آسیب دیده‌اند نیاز دارند تا به پرسش‌های آن‌ها در ارتباط با آسیب و آسیب‌زننده پاسخ داده شود؛

54- justice needs

55- Information

پرسش‌هایی از قبیل این که چرا و چگونه آسیب رخ داده است و از زمان وقوع تا به حال چه شده است؟ آن‌ها به اطلاعات واقعی و نه گمانه‌زنی یا اطلاعات از لحاظ قانونی محدود، نیاز دارند که نتیجه دادرسی است یا از اقرار مصلحتی به جرم ناشی شده است. اطمینان حاصل کردن از واقعی بودن اطلاعات معمولاً نیازمند دسترسی مستقیم یا غیرمستقیم به فردی است که جرم را مرتکب شده است و اطلاعات واقعی را داراست.

**دو- بیان واقعیت:**<sup>۵۶</sup> یک عامل مهم در بهبودبخشیدن یا مرتفع کردن تجربه جرم و جنایت، فراهم کردن فرصتی برای بیان واقعیت داستان رخ داده است. دلایل درمان‌گرانه خوبی برای این کار وجود دارد. بخشی از آسیب ناشی از جرم و جنایت، شیوه‌ای است که دیدگاه ما را درباره خودمان، جهان‌مان و داستان زندگی‌مان آشفته کرده است. مرتفع کردن این تجربه‌ها به معنای «بازخوانی داستان»<sup>۵۷</sup> زندگی ما است؛ بدین طریق که داستان را در موقعیت‌های برجسته بازخوانی کنیم تا اغلب از سوی دیگرانی مورد تایید واقع شوند. همچنین بیش‌تر اوقات برای قربانیان مهم است تا داستان خود را برای افرادی که به آن‌ها آسیب زده‌اند تعریف کنند و آن‌ها را وادار کنند تا درک نمایند کارهایشان چه تأثیراتی در پی داشته است.

**سه- قدرت بخشیدن:**<sup>۵۸</sup> اغلب کسانی که قربانی شده‌اند احساسی شبیه به این دارند که با تجربه آسیبی که از سر گذرانده‌اند، دیگر کنترل امورشان از دست آن‌ها خارج شده است؛ کنترل اموال، کنترل حرکات بدن، کنترل احساسات و کنترل رویاها. شرکت داشتن در روند پی‌گیری پرونده خود، آنچنان که گویا در فرآیند دادرسی عادلانه قرار دارند، راهی مهم است تا احساس قدرت‌مندی بدان‌ها بازگردانده شود. فراهم کردن فرصت و تشویق به خودشناسی درباره نیازهایشان هم مهم است؛ به جای این که از سوی دولت یا حتی حامیان قربانیان نیازهای آن‌ها به ایشان شناسانده شود.

56- Truth-telling

57- re- storytelling

58- Empowerment

**چهار- تاوان پس دادن یا تبرئه شدن:**<sup>۵۹</sup> پرداخت تاوان به آسیب دیدگان از سوی کسانی که مرتکب جرم شده اند امری اغلب مهم قلمداد می شود؛ زیرا برخی اوقات فقدان واقعی در کار است اما دلیل اهمیت، به صورت دقیق این است که پرداخت تاوان، دلالت بر به رسمیت شناختن نمادین دارد. وقتی کسی که جرمی مرتکب شده است تلاش می کند آسیبی را که وارد کرده است - هرچند محدود و تنها در پاره هایی - درست کند، این کار شیوه ای است برای بیان این که «من مسئولیت کاری را که کرده ام می پذیرم و شما سزاوار سرزنش نیستید».

تاوان دهی در واقع نشانه یا علامتی از نیازی مبنایی تر است؛ یعنی نیاز به تبرئه شدن. در حالی که بحث درباره مفهوم تبرئه شدن فراتر از موضوع اصلی این کتابچه است، من قانع شده ام این مسئله نیازی اساسی است که همه ما وقتی با ما به صورتی ناعادلانه برخورد می شود، بدان نیاز مندیم. تاوان پس دادن یکی از شیوه هایی است که در آن ها این نیاز حتی در نتیجه کار اثرگذار است. همچنین پوزش طلبیدن می تواند یاری رساند تا این نیاز به بازشناسایی آسیب از سوی قربانی بیانجامد.

تلاش برای جدی گرفتن این «نیازهای مرتبط با عدالت ورزی» برای قربانیان بوده است که مایه پیدایش فعالیت های نظری و ترمیمی شده است و به شدت آن ها را تحت تاثیر قرار داده است.<sup>۶۰</sup>

### مجرمان؛ کسانی که آسیب وارد کرده اند.

دومین ساحت عمده دغدغه ای که به عدالت ترمیمی دامن زده است، اطمینان حاصل کردن از مسئولیت پذیری برای کسانی بوده است که مرتکب جرم شده اند. نظام عادلانه جزایی دغدغه مسئولیت پذیر بودن مجرمان را دارد؛ اما مسئولیت پذیری و پاسخ گویی در آن نظام به معنای اطمینان حاصل کردن از دریافت مجازاتی است که مجرمان مستحق آن هستند. در فرآیند دادرسی، ایشان را بسیار اندک ترغیب می کنند تا

59- Restitution or vindication

۶۰- برای بحث بیشتر درباره نیازمندی های عدالت ورزانه بنگرید به: Zehr, *Transcending: Reflections of Crime Victims*, Part 2.

پیامدهای کارهایی را که کرده‌اند، بفهمند یا با کسانی که آسیب دیده‌اند، همدلی کنند. برعکس، بازی خصومت‌آمیز ضروری می‌نماید تا ایشان مراقب خود باشند. کسانی که مرتکب جرم شده‌اند مایوس از اذعان به مسئولیت‌پذیری خود هستند و فرصت کمی بدان‌ها داده می‌شود تا به صورت عینی و واقعی بر اساس مسئولیت‌پذیری خود عمل کنند. در واقع خطر مجازات زندان طولانی‌مدت به عنوان عاملی بازدارنده برای بیان واقعیت عمل می‌کند.

راهبردهای رهنمون به بی‌طرفی و خنثی‌سازی - یعنی کلیشه‌ها و دلیل تراشی‌هایی که مجرمان معمولاً به کار می‌برند تا از کسانی که بدان‌ها آسیب وارد کرده‌اند به دور باشند - هیچ‌گاه به چالش کشیده نشده‌اند. بنابراین متأسفانه فقط حس جداافتادگی<sup>۶۱</sup> از جامعه از رهگذر فرآیند دادرسی و تجربه زندان فزونی می‌یابد؛ در واقع آن‌ها اغلب احساس می‌کنند قربانی جامعه و نظام قضایی هستند. از این جهت روند قانونی به دلایل زیادی مجرمان را به سر باز زدن از مسئولیت‌پذیری و همدلی وا می‌دارد.

عدالت ترمیمی به آگاهی‌رسانی درباره محدودیت‌ها و پیامدهای ضمنی مجازات پرداخته است. با این حال فراتر از آگاهی‌رسانی، استدلال می‌کند که مجازات، همان مسئولیت‌پذیری واقعی نیست. مسئولیت‌پذیری واقعی شامل روبروشدن با آن کاری است که فرد انجام داده است و به معنای ترغیب آسیب‌رسانندگان به درک کردن تأثیراتی است که رفتارشان، یعنی آسیب‌رساندن، به جا گذاشته است و واداشتن آن‌ها به انجام دادن کار درست تا جایی است که امکان‌پذیر است. استدلال شده است که این مسئولیت‌پذیری هم برای قربانیان و هم مرتکبان جرم و همچنین جامعه بهتر است.

کسانی که مرتکب جرم شده‌اند علاوه بر مسئولیت‌پذیری در قبال قربانیان و جامعه نیازهای دیگری نیز دارند. اگر ما از آن‌ها بخواهیم مسئولیت‌پذیری خود را در نظر گیرند، رفتار خود را تغییر دهند و به عضوی از اعضای جامعه ما تبدیل شوند؛ آن‌گاه عدالت ترمیمی به ما می‌گوید که بایستی نیازهای آن‌ها نیز خاطر نشان شود. این موضوع فراتر از کانون توجه این کتابچه است؛ با این‌همه آنچه در ادامه می‌آید به برخی از آن‌ها اشاره می‌کند:

کسانی که آسیب رسانده‌اند نیاز دارند تا عدالت‌ورزی برای آن‌ها امور زیر را فراهم کند:

یک - مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی:

- که آسیب‌های واردشده را خاطر نشان می‌کند؛

- مسئولیت‌پذیری و همدلی را برمی‌انگیزد؛
- و شرمساری را انتقال می‌دهد.<sup>۶۲</sup>
- دو- ترغیب به تجربه تغییر شخصی، شامل:
  - درمان آسیب‌هایی که در رفتار مجرمانه سهیم بوده‌اند که شامل لطمه‌های شخصی و تاریخی می‌شود؛<sup>۶۳</sup>
  - فرصت‌های بهبودبخش برای معتادان یا دیگر کسانی که مشکل دارند؛
  - و تقویت توانمندی شخصی.
- سه- ترغیب و حمایت برای یکپارچگی با جامعه.
- چهار- محدودیت قائل شدن موقتی، دست کم برای افراد اندکی.

### گروه اجتماعی

گروه‌های اجتماعی و اعضای آنان نیازهایی دارند که از پی جرم و جنایت ایجاد شده‌اند و نقش‌هایی برای ایفاکردن دارند. مدافعان عدالت ترمیمی مانند قاضی سابق بری استوارت<sup>۶۴</sup> و کای پرائیس استدلال می‌کنند که وقتی دولت به نام ما جلودار می‌شود آن گاه حس ما به عنوان عضوی از گروه اجتماعی نادیده گرفته شده است.<sup>۶۵</sup> جرم و جنایت به گروه‌های اجتماعی ضربه وارد کرده است؛ در حالی که در بسیاری از موارد باید به عنوان قربانی دست‌دوم لحاظ شوند. همچنین بسا گروه‌های اجتماعی مسئولیت‌هایی نسبت به قربانیان و دیگر افرادی بر عهده گیرند که بخشی از گروه‌های

---

۶۲- نظریه «شرمندگی» به عنوان موضوعی مهم در ادبیات عدالت‌ورزی ترمیمی پدیدار گشت. جان بریث‌ویت در اثر پیشتاز خود «جنایت، شرمندگی و انسجام دوباره» استدلال کرده است که اگر داغ شرمندگی بر پیشانی کسی بخورد، خود عاملی برای ارتکاب جرم خواهد شد. با این حال، شرمندگی می‌تواند به‌عنوان «عاملی بازانسجام‌بخش» در نظر گرفته شود؛ در صورتی که از این طریق، ارتکاب جرم قبیح انگاشته شود و فرصت‌هایی فراهم آید تا این شرمندگی نیز برطرف گردیده یا تغییر ماهیت یابد. در هر حال این موضوع بسیار مناقشه‌برانگیز است و بهترین پژوهش پیشنهاد می‌کند که شرمندگی در واقع هم در قربانی شدن و هم در ارتکاب جرم موثر است؛ از این رو باید به‌دقت آن را به کار برد. در بیش‌تر موقعیت‌ها تمرکز باید بر مدیریت‌کردن این احساس یا تغییردادن آن معطوف شود و نه این‌که آن را بر افراد تحمیل کرد.

۶۳- نگاه کنید به:

(Carolyn Yoder, *The Little Book of Trauma Healing* (Good Books, 2005

64- Barry Stuart

۶۵- نگاه کنید به:

Kay Pranis, *The Little Book of Circle Processes* (Good Books, 2005), and Kay Pranis, Barry Stuart, and Mark Wedge, *Peacemaking Circles: From Crime to Community* (Living Justice Press, 2003).

اجتماعی محسوب می‌شوند.

وقتی گروهی اجتماعی درگیر پرونده‌ای شود، آن گاه ممکن است مجالی برای تبادل آرا فراهم آید تا بدین موضوعات پرداخته شود. این امر نیز مسئله‌ای بزرگ است. فهرست زیر برخی از این دغدغه‌ها را برمی‌شمارد:

گروه‌های اجتماعی نیاز دارند تا عدالت‌ورزی این امور را فراهم آورد:

یک- توجه به دغدغه‌های آن‌ها به عنوان قربانی؛

دو- فراهم کردن فرصت‌هایی برای ساخت حس اجتماعی بودن و مسئولیت‌پذیری دوطرفه؛

سه- فراهم کردن فرصت‌ها و ترغیب برای متعهدشدن به منظور رفاه اعضای آن گروه اجتماعی، که شامل کسانی می‌شود که آسیب دیده‌اند و کسانی که آسیب رسانده‌اند، و پر و بال دادن به شرایطی که برای ارتقای گروه‌های اجتماعی سالم ضروری است.

بسیار بیش از این درباره نیازها و نقش‌های افرادی نوشته شده است که مرتکب جرم شده‌اند. با این حال دغدغه بنیادین درباره نیازها و نقش‌های قربانیان، مجرمان و اعضای جامعه که در بالا بدان‌ها اشاره شد، کماکان ادامه دارد که هم‌کنون توجه نظریه‌پردازی و هم‌کنشگری در ساحت عدالت‌ورزی ترمیمی است.

به طور خلاصه، نظام قضایی یا جزایی متمرکز بر مجرمان و مجازات است؛ یعنی اطمینان می‌دهد که افراد آسیب‌زننده به مجازاتی رسیده‌اند که سزاوارش<sup>۶۶</sup> هستند. عدالت ترمیمی بیش‌تر متمرکز بر نیازهاست؛ نیازهای کسانی که آسیب دیده‌اند، کسانی که آسیب رسانده‌اند و گروه‌های اجتماعی که این موقعیت‌ها در آن‌ها رخ داده است.





## فصل دوم: اصول ترمیمی

عدالت ترمیمی بر اساس فهم عرفی و کهن از خطاکاری بنا شده است. اگر چه می توان این امر را به شکل های مختلف در فرهنگ های مختلف بیان کرد، با این حال احتمالاً این رهیافت در بیش تر جوامع سنتی مشترک است. برای کسانی از ما با پیشینه اروپایی، این شیوه همانی است که آبا و اجداد ما (و حتی چه بسا خانواده های ما) بر اساس آن خطاکاری را فهمیده اند.

- جرم و جنایت، بی حرمتی به مردم و روابط بین افراد انسانی است.
- این بی حرمتی ها تعهداتی را به باز می آورد.
- تعهد اساسی آن است که به جای امور نادرست کار درست را انجام داد؛ یعنی آسیب هایی را جبران کرد که به واسطه خطاکاری پدید آمده است.

تاکید بر این فهم از خطاکاری پیش فرضی درباره جامعه را در بر دارد: همه ما با هم در ارتباط هستیم. در متون عبری این مسئله در مفهوم «شالوم»<sup>۶۷</sup> گنجانده شده است؛ یعنی منظری درباره زیستن در احساسی از «خوب بودن» همه انسان ها با یکدیگر، با آفریدگار و با محیط زیست. بسیاری از فرهنگ ها واژه ای دارند که این نکته را درباره اساسی بودن

روابط بازنمایی می‌کند. برای مائوری‌ها<sup>۶۸</sup> یعنی بومی‌های نیوزلند این مفهوم از طریق واژه whakapapa، برای نواوها<sup>۶۹</sup> یعنی بومیان جنوب غربی ایالات متحده از طریق واژه hozho، برای بسیاری از آفریقایی‌ها به زبان بانتویی از طریق واژه ubuntu و برای بودیست‌های تبتی از طریق واژه tendrel منتقل می‌شود. با وجود این که معنای خاص این واژگان با یکدیگر تفاوت‌هایی دارد، همگی یک پیام را منتقل می‌کند: همه چیز با هم در شبکه‌ای ارتباطی متصل است.

در این جهان‌بینی مسئله جرم و جنایت - و به طور کلی خطاکاری - یعنی این که جراحی در اجتماع و گسستگی در روابط نمایان شده است. جرم و جنایت باز نمودی از روابط ازهم‌پاشیده است. در واقع روابط ازهم گسسته هم دلیل و هم علت جرم و جنایت است. در بسیاری از سنت‌ها چنین مضمونی نقل می‌شود که آسیب‌زدن به یک فرد آسیب‌زدن به همگان است. آسیبی مانند جرم و جنایت لرزه بر تمام شبکه روابط می‌اندازد. علاوه بر این، خطاکاری همواره نشانه‌ای از وجود عدم تعادل در این شبکه روابط است.

روابط بین افراد دلالت بر تعهدات و مسئولیت‌هایی دوطرفه دارد. بنابراین نباید شگفت‌زده شد که این دیدگاه درباره خطاکاری، بر اهمیت تجدیدنظر کردن یا «درستکاری» تاکید دارد. در واقع تجدیدنظر درباره خطاکاری، خود یک تعهد است. در حالی که تاکید اولیه بر تعهداتی است که آسیب‌زنندگان بر عهده دارند، اما تمرکز بر ارتباط بین افراد امکانی فراهم می‌کند که دیگران، به‌ویژه در اجتماع بزرگ‌تر، نیز تعهداتی را بر عهده داشته باشند.

حتی به صورتی بنیادین‌تر، این دیدگاه درباره خطاکاری دلالت بر دغدغه‌ای برای بهبود کسانی دارد که در جریان جرم و جنایت قرار گرفته‌اند؛ مانند کسانی که آسیب را ایجاد کرده‌اند و همچنین گروه‌های اجتماعی مربوط به آنان.

چگونه این فهم در قیاس یا تقابل با عدالت «جزایی» و قضایی است؟ تفاوت‌ها در این دو رهیافت را می‌توان به شکل زیر در سه پرسش اساسی در جستجوی عدالت خلاصه کرد که در این جدول تطبیقی آمده است:

## دو دیدگاه مختلف

عدالت ترمیمی	عدالت جزایی
- ارتکاب جرم بی‌حرمتی به انسان‌ها و روابط بین‌آنهاست.	- ارتکاب جرم بی‌حرمتی به قانون و دولت است.
- این بی‌حرمتی تعهداتی را به وجود می‌آورد.	- این بی‌حرمتی مجرم‌بودن را به وجود می‌آورد.
- عدالت‌ورزی قربانیان، مجرمان و اعضای جامعه را درگیر فعالیت می‌کند تا آسیب ترمیم شود و «کار درست انجام شود».	- برای عدالت‌ورزی وجود دولت الزامی است تا مقصر (مجرم) را معین نماید و به او دردی (مجازات) تحمیل نماید.
- کانون توجه: نیازهای قربانی و مسئولیت‌پذیری مجرم برای ترمیم آسیب‌هایی که وارد شده است.	- کانون توجه: مجرمان آنچه را دریافت کنند که سزاوار آنهاست.

## سه پرسش متفاوت

عدالت ترمیمی	عدالت جزایی
- چه کسی آسیب دیده است؟	- چه قوانینی زیر پا گذاشته شده‌اند؟
- نیازهای آنها چیست؟	- چه کسانی این کار را کرده‌اند؟
- این امور به عهده چه کسانی است؟	- ایشان سزاوار چه هستند؟

در قطعه‌ای که بیش‌تر اوقات از متون مسیحی و یهودی نقل می‌شود، می‌کاه نبی<sup>۷۰</sup> به پرسش «خداوند به چه چیزی احتیاج دارد؟» چنین پاسخ می‌دهد: «عدالت‌ورزی». با این‌همه عدالت‌ورزی خود به چیزی احتیاج دارد؟ چنان‌که دیدیم پاسخ جوامع غربی بر این امر تمرکز یافته است که اطمینان حاصل شود مجرم به سزای خود برسد. عدالت ترمیمی به صورتی متفاوت پاسخ ارائه می‌دهد که قبل از هر چیز در درجه نخست بر نیازها و مسئولیت‌های مرتبط با آن متمرکز است.

ضمیمه یک بیانیه کامل‌تری درباره اصول عدالت ترمیمی و دلالت‌های آن فراهم می‌آورد که به صورت مستقیم بر مفهوم خطاکاری، مطابق با آنچه در بالا ذکر شد، بنا شده است. با این وجود، متناسب با هدف نوشته حاضر، مفهوم با هم در ارتباط بودن برای فهم دلیل این‌که چرا نیازها، نقش‌ها و تعهدات برای عدالت ترمیمی تا این اندازه از اهمیت برخوردارند، اساسی است.

### سه ستون عدالت ترمیمی

شایسته است به سه مفهوم محوری یا سه ستون، نگاهی دقیق‌تر بیفکنیم: آسیب‌ها و نیازها، تعهدات و الزام‌ها.

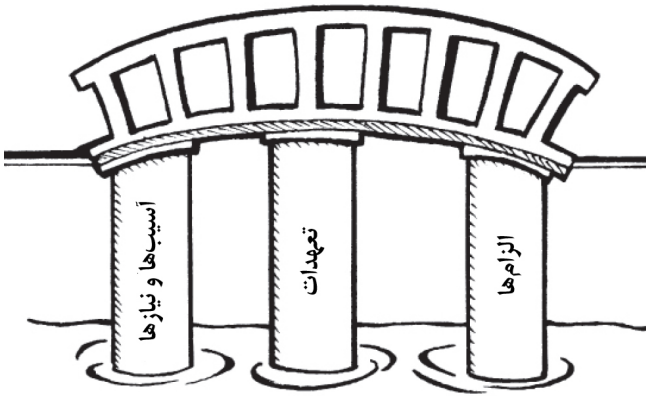
#### یک - عدالت ترمیمی بر آسیب تمرکز دارد.

عدالت ترمیمی جرم را در درجه اول آسیبی می‌داند که به افراد و جامعه وارد شده است. نظام قانونی ما با تمرکز بر نقش‌ها و قوانین، همچنین مبتنی بر دیدگاهی که دولت را قربانی قلمداد می‌کند، اغلب این واقعیت را از نظر به دور نگه می‌دارد.

نظام قانونی با توجه به اولویت‌دادن به حصول اطمینان از روبرو کردن مجرم با مجازاتی که مستحق آن است، اغلب کسانی را که قربانی شده‌اند، در بهترین حالت دومین دغدغه عدالت‌ورزی به شمار می‌آورد. برعکس، تمرکز بر مفهوم آسیب، بر داشتن دغدغه ذاتی درباره نیازها و نقش‌های کسانی که آسیب دیده‌اند دلالت دارد.

آن‌گاه برای عدالت ترمیمی، عدالت‌ورزی با دغدغه درباره قربانیان و نیازهای آنان آغاز می‌گردد. عدالت ترمیمی به دنبال مرمت آسیب

تا جایی است که هم از جهت عینی<sup>۷۱</sup> و هم نمادین<sup>۷۲</sup> ممکن باشد. این رهیافت قربانی محور مستلزم آن است که عدالت ورزی، دغدغه نیازهای قربانیان را در نظر گیرد؛ حتی زمانی که فرد مرتکب جرم، شناسایی نشود یا بدان دسترسی نباشد. فراهم کردن فرصت برای کسانی که آسیب دیده‌اند اهمیت دارد تا نیازهای خود را شناسایی کنند و نه این که دیگران یا نظام قانونی، آن نیازها را برای ایشان تعریف کند.



در حالی که دغدغه اصلی ما بایستی آسیبی باشد که قربانیان آن را تجربه کرده‌اند، تمرکز بر آسیب بر این دلالت دارد که همچنین نیازمند تمرکز بر آن آسیب‌هایی هستیم که مجرمان ایجاد کرده‌اند و گروه‌های اجتماعی هم آن را تجربه کرده‌اند. احتمال دارد که این امر ما را به خاطر نشان ساختن ریشه‌های جرم و جنایت ملزم سازد. هدف عدالت ترمیمی فراهم ساختن تجربه بهبودی برای تمام افرادی است که دغدغه آن‌ها در دستور کار قرار دارد. عدالت ترمیمی به صورت آرمان‌گرایانه به جلوگیری از آسیب‌رسانی توجه دارد و همچنین این که عدالت پس از رخداد آسیب برقرار شود.

71- concretely

72- symbolically

## دو- نادرست کاری یا آسیب‌ها موجب پدید آمدن تعهدات<sup>۷۳</sup> است.

به همین دلیل عدالت ترمیمی بر پاسخ‌گویی و مسئولیت‌پذیری برای کسانی تاکید می‌ورزد که آسیب را ایجاد کرده‌اند. پاسخ‌گویی را نظام قانونی بر اساس اطمینان حاصل کردن از دریافت مجازات کسانی تعریف می‌کند که آسیب رسانده‌اند. با این وجود اگر جرم و جنایت از اساس به آسیب مربوط باشد، پاسخ‌گویی به معنای بایستگی ترغیب مجرمان به فهم ماهیت آسیب‌زنده‌ی کاری است که انجام داده‌اند. کسانی که آسیب رسانده‌اند باید از پیامدهای رفتاری که مرتکب شده‌اند، آگاه شوند. علاوه بر این، پاسخ‌گویی به این معناست که ایشان تعهداتی برای مرمت و برطرف کردن آسیب دارند؛ یعنی تا جایی که ممکن است درست کاری را هم از جهت عینی و هم نمادین مد نظر داشته باشند. بدین معنا ایشان مسئولیتی دارند که بر مبنای آن باید در برابر افرادی که بدان‌ها آسیب زده‌اند، درست کاری پیشه کنند. مسئله فقط انجام دادن کار «درست» نیست، بلکه احتمالاً بیش از مجازات در صدد جلوگیری از رخ دادن جرم در آینده است. چنانچه خواهیم دید، تعهد اولیه بر عهده کسانی است که به صورت مستقیم مسئول آسیب‌رسانی هستند؛ با این حال گروه‌های اجتماعی و جامعه هم تعهداتی دارند.

## سه- عدالت ترمیمی، التزام<sup>۷۴</sup> و مشارکت<sup>۷۵</sup> را ارتقاء می‌بخشد.

اصل التزام پیشنهاد می‌کند روند عدالت نسبت به کسانی که به واسطه جرم و جنایت به صورت مقدماتی آسیب دیده‌اند، نقش مهمی در نظر گیرد؛ یعنی هم قربانیان، هم مجرمان و نیز اعضای جامعه. این «صاحبان حق» نیازمند داشتن اطلاعات درباره یکدیگر و مشارکت در فرآیند تصمیم‌گیری عادلانه در این مورد هستند. در برخی موارد این امر مستلزم گفتگوی دوطرفه عینی بین طرف‌های

73- obligations

74- engagement

75- participation

دعوا است؛ چنان که در گردهمایی قربانی-مجرم رخ می‌دهد. آن‌ها روایت‌های خود را بیان می‌کنند و درباره آنچه بایستی انجام شود به اتفاق نظر می‌رسند. در موارد دیگر احتمالاً شامل نظردادن به صورت غیرمستقیم، استفاده از جانشین و نایب یا دیگر شکل‌های مشارکت است.

اصل التزام، بر مشارکت دایره‌ای از افرادی دلالت دارد که به نسبت فرآیند عدالت‌ورزی سنتی تعداد بیش‌تری را درگیر می‌کند.

بنابراین عدالت ترمیمی بر اساس سه اصل یا ستون ساده بنا شده است: آسیب‌ها و نیازهای مرتبط با آن (در درجه اول درباره کسانی که قربانی شده‌اند و البته گروه‌های اجتماعی و هم‌کسانی که جرم را مرتکب شده‌اند)؛ تعهدات که در نتیجه (و بر اثر) این جرم‌ها پدید آمده است (که هم مرتکب‌شونده و هم جامعه را در برمی‌گیرد) و التزام و مشارکت کسانی که دغدغه قانونی دارند و در حل و فصل مسائل قضایی سهیم هستند (کسانی که آسیب دیده‌اند و آسیب رسانده‌اند و همچنین اعضای جامعه). راس لاندن<sup>۷۶</sup> استدلال کرده است که «روح عدالت ترمیمی کوششی است برای مرمت و بازسازی آسیب‌های ناشی از ارتکاب جرم».<sup>۷۷</sup>

به صورت خلاصه طرح کلی عدالت ترمیمی را در زیر می‌بینید: اگرچه این طرح به خودی خود کافی نیست با این حال چارچوبی فراهم می‌آورد که بر اساس آن به شناخت کامل‌تری می‌توان دست یافت.

عدالت ترمیمی محتاج دست کم خاطر نشان کردن آسیب‌ها و نیازهای کسانی می‌شود که آسیب دیده‌اند، نیازمند مسئول به‌شمار آوردن کسانی است که آسیب را پدید آورده‌اند تا «کار درست» را در ازای آسیبی انجام دهند که به‌وجود آورده‌اند و همچنین هر دو طرف دعوا را به‌همراه گروه‌های اجتماعی مرتبط در این فرآیند سهیم بدانند.

76- Ross London

۷۷- بنگرید به:

<http://emu.edu/now/restorative-justice/>, May 2, 2013 as well as Ross London, *Crime, Punishment, and Restorative Justice: From the Margins to the Mainstream* (Lynne Rienner Publishers, 2010).

چگونه و چه کسانی از اهمیت برخوردارند؟ این که چه کسانی و چگونه در فرآیند عدالت‌ورزی سهیم هستند، بخش مهمی از عدالت‌ورزی ترمیمی است.

### فرآیند چگونگی

نظام قضایی ما فرآیندی خصومت‌آمیز<sup>۷۸</sup> است که عاملان آن متخصصان و افراد حرفه‌ای هستند؛ یعنی نماینده فرد مجرم و دولت. در این فرآیند داوری را قاضی بر عهده دارد. احکام را صاحبان آتوریته یعنی قوانین، قضات و هیئت‌های منصفه تحمیل می‌کنند؛ ایشان همگی بیرون از جریان نزاع اصلی قرار دارند. قربانیان، اعضای جامعه و حتی مجرمان به‌ندرت در این فرآیند به شیوه‌ای قابل ملاحظه شرکت دارند.

با وجود این که اغلب عدالت ترمیمی نیاز به آتوریت‌های بیرونی و در برخی موارد احکام تحمیلی را به رسمیت می‌شناسد، با این حال عدالت ترمیمی بر اهمیت فعالیت گروهی از سوی کسانی تاکید دارد که منفعت مشخصی در آن رخداد یا اتفاق دارند؛ این افراد یا درگیر مسئله هستند، یا تحت تاثیر آن واقع شده‌اند یا از دیگر سو آن کسانی‌اند که نسبت به مسئله ارتکاب جرم دغدغه قانونی دارند.

عدالت ترمیمی غالباً جایگاهی برای رهیافت خصومت‌انگارانه و نقش افراد حرفه‌ای و همچنین نقش مهمی برای دولت در نظر می‌گیرد. با این حال، عدالت ترمیمی بر اهمیت فعالیت گروهی از سوی کسانی تاکید دارد که منفعت مشخصی در آن رخداد یا اتفاق دارند؛ یعنی افرادی که درگیر مسئله هستند، تحت تاثیر آن واقع شده‌اند یا از سوی دیگر کسانی که دغدغه قانونی نسبت به مسئله ارتکاب جرم دارند.

اغلب مواجهه مستقیم، سهل و آسان و چهره به چهره همراه با بررسی‌های امنیتی، تدارکات لازم و رعایت مسائل حفاظتی محل تضارب آرا ایده‌آل برای مشارکت صاحبان حقوق خاص است. همچنان که به اختصار خواهیم دید این مسئله می‌تواند شکل‌های متفاوتی داشته باشد: گردهمایی قربانی و مجرم، گردهمایی گروه‌های خانوادگی یا فرآیندهای حلقه‌محور.

یک نشست این امکان را فراهم می‌آورد تا کسانی که آسیب رسانده‌اند و افرادی که آسیب دیده‌اند به صورت چهره به چهره با هم ملاقات کنند، به صورت مستقیم از یکدیگر پرسش‌های خود را طرح کنند و درباره این که به چه کیفیتی می‌توانند



کار درست را انجام دهند، مذاکره نمایند. آن گاه فرصتی برای قربانیان مهیا می شود تا سوالات خود را پرسند یا به صورت مستقیم به آسیب‌رسانندگان بگویند که پیامد آسیب‌رسانی آن‌ها چه بوده است. این امکان برای آسیب‌رسانندگان فراهم می شود تا حرف‌های قربانیان را بشنوند و بفهمند آسیب‌هایی که وارد کرده‌اند، چه عواقبی به دنبال داشته است. این کار امکاناتی برای پذیرش مسئولیت و نیز معذرت‌خواستن پیش می‌نهد. بسیاری از کسانی که قربانی شده‌اند و همچنین کسانی که مرتکب جرم شده‌اند چنین جلساتی را به عنوان تجربه‌ای مثبت و موثر ارزیابی کرده‌اند.

مواجهه - خواه مستقیم خواه غیرمستقیم - همیشه ممکن نیست و شاید در برخی موارد اصلاً بدان نیازی نباشد. در برخی فرهنگ‌ها این مواجهه مستقیم شاید مناسب تلقی نگردد. مواجهه غیرمستقیم می‌تواند شامل نامه‌نگاری، تبادل فایل تصویری یا برگزاری جلسه با نماینده قربانی باشد. در تمام این موارد تلاش‌ها بایستی معطوف به درگیر شدن هر چه بیش‌تر طرف‌های صاحبان حق قانونی در دعوا و تبادل اطلاعات بین آن‌ها باشد.

**صاحبان حق - چه کسانی؟**

البته صاحبان حق اصلی کسانی هستند که به صورت مستقیم آسیب دیده‌اند و کسانی که آسیب را وارد کرده‌اند. شاید اعضای جامعه هم به صورت مستقیم تحت تاثیر این آسیب واقع شده باشند و بنابراین بایستی آنان را نیز صاحبان حق بلاواسطه محسوب کرد. افزون بر این، حلقه کسانی دیگر هم در کار است که میزان سهم‌بودن آنان در این موقعیت متفاوت از یکدیگر است. این افراد ممکن است شامل اعضای خانواده و دوستان فرد قربانی یا دیگرانی تحت عنوان «قربانیان درجه دو» باشد؛ خانواده‌ها و دوستان کسانی که آسیب‌رسانی کرده‌اند یا دیگر اعضای آن گروه اجتماعی.

### گروه اجتماعی چه کسانی هستند؟

مناقشه درباره معنای گروه اجتماعی و این که به چه کیفیتی ایشان می‌توانند به صورت واقعی در این فرآیندها دخالت داشته باشند، در مباحث مربوط به عدالت ترمیمی رو به فزونی گذاشته است. موضوع به صورت خاص مشکل فرهنگ‌هایی است که گروه‌های اجتماعی سنتی در آن‌ها از بین رفته‌اند؛ همان‌طور که در بیش‌تر ایالات متحده این مطلب صادق است. علاوه بر این، مفهوم «گروه‌های اجتماعی»<sup>۷۹</sup> می‌تواند انتزاعی‌تر از چیزی باشد که مفید واقع شود. این در حالی است که گروه اجتماعی می‌تواند در رخداد سوءاستفاده جنسی، مقصر باشد. گفتگو درباره این موضوعات فراتر از موضوع کتاب

حاضر است اما مشاهداتی اندک در این باب می‌تواند به ما کمک کند.<sup>۸۰</sup> عدالت ترمیمی در ساحت عمل تمایل داشته است تا بر «گروه‌های اجتماعی مراقبتی»<sup>۸۱</sup> یا جوامع کوچک تمرکز داشته باشد. گروه‌های اجتماعی «محلی» وجود دارند، یعنی جایی که مردم نزدیک به هم زندگی می‌کنند و با یکدیگر تعامل دارند؛ اما شبکه‌هایی از روابط هم در کارند که تعریف آن‌ها بر حسب جغرافیای مکانی نیست. در عدالت ترمیمی پرسش‌های اساسی از این قرارند: **یک** - چه کسی در این گروه اجتماعی نسبت به اعضای آن یا ارتکاب جرم دغدغه مراقبتی دارد؟ **دو** - چگونه می‌توان این افراد را در فرآیند مد نظر به کار گرفت؟

مفید است تا بین دو مفهوم «گروه اجتماعی» و «جامعه»<sup>۸۲</sup> تمایزی قائل شویم. تمایل عدالت ترمیمی تمرکز بر جوامع کوچک محلی یا روابطی است که به صورت مستقیم تحت تاثیر ارتکاب جرم قرار گرفته‌اند؛ اما اغلب «عدالت دولتی»<sup>۸۳</sup> آن‌ها را نادیده می‌گیرد. با این همه، دغدغه‌ها و تعهدات وسیع‌تری در کار است که به جامعه‌ای برمی‌گردد که فراتر از افرادی است که در واقعه‌ای خاص به صورت مستقیم سهم بوده‌اند. این امور شامل دغدغه جامعه برای امنیت، حقوق بشر و بهروزی عمومی اعضای آن است. بسیاری استدلال می‌کنند که دولت در تامین این گونه از دغدغه‌های اجتماعی نقش مهم و مشروعیت‌بخش دارد.<sup>۸۴</sup>

### هدف عدالت ترمیمی انجام دادن کار درست است

ما تاکنون از نیازها و نقش‌های صاحبان حق بحث کردیم. با این حال بایستی درباره اهداف عدالت ترمیمی بیش از این سخن گفت.

۸۰- چشم‌انداز کلی درباره این موضوع را می‌توانید در این اثر مطالعه بفرمایید؛

Gerry Johnstone, *Restorative Justice: Ideas, Values, Debates* (Willan, 2002), 136ff.

این کتاب تحلیل و چشم‌انداز کلی مفیدی را درباره موضوعات و مسائل بحث‌برانگیز در عدالت ترمیمی فراهم آورده است.

81- communities of care

82- society

83- state justice

۸۴- نقش دولت بیش‌تر در موقعیت‌هایی بحث‌برانگیز می‌شود که گروه‌های اقلیت احساس کنند دولت آنان را به نحو سیستماتیک سرکوب کرده است (برای مثال در ایرلند شمالی یا ساکنان حومه‌نشین آمریکا)؛ یا در جایی که مردم بینند دولت در فرآیند عدالت‌ورزی ترمیمی در اجرای آن از بالا به پایین نقش دارد. این مسئله اخیر در نیوزلند و کانادا به طور خاص بومیان و گروه‌های اجتماعی را دل‌نگران کرده است.

## یادآوری آسیب

ایده انجام دادن کار درست از دید عدالت ترمیمی امری اساسی است یا همان چیزی که در انگلیسی بریتانیایی اغلب با تعبیر رساتر «putting right» بیان می‌شود. این امر فرصت و ترغیب برای کسانی است که آسیب را ایجاد کرده‌اند تا در برابر آسیب‌دیدگان کار درست را انجام دهند. همچنان که پیش‌تر بدان اشاره شد، این کار دلالت بر مسئولیت‌پذیری فرد یا افراد آسیب‌زنده دارد تا حتی المقدور برای بهبودی آسیب‌آسیب‌دیدگان (و چه بسا آنچه بر اجتماع ضربه وارد کرده است) گام‌های موثری بردارند. در مواردی مانند قتل، بدیهی است که آسیب را نمی‌توان بهبود بخشید؛ با این وجود گام‌هایی نمادین مانند اذعان به مسئولیت‌پذیری یا تاوان‌دهی می‌تواند برای دیگر اعضای خانواده و دوستان مقتول - یا همان «قربانیانِ مشترک» - مفید باشد و این امر مسئولیت‌پذیری آسیب‌زندگان قلمداد گردد.

درست کاری دلالت بر ترمیم یا بازسازی یا بازیابی می‌کند؛ اما معنای «دوباره ازسرگیری» که در این مفاهیم وجود دارد کافی به نظر نمی‌رسد. وقتی فرد خطایی شدید مرتکب شده است دیگر امکان بازسازی آسیب یا بازگشت به وضعیت سابق وجود ندارد.

البته در صورتی که فرد آسیب‌زنده برای درست‌کاری اقدام کند، امکان دارد فرد آسیب‌دیده را یاری کرد تا در مسیر درمان قرار گیرد؛ خواه به صورت نمادین و خواه واقعی. با این همه بسیاری از قربانیان جنایت‌ها به مفهوم «درمان»<sup>۸۵</sup> با دیده تردید می‌نگرند؛ زیرا معنایی از پایان‌یافتن یا به انتها رسیدن از این مفهوم در ذهن تداعی می‌شود. پای‌گذاردن در این مسیر به قربانیان و نه کسان دیگر ربط دارد؛ زیرا کسی به جز خود ایشان نمی‌تواند این راه را طی کند. با این وجود تلاش برای انجام کار درست می‌تواند یاری‌گر این فرآیند باشد، هر چند ترمیم به نحو کامل صورت نخواهد گرفت. نخستین تعهد برای کسانی که آسیب را ایجاد کرده‌اند تعهد به انجام کار درست است. با این حال گروه‌های اجتماعی هم تعهداتی نسبت به کسانی دارند که آسیب دیده‌اند و بسا همچنین نسبت به کسانی که آسیب زده‌اند. کسانی که به دلیل آسیب‌رسانی متعهد محسوب می‌شوند، برای این که در محقق ساختن تعهدات خود موفق باشند ممکن است نیازمند همیاری و ترغیب از سوی گروه‌های اجتماعی بزرگ‌تری باشند. علاوه بر این، اعضای آن گروه اجتماعی تعهداتی نسبت به موقعیت‌هایی دارند که موجب یا مشوق ارتکاب جرم است. به صورت آرمان‌گرایانه، فرآیندهای عدالت ترمیمی می‌تواند

واکنش یار<sup>۸۶</sup> و یا نشستی برای تحقیق و تعیین این نیازها، مسئولیت‌ها و انتظارات به حساب آید.

### یادآوری علت‌ها

درست کاری مستلزم آن است که ما نه تنها آسیب‌ها، بلکه علت‌ها را نیز یادآور شویم. بسیاری از قربانیان خواستار این مسئله هستند. آن‌ها می‌خواهند بدانند که چه گام‌هایی برداشته می‌شود تا چنین آسیب‌هایی هم برای ایشان و هم برای دیگران کاهش یابد. در نشست‌های گروه‌های خانوادگی در نیوزلند، یعنی جایی که عدالت ترمیمی معیاری برای عدالت‌ورزی درباره نوجوانان است، انتظار بر این می‌رود که طرحی همراه با حمایت همگان ارائه شود که شامل بندهایی هم برای ترمیم و هم برای جلوگیری از آسیب باشد. این طرح‌ها بایستی نیازهای قربانیان و تعهدات فرد یا افرادی را که آسیب زده‌اند بیان کند تا آن نیازها بدین وسیله یادآوری شود. با این همه طرح باید آنچه را آسیب‌زنندگان برای تغییر رفتار خود نیاز دارند، یادآور شود. باید کسانی که آسیب زده‌اند متعهد شوند تا علت‌های رفتار خود را بیان کنند؛ اما بیش‌تر اوقات به‌تنهایی توانایی انجام این کار را ندارند. به علاوه، بسا تعهدات بیش‌تری برای آسیب‌زنندگان نسبت به آنچه تعهدات مستقیم اولیه است در کار باشد. بی‌عدالتی اجتماعی و دیگر شرایطی که علت رخ‌دادن جرم یا ایجاد شرایط ناامن می‌شود تا حدی مسئولیت خانواده‌ها، گروه‌های اجتماعی و جامعه بزرگ‌تر محسوب می‌شود.

### درست‌کاری

مستلزم آن است که ما ...



... علت‌ها را یادآور شویم

... آسیب‌ها را یادآور شویم

### مجرم به مثابه قربانی

اگر واقعا در پی یادآوری آسیب‌ها و علت‌های آن باشیم، بایستی آسیب‌هایی را بررسی کنیم که آسیب‌زندگان خود آن‌ها را تجربه کرده‌اند. مطالعات نشان داده است بسیاری از کسانی که مرتکب جرم شده‌اند در واقع قبلاً قربانی بوده‌اند یا به شکل‌هایی اساسی ضربه خورده‌اند. در حالی که حتی وقتی آن‌ها به صورت مستقیم قربانی نشده باشند، بسیاری از آن‌ها خود را به عنوان قربانی شناسایی می‌کنند. این آسیب‌ها و این احساس قربانی بودن می‌تواند مهم باشد و در شکل‌گیری علت جرم نقش داشته باشد. در واقع، استاد دانشگاه هاروارد و روانشناس سابق زندان جیمز گیلیگن<sup>۸۷</sup> استدلال کرده است که تمام خشونت‌هایی که رخ می‌دهد تقلایی است برای تحقق عدالت یا از بین بردن بی‌عدالتی.<sup>۸۸</sup> به بیان دیگر، بیش‌تر جرم و جنایت‌ها ممکن است پاسخی به احساس قربانی بودن یا کوششی برای از بین بردن آن باشد.

این که فردی خود را قربانی بداند، مایه از بین رفتن مسئولیت در برابر رفتار آسیب‌زننده نیست. با این وجود اگر جیمز گیلیگن بر حق باشد، نباید از کسی که رفتار مجرمانه داشته است انتظار داشته باشیم بدون خاطر نشان کردن این احساس قربانی بودن به رفتار خود پایان دهد. در واقع، مجازات اغلب این احساس قربانی بودن را تقویت می‌کند. برخی اوقات برای مجرمان زمانی رضایت خاطر حاصل می‌شود که به سادگی به احساس قربانی بودن خود اذعان کنند. برخی اوقات این احساس قربانی بودن باید به چالش کشیده شود. برخی اوقات لطمه‌ای که وارد شده است بایستی پیش از زمانی که انتظار می‌رود آن‌ها بتوانند رفتار خود را تغییر دهند، بهبود یابد و ترمیم شود.

این موضوع همچنان که توقع می‌رود مناقشه‌برانگیز و به‌ویژه برای کسانی سخت می‌نماید که قربانی جرم و جنایت بوده‌اند ولی در زندگی خود برای دیگران یا آسیبی به وجود نیاورده‌اند و یا بسیار کم مشکل ایجاد کرده‌اند. بسیاری از اوقات به این استدلال‌های معقول و منطقی به دیده عذر و بهانه نگریسته می‌شود. علاوه بر این، چرا برخی از افرادی که قربانی شده‌اند دست به جرم و جنایت می‌زنند؛ ولی دیگرانی این کار را انجام نمی‌دهند؟ با این همه، من قانع شده‌ام که هر کوششی برای کاهش علت‌های ایجاد جرم مستلزم تحقیق و پژوهش درباره تجربه‌های قربانی واقع شدن مجرمان است. در این پژوهش به جای به‌کاربردن تعبیر زبانی پُربارِ قربانی واقع شدن، شاید مفیدتر

87- James Gilligan

88- James Gilligan, *Violence: Reflections on a National Epidemic* (Random House, 1996).

باشد تا از «لطمه و ضربه روحی»<sup>۸۹</sup> سخن بگوییم. سندرا بلوم<sup>۹۰</sup> - روانشناس - در کتاب خود «خلق مکان مقدس»<sup>۹۱</sup> به این نکته اشاره می‌کند که ضربه‌ها و لطمه‌های حل‌ناشده روحی مستعد تکرار است. هرچند به موضوع ضربه‌ها و لطمه‌های روحی به اندازه کافی پرداخته نشده است، با این حال آن‌ها در زندگی کسانی که تجربه‌اش را از سر گذرانده‌اند، در میان خانواده‌های آن‌ها و حتی در نسل‌های آینده ایشان تکرار خواهد شد.<sup>۹۲</sup>

ضربه و لطمه روحی نه تنها برای کسانی که آن را از سر گذرانده‌اند تجربه‌ای بنیادین است؛ بلکه برای کسانی که آن را ایجاد کرده‌اند نیز چنین است. خشونت‌های زیادی ممکن است واقعا بازآفرینی ضربه و لطمه‌ای روحی باشد که قبلا از سوی فرد مرتکب‌شونده تجربه شده است؛ ولی به اندازه کافی پاسخ دریافت نکرده است. جامعه مایل است تا این پاسخ را در قالب مجازات زندان بیش‌تر و بیش‌تر به فرد منتقل کند. در حالی که واقعیت‌های ضربه روحی را نمی‌بایست به عنوان عذر موجه برای ارتکاب جرم در نظر گرفت، با این‌همه باید آن‌ها را درک کرد و بدان‌ها اشاره داشت.

کوتاه آن‌که تلاش برای قرار دادن امور درست در جای امور نادرست، بنیان یا محور عدالت ترمیمی است. انجام کار درست دو جنبه دارد: یک- خاطرنشان کردن آسیب‌هایی که رخ داده‌اند؛ دو- خاطرنشان کردن علت‌های رخ دادن آن آسیب‌ها که شامل آسیب‌هایی نیز می‌شود که در شکل‌گیری آن علت اثرگذار بوده‌اند.

از آن رو که عدالت‌ورزی بایستی معطوف به درست‌کاری باشد و به دلیل این که قربانیان نیز آسیب دیده‌اند؛ عدالت ترمیمی بایستی با کسانی فعالیت خود را آغاز نماید که قربانی شده‌اند و به نیازهای آن‌ها توجه نماید. با این وجود عدالت ترمیمی در نهایت دغدغه بازسازی و بازانسجام‌بخشی را درباره کسانی دارد که آسیب دیده‌اند، آسیب رسانده‌اند و نیز به خوش‌بختی و بهروزی تمام افراد گروه اجتماعی می‌اندیشد. عدالت ترمیمی به برقراری تعادل در دغدغه‌ورزی برای تمام گروه‌ها نظر دارد.

89- trauma

90- Sandra Bloom

91- Creating Sanctuary

92- Sandra Bloom, *Creating Sanctuary: Toward the Evolution of Sane Societies* (Routledge, 1997). See also: Carolyn Yoder, *The Little Book of Trauma Healing* (Good Books, 2005).

عدالت ترمیمی آن گونه احکام قضایی را تشویق می کند که مسئولیت پذیری، بازسازی و بهبودی همگان را ارتقا می بخشد.

### دریچه نگاهی ترمیمی

عدالت ترمیمی به دنبال فراهم آوردن چارچوبی بدیل یا دریچه نگاهی برای اندیشیدن درباره جرم و عدالت است.

### اصول

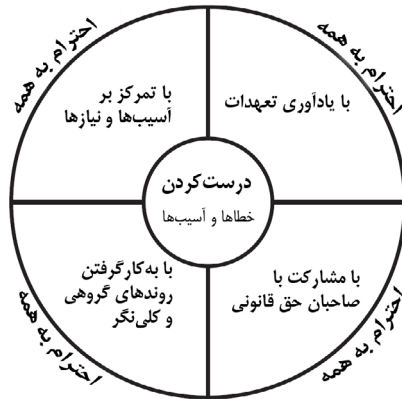
این دریچه نگاه یا فلسفه ترمیم محور را می توان حول محور پنج اصل یا کنش زیر در نظر گرفت:

یک- بر آسیب ها و نیازهای حاصل از آن ها درباره کسانی تمرکز کنید که در درجه نخست آسیب دیده اند و همچنین بر کسانی که اعضای آن جامعه هستند و هم کسانی که آسیب را ایجاد کرده اند.

دو- تعهداتی را خاطر نشان شوید که ناشی از آن آسیب ها است. (تعهدات افراد مجرم و همچنین تعهدات اعضای گروه های اجتماعی و جامعه)

سه- روندهای گروهی و کلی نگر را به کار گیرید.  
چهار- کسانی را در کار مشارکت دهید که در موقعیت ها دغدغه ای مرتبط با قانون دارند؛ این افراد شامل قربانیان، مجرمان، اعضای گروه های اجتماعی و جامعه هستند.

پنج- به دنبال بازسازی آسیب ها و درست کاری به اندازه ممکن باشید.  
می توان عدالت ترمیمی را به صورت نموداری گردونه وار ترسیم کرد. این امور در مرکز توجه عدالت ترمیمی قرار دارد: پیگیری انجام دادن کار درست در عوض کار نادرست و آسیب ها. هر یک از این قطعه های گردونه نمایانگر یکی از چهار اصلی است که در بالا بدان اشاره شد: تمرکز بر آسیب ها و نیازها، یادآوری تعهدات، مشارکت با صاحبان حق قانونی (قربانیان، مجرمان و گروه های اجتماعی) و تا حد امکان به کار بردن روندهای گروهی و کلی نگر. البته این امر نیازمند اجرایی شدن بنا بر رهیافتی است که تمام جنبه ها در آن لحاظ گردد.



برای استفاده از تصویری طبیعت بنیاد می توان عدالت ترمیمی را به شکل گل ترسیم کرد. در مرکز آن دغدغه اصلی متمرکز است: درست کاری. هر یک از گلبرگها نمایانگر یکی از اصولی است که برای موفقیت در درست کاری الزامی اند.





## ارزش‌ها

اصول عدالت ترمیمی تنها در صورتی مفید است که در تعدادی از ارزش‌های زیربنایی ریشه داشته باشد. تقریباً همواره این ارزش‌ها بیان نمی‌شود و پیش‌فرض گرفته می‌شود. با این همه ما باید درباره این اصول به صورت شفاف و آشکار عمل کنیم تا به کارگیری اصول عدالت ترمیمی به شیوه‌ای باشد که با روح و هدف آن هم‌راستا قلمداد گردد. در غیر این صورت احتمال دارد فرآیندی ترمیم‌محور را به کار ببریم؛ ولی نتیجه‌ای غیرترمیمی از آن حاصل شود.

اصول عدالت ترمیمی، یعنی مرکز و چهارپاره گردونه، بایستی با مرزهایی از ارزش‌ها مشخص شود تا به صورت مناسب کارکرد داشته باشد. اصولی که گل عدالت ترمیمی را برمی‌سازد، بایست ریشه در ارزش‌های دیگر داشته باشد تا شکوفا شود. همچنان‌که پیش‌تر بدان اشاره کرده‌ام، عدالت ترمیمی بنیادین همان دیدگاهی است که درهم‌تنیدگی را در نظر دارد. خواه آن را درک کنیم یا نکنیم؛ ما همگی با هم و همچنین از طریق شبکه روابط با جهان بزرگ‌تر در ارتباط هستیم. زمانی که این شبکه از هم گسیخته شود آن گاه همه ما تحت تاثیر قرار می‌گیریم. اصول ابتدایی عدالت ترمیمی یعنی آسیب‌ها و نیازها، تعهدات و مشارکت‌پذیری ناشی از همین دیدگاه است. اما همچنان‌که ژارم ساواتسکی<sup>۹۳</sup> اشاره کرده است، این ارزش درهم‌تنیدگی<sup>۹۴</sup> بایستی با نظر به شناخت درباره فردیت متعادل گردد.<sup>۹۵</sup> اگرچه ما با یکدیگر در ارتباط هستیم، با این حال مثل هم نیستیم. مسئله فردیت، تنوع و گوناگونی را ارج می‌نهد. فردیت به وجود شخصی افراد و ارزش یکایک آن‌ها احترام می‌گذارد. فردیت بافتار و موقعیت‌های خاص را جدی می‌گیرد.

عدالت‌ورزی باید هم درهم‌تنیدگی و هم فردیت را به رسمیت بشناسد. ارزش فردیت به ما یادآوری می‌کند که بافتار، فرهنگ و تشخص انسان‌ها امری مهم است. درباره ارزش‌های بنیادین عدالت ترمیمی می‌توان بسیار بیش‌تر نوشت و تا کنون نیز بسیار نوشته‌اند. در واقع چه‌بسا یکی از برجسته‌ترین ویژگی‌های عدالت ترمیمی شیوه‌ای است که مبتنی بر آن عدالت ترمیمی ما را تشویق می‌کند تا همراه با همدیگر ارزش‌های خود را بررسی کنیم.

93- Jarem Sawatsky

94- interconnectedness

95- Jarem Sawatsky, *Justpeace Ethics: A Guide to Restorative Justice and Peace-building* (Cascade Books, 2009).

در نهایت، یکی از ارزش‌های مبنایی بسیار مهم می‌نماید: احترام. اگر قرار باشد عدالت ترمیمی را در یک کلمه خلاصه کنم، من واژه «احترام»<sup>۹۶</sup> را برخواهم گزید: محترم‌شمردن همه انسان‌ها؛ حتی درباره کسانی که متفاوت از ما هستند، حتی نسبت به کسانی که به نظر می‌رسد دشمنان ما هستند. محترم‌شمردن همگان به ما خاطر نشان می‌کند که هرچند ارتباط ما با یکدیگر درهم‌تنیده است، ولی تفاوت‌هایی نیز با هم داریم. احترام‌گزاردن به دیگران بر این نکته اصرار می‌ورزد که باید تعادل را در دغدغه‌مندی درباره همه گروه‌ها لحاظ نمود. این امر می‌تواند به ما کمک کند تا سلسله مراتب قدرت ناعادلانه را بازشناسایی کنیم و آن‌ها را به یکدیگر یادآور شویم.

اگر ما عدالت‌ورزی را به مثابه احترام به دیگران دنبال کنیم یعنی به مساوات با همگان رفتار کنیم، آن‌گاه عدالت را به صورت ترمیمی محقق خواهیم ساخت.

اگر به دیگران احترام نگذاریم، عدالت‌ورزی ما دیگر ترمیمی نیست و دیگر اهمیتی ندارد که به جدیت تا چه اندازه اصول مزبور را پذیرفته‌ایم.

ارزش محترم‌شمردن دیگران بر اصول عدالت ترمیمی تاکید می‌کند و می‌بایست راهنما و شکل‌دهنده کاربرد آن در ساحت عمل باشد.

### تعریف عدالت ترمیمی

بنابراین عدالت ترمیمی را چگونه باید تعریف کرد؟ حتی اگر توافقی همگانی درباره طرح اساسی عدالت ترمیمی در کار باشد، کسانی که در این حوزه فعالیت دارند قادر نیستند تا اجماع بر معنای خاص عدالت ترمیمی پیدا کنند. کسانی از حکمت یا سود چنین تعریفی می‌پرسند. در حالی که ما نیاز به اصول و ملاک‌ها را بازمی‌شناسیم، ولی از ارائه تعریف سختگیرانه از روی غرور و به عنوان فصل‌الخطاب نیز بیمناکیم. با لحاظ این دغدغه‌ها در ذهن، پیشنهاد من تعریفی کارا از عدالت ترمیمی به شرح زیر است.<sup>۹۷</sup>

96- respect

۹۷- این تعریف برگرفته از تونی مارشال است که بسیار هم بدان استناد می‌شود: «عدالت ترمیمی فرآیندی است که در آن تمام صاحبان حق درباره مسئله مورد اختلاف گرد هم می‌آیند و دسته‌جمعی درباره این مسئله بحث می‌کنند که به چه کیفیتی می‌توان پیامدهای ارتکاب جرم و نتایج آن را در آینده حل و فصل کرد»

عدالت ترمیمی رهیافتی است برای دست یافتن به عدالت که تا حد امکان شامل کسانی می‌شود که صاحبان حق در مورد جرم یا آسیبی خاص هستند تا از این طریق به نحو کامل آسیب‌ها، نیازها و تعهدات را مشخص و خاطرنشان نماییم و درست‌کاری و درمان‌گری را حتی‌المقدور به کار بریم.

### اهداف عدالت ترمیمی

سوزان شارپ<sup>۹۸</sup> در دست‌نامه درخشان خود «عدالت ترمیمی: دیدگاهی درباره درمان‌گری و دگرگونی»<sup>۹۹</sup> به صورت خلاصه اهداف و کارویژه‌های عدالت ترمیمی را چنین برشمرده است:<sup>۱۰۰</sup>

#### اهداف برنامه‌های عدالت ترمیمی:

- تصمیم‌گیری‌های اساسی را به دست کسانی بسپارید که در جرم و جنایت بیش‌ترین آسیب را دیده‌اند؛
- عدالت‌ورزی را درمان‌گرانه‌تر و به صورت آرمان‌گرایانه مبتنی بر دگرگون‌سازی پی‌بگیرید؛
- احتمالات درباره جرایم آینده را کاهش دهید.

#### دستیابی به این اهداف مستلزم آن است که:

- قربانیان در فرآیندها شرکت داشته باشند و نتیجه‌های آن برای قربانیان راضی‌کننده باشد؛
- مجرمان درک کنند به چه کیفیتی کنش‌های آنان دیگران را تحت تاثیر قرار داده است و مسئولیت‌های ناشی از کنش‌های خود را برعهده گیرند؛
- نتیجه‌های ناشی از فرآیند عدالت ترمیمی یاری رسانند تا آسیب‌ها بازسازی شود و دلایل ارتکاب جرم یادآوری شود (طرح‌های ویژه معطوف به نیاز قربانیان و مجرمان طراحی شود)؛

98- Susan Sharpe

99- *Restorative Justice: A Vision for Healing and Change*

100- Susan Sharpe, *Restorative Justice: A Vision for Healing and Change* (Edmonton, Alberta: Mediation and Restorative Justice Centre, 1998).

- هم قربانیان و هم مجرمان به احساسی از «ختم کردن»<sup>۱۰۱</sup> دست یابند و هر دو با بدنه اجتماع یکپارچه شوند.

### پرسش‌های راهنما درباره عدالت ترمیمی

در نهایت، عدالت ترمیمی در مجموعه‌ای از پرسش‌ها خلاصه می‌شود که در صورت رخداد خطاکاری لازم است تا در پی پاسخ آن‌ها باشیم. این پرسش‌های راهنما در واقع گوهر عدالت ترمیمی است.

یک- چه کسی آسیب دیده است؟

دو- نیازهای آنان چیست؟

سه- تعهدات مربوط به چه کسانی است؟

چهار- چه کسانی در این میان منفعتی دارند؟

پنج- دلایل کدام‌اند؟

شش- روند مناسب برای فعالیت اشتراکی صاحبان حق در اقدامی واحد، کدام است تا انجام کار درست در پی آن آید و دلایل از آن طریق یادآوری شود؟

اگر به عدالت ترمیمی به مثابه برنامه یا مجموعه برنامه‌هایی خاص بیندیشیم، به‌زودی می‌فهمیم که کاربست آن برنامه‌ها در موقعیت‌های متنوع وسیع دشوار است. برای مثال شکل‌های نشست مجرم-قربانی را که برای جرم‌های «معمولی»<sup>۱۰۲</sup> برگزار می‌شود می‌توان به میزان اندکی برای کاربست در موارد کلان همچون خشونت اجتماعی به کار برد. مدل‌های عدالت ترمیمی بدون برقراری دقیق اصول امنیتی در ساحت عمل می‌تواند خطرناک باشد؛ یعنی هنگامی که در مواردی همچون خشونت‌های سازمان‌یافته و موارد فاقد توازن قدرت مانند خشونت خانگی به کار گرفته شود.

اگر ما پرسش‌های راهنما را به کار ببریم که عدالت ترمیمی را شکل داده‌اند، این‌گونه عدالت را در طیف گسترده‌ای از موقعیت‌ها اجرایی می‌یابیم. پرسش‌های راهنما درباره عدالت ترمیمی می‌تواند ما را در بازچارچوب‌بخشی به موضوعات یاری رساند تا فراتر از حصارهایی بیندیشیم که عدالت قانون‌مدار برای جامعه درست کرده است و «دریچه

۱۰۱- واژه «خاتمه‌دادن» اغلب برای قربانیان توهین آمیز محسوب می‌شود؛ به‌ویژه درباره قربانیان جرایم سنگین. به‌نظر می‌رسد این عبارت دلالت بر این می‌کند که حادثه پشت سر گذاشته شده و دفترش دیگر بسته شده است؛ در حالی که چنین چیزی امکان ندارد. با این‌همه این واژه بر معنایی از توانمندی بر حرکت به جلو نیز دلالت می‌کند که تحقق آن هدف عدالت‌ورزی ترمیمی نیز است.

نگاه» خود را درباره خطا کاری دگرگون سازیم.

این پرسش‌های راهنما موجب شده است تا برخی از وکلای مدافع در ایالات متحده درباره نقش‌ها و تعهدات خود در موارد محکوم به مجازات مرگ بازاندیشی کنند. برنامه حمایت از قربانیان (DVO) یا همان (DIVO سابق) به عنوان کوششی برای وجهه حقوقی بخشیدن به نیازها و دغدغه‌های بازماندگان جنایت در دادگاه‌ها و احکام قضایی از رهگذر در دسترس قرار دادن امکان دفاع و همچنین تعقیب کیفری پدید آمده است. همچنین این رهیافت به دنبال تشویق متهمان به منظور پذیرفتن مسئولیت درباره جرایمی است که مرتکب شده‌اند. تعدادی از توافقی‌های مربوط به دفاعیه به این فرجام رسیده‌اند که بایستی بر مبنای نیازهای قربانیان باشند و مجرمان را مجاز بشمارند که مسئولیت‌پذیر شوند.

بسیاری از وکلای مدافع قربانیان به شدت درباره خطر مواجهه قربانی-مجرم در موارد مرتبط با خشونت خانگی نگران هستند. این نگرانی‌ها بجا است؛ خطرانی شدید در یک مواجهه وجود دارد در صورتی که الگوی خشونت تداوم یافته باشد یا در صورتی که این نشست‌ها از سوی افراد آموزش‌دیده درباره خشونت خانگی به دقت رصد نشود. شاید برخی استدلال کنند که این نشست‌های رودرو هیچ‌گاه مناسب نیست. دیگرانی از جمله برخی قربانیان خشونت‌های خانگی استدلال می‌کنند که این نشست‌ها اگر در موقعیت درست اجرا شود، بسیار مهم و موثر است؛ به شرطی که همراه با حفظ شرایط امنیتی مناسب باشد. در سال‌های اخیر برنامه‌های موفق از رهیافت ترمیمی بهره برده‌اند که در برخی گروه‌های اجتماعی بسط و توسعه یافته است.

اما خواه این نشست‌های رودرو در مواردی مانند خشونت خانگی مناسب باشد یا نباشد، پرسش‌های راهنمای عدالت ترمیمی می‌تواند در طبقه‌بندی مشکلات و پیدا کردن راه‌حل‌ها سودمند افتد؛ بدون این که در پرسش‌هایی مانند «مجرم مستحق چیست؟» گرفتار شویم و بدان محدود بمانیم. اغلب زمانی که با نمونه‌ای یا موقعیتی جدید روبرو می‌شویم، من به این پرسش‌ها به مثابه راهنما مراجعه می‌کنم. چه بسا به پرسش‌های راهنمای عدالت ترمیمی در واقع به مثابه همان جانِ کلام عدالت ترمیمی نگریسته شود.

### تابلوهای راهنمای عدالت ترمیمی

همچنان که ما به نمونه‌های کاربردی عدالت ترمیمی می‌اندیشیدیم، راهنمای دیگری فراهم شده است که ده اصل یا راهنمای زیر است. این اصول را می‌توان برای ارزیابی یا

طراحی برنامه‌ها مورد استفاده قرار داد. این اصول همانند پرسش‌های راهنما می‌تواند در پاسخ‌گویی به موارد یا موقعیت‌های خاص مفید باشد.

### تابلوه‌های راهنمای عدالت ترمیمی<sup>۱۰۳</sup>

یک- به جای توجه به قوانینی که زیر پا گذاشته شده است، بر آسیب‌های ناشی از خطاکاری متمرکز باشید.

دو- التزام و دغدغه یکسانی هم نسبت به کسانی داشته باشید که قربانی هستند و هم نسبت به کسانی که مرتکب جرم شده‌اند؛ یعنی لحاظ هر دو طرف دعوا که در فرآیند عدالت‌ورزی حضور دارند.

سه- برای بازسازی آسیب‌هایی که وارد شده است تلاش کنید؛ به افراد قدرت ببخشید و به نیازهای ایشان آنچنان که طلب می‌کنند پاسخ دهید.

چهار- از کسانی که آسیب وارد کرده‌اند حمایت کنید و در عین حال تشویق نمایید تا تعهدات خود را درک کنند، بپذیرند و انجام دهند.

پنج- در حالی که ممکن است انجام تعهدات برای کسانی که آسیب وارد کرده‌اند سخت باشد، نیایستی این تعهدات را به نیت آسیب‌رساندن در نظر گرفت و باید دست‌یافتنی باشد.

شش- برای گفتگو، چه مستقیم و چه غیرمستقیم، بین کسانی که آسیب زده‌اند و آسیب دیده‌اند فرصت فراهم نمایید؛ در صورتی که از سوی هر دو طرف نیاز بدان احساس شود.

هفت- برای پیدا کردن شیوه‌های معنادار جهت مشارکت دادن اعضای گروه‌های اجتماعی و پاسخ به آنان درباره ریشه‌های جرم و جنایت تلاش کنید.

هشت- همکاری و دوباره به یکپارچگی رساندن هر دوی آسیب‌دیدگان و آسیب‌رسانندگان را تشویق نمایید؛ به جای این‌که بر آنان فشار وارد کنید و ایشان را منزوی نمایید.

نه- به پیامدهای غیرمترقبه برنامه‌ها و کنشگری‌ها دقت کنید.

ده- به همه طرف‌های دعوا احترام بگذارید یعنی هم کسانی که آسیب دیده‌اند، دوستان ایشان و کسانی که به آن‌ها عشق می‌ورزند و همچنین کسانی که در مسیر عدالت‌ورزی با شما همراه هستند.

۱۰۳- این نمودارهای راهنما برای بار نخست با اندکی تفاوت از سوی «انجمن مرکزی اینونایت‌ها» در آکرون ایالت پنسیلوانیا به سال ۱۹۹۷ منتشر شده است. من در این ویراست از آن‌ها با اندکی تغییر بهره بردم.



## فصل سوم: اقدامات ترمیمی

مفهوم و فلسفه عدالت ترمیمی در دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ در ایالات متحده و کانادا پدید آمد و در ارتباط با اقدامی بود که «برنامه آشتی قربانی و مجرم»<sup>۱۰۴</sup> نام داشت. از آن رو که این برنامه تا کنون هم از لحاظ محتوا با تغییراتی همراه بوده است و معمولاً نام‌گذاری‌های دوباره‌ای هم صورت گرفته است؛ شکل‌های نوینی از کنش‌گری به وجود آمده‌اند و برنامه‌های پیشین صورت جدید به خود گرفته‌اند و با عنوان «ترمیمی» آن‌ها را نامگذاری کرده‌اند. رهیافت‌ها یا اقدامات اساسی که هم‌اکنون در حوزه حقوق جزایی غرب در جریان‌اند، کدام‌اند؟ هشیار باشیم که کاربست در عرصه حقوق جزایی، که من از آن در این جا سخن به میان می‌آورم، به هیچ وجه تصویری کامل نیست.

مدارس تبدیل به ساحه‌های مهمی برای فعالیت عدالت ترمیمی شده است. در حالی که شباهت‌هایی با برنامه‌های عدالت ترمیمی در پرونده‌های جزایی در کار است، رهیافت‌هایی که در سامانه آموزشی به کار گرفته می‌شود، باید به ضرورت با آن زمینه در هماهنگی کامل باشد. (دو کتابچه در مجموعه حاضر این سامانه را خاطر نشان می‌سازد؛ برای اطلاعات بیش‌تر به پایان همین کتاب مراجعه فرمایید.)

همچنین رهیافت‌های ترمیمی برای محل‌های کار و نیز موضوعات یا فرآیندهای اجتماعی گسترده‌تر به کار گرفته شده است. دوباره باید خاطر نشان ساخت با این که شباهت‌هایی با الگوهای مطرح در ذیل یافت‌شدنی است؛ وانگهی تفاوت‌هایی اساسی نیز در کارند. عدالت ترمیمی به بخشی از گفتگوها درباره رویکرد به موضوعاتی



مانند عدالت انتقالی<sup>۱۰۵</sup> (برای مثال در امور کلان متعاقب)<sup>۱۰۶</sup>، خطاکاری و اختلافات اجتماعی<sup>۱۰۷</sup> تبدیل شده است. با این همه در ادامه تمرکز بر رهیافت‌ها در بافت عدالت جزایی است.

عدالت ترمیمی برای کسانی که از جوامع وابسته‌تر به شیوه‌های زیست سنتی مانند آفریقا یا اجتماع‌های بومی آمریکای شمالی، آمده‌اند؛ اغلب به عنوان یک واکنش یار در فرآیند بازاریزش آفرینی<sup>۱۰۸</sup>، احیاء<sup>۱۰۹</sup>، مشروعیت‌بخشی<sup>۱۱۰</sup> و سازگاری با رهیافت‌های کهن مرسوم<sup>۱۱۱</sup> کار کرد دارد. در طول دوران کولونی‌سازی<sup>۱۱۲</sup> اغلب الگوی حقوقی غرب آن شکل‌های عدالت را محکوم می‌کند و پی‌درپی بیان می‌دارد که به‌رغم کامل نبودن این الگوهای عدالت‌ورزی با این حال در آن جوامع تا حد زیادی کار کردی مثبت دارد.

عدالت ترمیمی می‌تواند چارچوبی مفهومی برای اثبات و مشروعیت‌بخشی به آن امری فراهم آورد که درباره آن سنت‌ها خیر<sup>۱۱۳</sup> به‌شمار می‌آید و می‌تواند الگوهای سازگار را بسط و توسعه بخشد که در واقعیت موجود سیستم حقوقی غربی کارایی دارد. در واقع نشست‌های گروهی خانواده‌ها و حلقه‌های آشتی‌دهنده همان سازگاری‌ها (و نه تقلید) است که در شیوه‌های سنتی وجود دارد.

همچنین عدالت ترمیمی شیوه‌ای انضمامی<sup>۱۱۴</sup> به منظور اندیشیدن درباره عدالت‌ورزی در ساحت نظری و عملی آشتی‌دهندگی و ایجاد تغییر در موارد اختلافات فراهم می‌کند. بیش‌تر اختلافات بر معنایی از بی‌عدالتی<sup>۱۱۵</sup> استوار است و یا دست‌کم عنصری از بی‌عدالتی را در بر می‌گیرد. با وجود این که تا حدودی حوزه حل اختلاف و ایجاد تغییر بر این امر گواهی می‌دهد، با این حال هم مفهوم و هم کنش‌گری عادلانه در این حوزه تا حدودی با ابهام روبرو است. اصول و اقدامات عدالت ترمیمی می‌تواند چارچوبی عینی برای نشان‌دادن موضوعات مربوط به عدالت‌ورزی در یک اختلاف را

105- transitional justice

106- following large-scale

107- societal conflicts

108- reevaluate

109- resurrect

110- legitimate

111- older, customary

112- colonization

113- good

114- concrete

115- injustice

پیش رو نهد. [به ضمیمه ۵ بنگرید.]

به عنوان مثال بعد از برگزاری دوره تابستانی در موسسه آشتی‌بخشی<sup>۱۱۶</sup> تعدادی از شرکت‌کنندگان آفریقایی به غنا بازگشتند؛ یعنی جایی که ایشان آشکارا برای حل اختلافی طولانی‌مدت تلاش می‌کنند. آنان با یاری گرفتن از چارچوب عدالت ترمیمی برای اولین بار توانستند تا موارد مربوط به عدالت‌ورزی را خاطر نشان سازند در حالی که فرآیند سنتی عدالت‌ورزانه جامعه خود را به کار بسته بودند. در نتیجه، تلاش برای برقراری صلح و آشتی با شکست روبرو نشد و حتی رو به پیش‌رفت نهاد.

به صورت مشابه، تعدادی از شرکت‌کنندگان پاکستانی که از آموزش‌های ما فارغ‌التحصیل شده بودند، به کشور خود بازگشتند و دریافتند که الگوی عدالت ترمیمی به منظور روشنگر و روزآمد شدن نظام فرآیند «جرگه» سنتی<sup>۱۱۷</sup> در تصمیم‌گیری‌ها و رفع اختلافات مفید است.

حوزه عدالت ترمیمی روزبه‌روز تنوع بیش‌تری می‌یابد و از این رو محدود کردن آن در هر طبقه‌بندی ساده‌ای ممکن نیست. به علاوه، الگوهای متنوع که در آینده شرح آن‌ها خواهد آمد، اغلب درهم‌تنیده است و برقراری تمایز آشکار بین آن‌ها کار آسانی نیست. با این حال آنچه در پی می‌آید کوششی است برای فراهم آوردن نمایی کلی از آنچه در حوزه کنشگری ساحت حقوق‌جزایی غربی پدیدار گشته است. کتابچه جداگانه دیگری در رابطه با هر یک از این الگوها در دسترس است که با جزئیات بیش‌تری موضوعات را بررسی کرده است. [به بخش خواندنی‌های بیش‌تر مراجعه فرمایید.]

### رهیافت‌های بنیادین اغلب شامل مواجهه‌های آسان‌یاب است

سه الگوی مختلف در تسلط بر فضای کنش‌گری عدالت ترمیمی نقش دارد: نشست‌های مشترک بین آسیب‌زنده و آسیب‌دیده، گردهمایی‌های خانوادگی و فرآیندهای حلقه‌محور. با این وجود این الگوها به صورت فزاینده‌ای درهم‌تنیده‌اند. چه بسا گردهم‌آیی‌ها و نشست‌های خانوادگی از یک گروه و شکل‌های جدیدی بهره‌برند که ویژگی‌های هر یک به منظور شرایطی خاص بسط و توسعه یافته است. در برخی موارد، چند الگوی مختلف در موقعیت یا شرایط واحدی به کار گرفته می‌شود. به عنوان مثال ممکن است مواجهه رودرروی قربانی و آسیب‌رسان بر و در فرآیندی اولویت‌یابد که برای صدور حکم در نظر گرفته شده است.

116- peacebuilding institute

117- traditional jirga process

با این حال تمام این الگوها در برخی ویژگی‌ها با هم مشترک است. تمام این الگوها شامل مواجهه و گفتگوهای دوطرفه آسان‌یابی بین طرف‌های صاحب حق است؛ یعنی دست کم آن کسانی که آسیب دیده‌اند و آسیب رسانده‌اند و همچنین احتمالا شامل افراد دیگری از گروه‌های اجتماعی و کسانی است که در روند دادرسی حضور دارند. برخی اوقات در صورتی که مواجهه بین قربانی و مجرم ممکن نباشد یا مناسب به نظر نرسد، آن گاه نمایندگان یا افراد جان‌نشین دیگری به کار گرفته خواهند شد. گاهی نامه‌ها یا پیام‌های ویدیویی برای یا به جای ملاقات مستقیم کاربرد می‌یابد. با این همه تمام این الگوها شامل رودررو شدن و گفتگوی دوطرفه است که همواره در آن‌ها ملاقات چهره به چهره ترجیح دارد.

این ملاقات‌ها به دست فردی آموزش دیده برگزار می‌شود که چگونگی فرآیند را راهنمایی می‌کند و در توجه به هر دو طرف اختلاف تعادل را مراعات می‌کند. این افراد در نشست‌ها یا حلقه‌ها بر خلاف حکم‌ها و داوران قضایی، حکمی صادر نمی‌کنند. هر الگو امکانی برای شرکت کنندگان فراهم می‌سازد تا واقعیت‌ها، احساسات و راه‌حل‌ها را بررسی کنند. این افراد تشویق می‌شوند تا داستان خود را بازگویند، پرسش‌های خود را بپرسند، احساسات خود را بیان کنند و برای رسیدن به نتیجه‌ای پذیرفتنی همراه با هم عمل نمایند.

ران کلاسن<sup>۱۱۸</sup> یکی از شرکت کنندگان قدیمی در برنامه‌های عدالت ترمیمی اشاره کرده است که برای برطرف کردن هر گونه اثری از خطاکاری بایستی این سه اتفاق رخ دهد:<sup>۱۱۹</sup>

- ۱- باید به خطاکاری یا بی‌عدالتی اعتراف شود.
- ۲- باید مساوات دوباره برقرار شود یا این که برقرار بماند.
- ۳- باید به اهداف آینده اشاره شود.

مواجهه رودررو باعث می‌شود فرصتی فراهم گردد تا آسیب‌دیدگان خطای رخ داده را به صورت شفاف بیان کنند و آسیب‌زندگان نیز بدان اعتراف نمایند. اهدافی مانند عذرخواهی یا تاوان‌دهی کمک می‌کند تا تعادل برقرار شود یعنی مساوات برقرار یا ترمیم شود.

اغلب پرسش‌ها درباره آینده نیازمند بحث و گفتگو است: آیا شخصی که آسیب وارد کرده است دوباره این کار را تکرار خواهد کرد؟ چگونه در یک جامعه در کنار همدیگر زندگی کنیم؟ چگونه در زندگی رو به جلو حرکت کنیم؟ تمام الگوهای مبتنی بر نشست طرف‌های اختلاف در عدالت‌ورزی ترمیمی به منظور فراهم آوردن پاسخ بدین پرسش‌ها از رهگذر ملاقات‌های آسان‌یاب است.

در هر یک از این الگوها شرکت کردن فردی که آسیب وارد کرده است، بایستی از هر جهت داوطلبانه باشد. در هر کدام از این الگوها پیش‌فرض آن است که آسیب‌زننده دست‌کم تا قسمتی مسئولیت کاری را بپذیرد که انجام داده است. به صورت عادی، نشست‌ها در صورت فقدان هر گونه مسئولیت‌پذیری از سوی فرد آسیب‌زننده برگزار نمی‌گردد؛ در حالی که اغلب آن‌ها تمام مسئولیت کردار خود را قبل از نشست نمی‌پذیرند.

تلاش‌هایی نیز برای بالا بردن روحیه داوطلبانه فرد آسیب‌زننده به منظور شرکت در نشست‌ها انجام می‌شود. به طور خاص نبایست این نشست‌ها در صورت مشتاق نبودن یا همکاری نکردن این افراد برگزار شود. با این حال اغلب در دنیای واقعی فشارهایی بر فرد مجرم وجود دارد که او را به انتخاب گزینه کم‌تر بد وادار می‌کند. کسانی که مرتکب جرم شده‌اند در مصاحبه‌ها اغلب بیان می‌دارند که مواجهه با فرد آسیب‌دیده برای ایشان سخت و ناگوار است. در واقع، بیش‌تر ما انسان‌ها بایستی حتی‌الامکان از قرار گرفتن در چنین موقعیت مسئولیت‌آوری برحذر باشیم.

فارغ از نمونه ملاقات‌های خانوادگی در نیوزلند، الگوهایی که در زیر بدان‌ها اشاره می‌شود معمولاً با تشخیص فردی داوران نشست‌ها اجرایی می‌شود. برای جرایم خفیف‌تر، معمولاً داوران از گروه‌های اجتماعی همچون نهادهای دینی یا آموزشی آورده می‌شوند. گاهی هم داوران از سوی خود طرف‌های درگیر اختلاف انتخاب می‌گردند.

با این حال اکثر داوران از خود اعضای سیستم قضایی می‌آیند که بسته به نمونه و گروه اجتماعی شیوه انتخاب آنان به دقت صورت می‌گیرد. ممکن است این نمونه‌ها از سوی پلیس، دادستان، ماموران مجازات‌های تعلیقی، دادگاه یا حتی زندان‌ها معرفی شوند. در نمونه‌ای که از سوی دادگاه معرفی شده است، بسا این اقدام بعد از برگزاری دادگاه باشد ولی حتماً قبل از اجرای حکم است. قاضی در چنین مواردی نتیجه حاصل از نشست‌ها را در اجرای حکم دخالت می‌دهد. قاضی در برخی نمونه‌ها یا در حوزه اختیارات قانونی خود دستور به تاوان‌دادن مجرم می‌دهد و از او می‌خواهد تا از طریق

نشست‌های عدالت‌ورزی ترمیمی این میزان از جبران صورت پذیرد. آن گاه این توافق به بخشی از حکم دادگاه یا مجازات تعلیقی ملحق می‌گردد.

هم‌اکنون تعدادی از گروه‌های اجتماعی بر این امر تشویق می‌کنند که برخی از صور نشست‌های ترمیمی در مرحله‌ای زودتر از دادرسی و قبل از صدور حکم تشکیل شود تا بدین وسیله این موارد از سیستم قضایی بیرون نگاه داشته شود. در کنکورده ماساچوست، گروه‌های فعال در زمینه عدالت ترمیمی بین پلیس و گروه‌های اجتماعی به صورت مشترک فعالیت می‌کنند و این امکان را برای گستره زیادی از موارد فراهم می‌آورند.

با الگوپذیری از نیوزلند، نشست‌های قبل از صدور حکم در اکلند کالیفرنیا از اساس برای کمک به نشان‌دادن نابرابری نژادی در میان نظام قضایی مربوط به نوجوانان تاسیس شده است و از رهگذر فراهم‌ساختن مسئولیت‌پذیری و نیز حمایت از سوی خانواده‌ها و گروه‌های اجتماعی، جرایم به نسبت جدی را از سیستم به‌دور نگاه داشته است. این برنامه با موافقت دادستان می‌تواند «reverse Miranda»<sup>۱۲۰</sup> را برای فرد مجرم فراهم سازد. یعنی این که هیچ گفته‌ای از گفتگوهای مربوط به نشست نمی‌تواند سپس‌تر علیه او به کار گرفته شود.

در یک پرونده بزرگ مربوط به قتل در ایالت فلوریدا، نشست قبل از صدور حکم این امکان را فراهم کرد تا اعضای خانواده زن جوان مقتول، فرد قاتل به همراه خانواده‌اش، دادستان و وکلای مدافع با یکدیگر ملاقات داشته باشند و به موضوعاتی اشاره کنند که در بالا ذکر شد. آنان برای دستیابی به توافقی همگانی درباره حکم قضایی تلاش کردند که بخشی از تقاضای تجدیدنظر به حساب خواهد آمد.<sup>۱۲۱</sup>

با این حال بیش‌تر برنامه‌های جاری در ایالات متحده برای ملاقات بین مجرم و آسیب‌دیده درباره موارد همراه با میزان بالای خشونت خارج از نظام قضایی است و به گونه‌ای طراحی شده که خود طرف‌های درگیر اختلاف بایستی آن را اجرا کنند که بیش‌تر اوقات از سوی قربانیان یا دوستداران آنان محقق می‌شود. هم‌اکنون دست‌کم نیمی از ایالت‌های آمریکا تفاهم‌نامه یا برنامه‌های مناسبی برای آن دسته از قربانیانی در نظر گرفته‌اند که تمایل به شرکت دارند.

۱۲۰- مضمون دقیق عبارت است از «شما حق دارید سکوت نمایید. هر آنچه بگویید یا انجام دهید می‌تواند در دادگاه علیه شما به کار برده شود و به کار خواهد شد. شما حق دارید تا برای خود وکیل اختیار کنید.» [مترجم]  
۱۲۱- بنگرید به:

<http://www.nytimes.com/2013/01/06/magazine/canforgiveness-play-a-role-in-criminal-justice.html>.

**الگوها در برابر پرسش «چه کسی» و «چگونه» با هم متفاوتند**  
 هر چند الگوها در نمای کلی با یکدیگر مشترک اند؛ با این همه الگوهای مبتنی بر عدالت ترمیمی در جنبه‌هایی مانند تعداد، گروه شرکت‌کنندگان و در برخی موارد شیوه آسان‌یاب‌بودن با یکدیگر فرق دارند.

### نشست‌های قربانی-مجرم

نشست‌های قربانی-مجرم در گام نخست شامل کسانی می‌شود که آسیب دیده‌اند و کسانی که مسئول ایجاد این آسیب هستند. داوران در ابتدا با هر یک از این دو گروه به صورت انفرادی کار می‌کنند. سپس بر اساس توافقی که برای پیش‌برد کار صورت می‌پذیرد آن‌ها در یک ملاقات یا نشست گرد هم آورده می‌شوند و فردی آموزش‌دیده یا همکار او فرآیند اداره جلسه را به نحو متعادل رهبری می‌کند.

اغلب نتیجه این جلسه توافق‌نامه‌ای مبتنی بر تاوان‌دهی است که به امضای هر دو طرف اختلاف می‌رسد؛ اگرچه این احتمال درباره جرایم مربوط به خشونت‌های شدید کاهش می‌یابد. چه‌بسا اعضای خانواده هر یک از دو طرف اختلاف در جلسه شرکت داشته باشند؛ اما ایشان معمولاً در رتبه دوم حمایت‌گری لحاظ می‌شوند. افرادی که نمایندگی گروه‌های اجتماعی را بر عهده دارند ممکن است به عنوان تسهیل‌کننده فرآیند یا ناظران بیرونی برنامه قلمداد شوند؛ ولی معمولاً به صورت مستقیم در برنامه حضور ندارند.

### نشست‌های گروهی خانوادگی

در این نشست‌ها حلقه شرکت‌کنندگان اولیه گسترده‌تر می‌شود تا اعضای خانواده‌های آنان یا دیگر کسانی را در برگیرد که برای هر یک از طرف‌های اختلاف اهمیت دارند و در نتیجه از این طریق می‌توانند به نحو مستقیم در نشست‌ها شرکت داشته باشند.

از آن رو که ترجیح آن است که در این نشست‌ها بر مسئله حمایت از مسئولیت‌پذیری و تغییر رفتار آن افرادی تمرکز شود که آسیب وارد کرده‌اند، آن‌گاه حضور افراد خانواده ایشان و دیگر افراد مرتبط به ایشان از میان گروه‌های اجتماعی به نحو ویژه ضرورت دارد. با این وجود از اعضای خانواده فرد آسیب‌دیده و حامیان آنان نیز دعوت به عمل می‌آید. در برخی شرایط و به‌ویژه زمانی که نشست‌های گروهی خانوادگی قدرت یافته است تا بر نتیجه قانونی حکم قضایی اثرگذار باشد، فردی از سیستم قضایی - به عنوان مثال یک مأمور پلیس - می‌تواند در جلسه حضور یابد.

دو شکل اساسی از نشست‌های گروهی خانوادگی برجسته شده‌اند. الگوی اول که توجه زیادی را در آمریکای شمالی به خود جلب کرده است برای بار اول در استرالیا از جانب پلیس به کار گرفته شد که ایده آن تا حدی از نیوزلند اخذ شده بود. اغلب این رهیافت از الگوی هنجارمند تسهیل‌کننده «از پیش نوشته شده»<sup>۱۲۲</sup> بهره می‌برد. عوامل تسهیل‌کننده در این فرآیند ممکن است از مقامات دولتی مانند ماموران پلیسی باشند که آموزش دیده‌اند؛ هرچند ممکن است این امر به‌ویژه در جوامعی که رابطه با پلیس خوب نباشد متناقض‌نما<sup>۱۲۳</sup> به نظر رسد.

این سنت یا رهیافت توجه خاصی به کارکرد «شرمندگی»<sup>۱۲۴</sup> دارد و اغلب فعالانه این مفهوم را در جهت مثبت خود به کار می‌بندد. با این حال بهره‌برداری موثر از «شرمندگی» تا حد زیادی موضوعی مناقشه‌برانگیز است. برخی استدلال می‌کنند شرمندگی حالتی بسیار بی‌ثبات و خطرناک است تا بتوان افراد را در نشست‌ها به استفاده از آن تشویق کرد؛ حتی وقتی که اغلب برای دو طرف هم به کاربردن آن بسیار محتمل باشد. موفقیت نشست‌ها وابسته به مدیریت موفق است و تغییر برای شرمنده‌شدن است و ارتباطی به تشویق عامدانه به استفاده از شرمندگی ندارد.

الگوی قدیمی‌تر نشست‌های گروهی خانوادگی که خودم هم با آن آشنا تر هستم، ریشه در نیوزلند دارد که اکنون به هنجاری برای نظام قضایی مربوط به نوجوانان در آن کشور بدل شده است. از آن جهت که این الگو دست کم در ایالات متحده کم‌تر از دیگر شکل‌ها شناخته شده است، آن را تا اندازه‌ای کامل‌تر از دیگر موارد شرح خواهم داد.

نیوزلند در سال ۱۹۸۹ نظام قضایی مربوط به نوجوانان را با تحولی شگرف تغییر داد؛ این انقلاب در پاسخ به بحران رخ داده در نظام قضایی و سلامت نوجوانان و همچنین انتقادهای جمعیت بومی مائوری<sup>۱۲۵</sup> بود که کاربست نظام قضایی را استعماری، بیگانه و تحمیلی می‌دانستند. در حالی که نظام دادگاهی به مثابه پشتیبان همچنان پابرجا است، امروزه نشست‌های گروهی خانوادگی پاسخ مورد نظر «پیش‌فرض» به جنایت‌های بسیار

122- scripted

123- controversial

124- shame

125- Maori

جدی در میان نوجوانان نیوزلند است.<sup>۱۲۶</sup>

برگزاری نشست‌ها و تسهیلات آن‌ها به عهده مددکاران اجتماعی دولتی است که آنان را پیشاهنگان عدالت‌ورزی برای نوجوانان<sup>۱۲۷</sup> می‌نامند. وظیفه ایشان یاری‌رساندن به خانواده‌هایی است که قرار شده تا در نشست حضور یابند و همچنین فرآیندی را طراحی می‌کنند که برای ایشان متناسب باشد. یکی از اهداف این فرآیند مسئله تناسب فرهنگی است و شکل نشست قرار است متناسب با نیازها و فرهنگ شرکت‌کنندگان باشد.

این الگو همان الگوی «از پیش نوشته شده» تسهیل‌کننده نیست. در حالی که اغلب پیشرفتی کلی و عمومی در نشست‌ها وجود دارد، با هر یک از دو طرف بر اساس نیازهای خاص خود رفتار می‌شود. وجه مشترک اکثر نشست‌ها جلسه بین سران خانواده‌ها در طول جریان نشست است. در این بخش فرد آسیب‌زنده به همراه خانواده‌اش به اتاق دیگری می‌روند تا ببینند چه رخ داده است و پیشنهادی آماده سازند تا به اطلاع دیگران و کسانی برسانند که آسیب دیده‌اند.

مشابه با کاری که تسهیل‌کنندگان در فرآیند نشست قربانی-مجرم دارند، در نشست‌های گروهی خانوادگی هم پیشاهنگان بایستی رفتار بی‌طرفانه داشته باشند یا چه‌بسا دقیق‌تر چنین باید گفت که به نحو برابر با هر دو طرف رفتار کنند؛ یعنی به شیوه‌ای که دل‌نگرانی‌ها و منافع همگان به گونه یکسان لحاظ گردد. با این حال، فرد آسیب‌زنده بایستی با اطمینان مسئولیت‌طرحی را به عهده گیرد که طراحی شده است تا هم آسیب‌ها و هم راه‌های ترمیم را تعریف نماید؛ این کار هم او را به اندازه کافی مسئولیت‌پذیر می‌نماید و هم واقع‌گرایانه است.

در حالی که گروه اجتماع به نحو آشکار در این‌جا حضور ندارد، با این‌همه این نشست‌ها نسبت به برنامه ملاقات مجرم-قربانی گستره بیش‌تری را در بر می‌گیرد. اعضای خانواده مجرم بخشی اساسی هستند و نقشی مهم ایفاء می‌کنند؛ در واقع، این الگو را می‌توان به مثابه الگوی قدرتمندسازی خانواده قلمداد کرد. کسانی که قربانی واقع شده‌اند می‌توانند همراه با خانواده یا حامیان خود در نشست حاضر شوند. یک وکیل ویژه یا حامی فرد نوجوان و نیز سرپرست او می‌تواند در نشست حاضر باشد. به

۱۲۶- نظام قضایی برای نوجوانان در نیوزلند چنان طراحی شده است تا کسانی که مرتکب جرایم خفیف شده‌اند با نظام قضایی، خواه در قالب نشست‌های گروهی خانوادگی و خواه در هیئت دادگاه‌ها، سروکار پیدا نکنند (برخی اوقات این منظور از طریق شرکت در گردهمایی‌های غیررسمی قربانی-مجرم تامین می‌گردد). این طراحی مبتنی بر این پیش‌فرض شکل گرفته است که بیش‌تر خطا‌کاری‌های نوجوانان مرحله‌ای از رشد آنان است و این‌که سروکار داشتن با نظام قضایی رسمی شاید آنان را به ارتکاب جرم در بزرگسالی تشویق نماید.



علاوه، از آن رو که پلیس نقش مدعی‌العموم<sup>۱۲۸</sup> را در نیوزلند دارد، بایستی در نشست حضور یابد.

نشست‌های گروهی خانوادگی به شیوه رایج در نیوزلند طراحی نشده‌اند تا فقط اجازه دهند حقایق و احساسات بیان شود و توافق‌های مبتنی بر تاوان‌دهی تنظیم گردد. از آن جهت که به طور معمول این نشست‌ها جایگزین دادگاه است، وظیفه این نشست است تا برای فرد نوجوان طرحی جامع دراندازد که علاوه بر تاوان‌دهی شامل عوامل بازدارنده و برخی اوقات مجازات هم باشد. حتی ممکن است اتهام‌های واقعی در این ملاقات‌ها به مذاکره گزارد شده شوند. جالب آن‌که نقشه اساسی آن است که نتیجه این نشست‌ها مورد توافق همگان باشد. هر یک از افراد قربانی، مجرم یا پلیس می‌توانند در صورت عدم رضایت‌مندی نتیجه را مردود بشمارند.

بنابراین نشست‌های گروهی خانوادگی حلقه شرکت‌کنندگان را به اعضای خانواده یا دیگر افراد مهم یا حتی افرادی از نظام قضایی می‌گسترانند. دست‌کم در الگوی نیوزلند یک نشست شامل سران اصلی خانواده است و تسهیل‌کنندگان فرآیند نقشی بااهمیت‌تر به نسبت الگوی ملاقات مجرم-قربانی دارند؛ یعنی باید اطمینان حاصل نمایند که فرد آسیب‌زنده به نحوی متناسب مسئولیت‌پذیر شده است. برخی اوقات نشست‌های گروهی خانوادگی را نشست‌های گروه اجتماعی یا نشست‌های مسئولیت‌پذیری می‌نامند و این نام‌گذاری در برخی کشورها رواج یافته است. همچنین نشست‌های گروهی خانوادگی چارچوبی برای برنامه‌های تغییر مسیر قبل از محاکمه در آمریکا فراهم آورده است؛ هرچند نشست‌های واقعی ممکن است در شکل فرآیندهای حلقه‌محور به شیوه‌ای برگزار شود که در زیر شرح آن خواهد آمد.

### حلقه‌ها

نخستین بار رهیافت‌های حلقه‌محور از جمعیت‌های بومی کانادا به برنامه‌های عدالت‌ورزی ترمیمی راه یافت. قاضی باری استوارت<sup>۱۲۹</sup> که برای نخستین بار در دادگاه او افراد یک حلقه به نحو رسمی و قانونی حضور یافتند، اصطلاح «حلقه‌های آشتی‌دهنده»<sup>۱۳۰</sup> را برای توصیف این حلقه‌ها انتخاب کرد. هم‌اکنون این حلقه‌ها برای مقاصد مختلفی به کار گرفته می‌شوند. علاوه بر حلقه‌هایی که در صدور حکم قضایی نقش دارند؛ یعنی در

128- prosecutorial

129- Barry Stuart

130- peacemaking circles

موارد قضایی برای تایید حکم قضایی در نظر گرفته شده‌اند، حلقه‌های بهبوددهنده نیز در کار هستند که در اختلافات مربوط به محل‌های کار مشغول فعالیتند و حتی حلقه‌هایی طراحی شده‌اند تا به مثابه گروه‌های گفتگوکننده بین گروه‌های اجتماعی باشند.

شرکت کنندگان در فرآیند حلقه‌محور خود را درون یک حلقه آرایش می‌دهند. آنان «سهم سخنگویی»<sup>۱۳۱</sup> را برای تمام افراد در نظر می‌گیرند تا اطمینان حاصل شود که هر کس سخن بگوید؛ یعنی در هر لحظه فقط یک نفر و در حالی که همگان به شکل دایره‌وار دور هم نشسته‌اند. یک یا دو نفر به عنوان «حافظان حلقه»<sup>۱۳۲</sup> در نقش تسهیل‌کننده فرآیند انجام وظیفه می‌کنند. در اجتماعات بومی‌ها افراد سالمند نقش مهمی در رهبری حلقه یا در بصیرت‌افزایی و نصیحت کردن دیگران دارند.

اغلب مجموعه‌ای از ارزش‌های اخلاقی یا حتی دیدگاهی فلسفی، به عنوان بخشی از فرآیند صورت‌بندی می‌شود؛ ارزش‌هایی که بر حرمت نهادن، ارزش هر شرکت‌کننده، صداقت، اهمیت از صمیم قلب سخن گفتن و غیره تاکید می‌ورزند.

حلقه‌ها آگاهانه بر دایره شرکت‌کنندگان می‌افزایند. افرادی که آسیب رسانده‌اند، افرادی که آسیب دیده‌اند، اعضای خانواده‌های ایشان و برخی اوقات ماموران قضایی شامل این حلقه‌ها می‌شوند؛ ولی اعضای گروه‌های اجتماعی نیز از شرکت‌کنندگان اصلی هستند. برخی اوقات به دلیل رابطه داشتن آنان با دیگران یا دغدغه‌مند بودن نسبت به جرم قضایی خاصی یا ارتباط با یکی از دو طرف اختلاف از آنان دعوت به عمل می‌آید؛ بعضی اوقات ایشان بخشی از حلقه در حال تکوین داوطلب‌هایی از گروه‌های اجتماعی هستند.

از آن رو که گروه‌های اجتماعی درگیر ماجرا هستند، بحث‌ها درون حلقه اغلب نسبت به دیگر الگوهای عدالت ترمیمی از گستردگی بیش‌تری برخوردار است. چه‌بسا شرکت‌کنندگان اشاره به موقعیت‌هایی در اجتماع داشته باشند که در افزایش ارتکاب این جرم نقش دارند، از نیازهای حمایتی برای هر دو طرف مجرم و قربانی سخن بگویند، از الزاماتی بگویند که چه‌بسا بر عهده اجتماع است، به هنجارهای اجتماعی اشاره کنند یا به دیگر موضوعات مرتبط اجتماعی بپردازند.

هرچند حلقه‌ها در ابتدا از جمعیت‌های کوچک بومی سربرآورده‌اند، با این وجود امروزه در جوامع متنوعی به کار گرفته می‌شوند؛ از جمله در محیط‌های شهری بزرگ و برای موقعیت‌های گوناگون و همچنین در پرونده‌های جنایی. به نظر می‌رسد حلقه‌ها

131- talking piece

132- circle keepers

الگوی شاخص در نظام آموزشی باشند. در واقع، فرآیندهای حلقه‌محور نزدیک‌ترین مورد به الگوی «جهان‌شمول»<sup>۱۳۳</sup> خاطر نشان‌ساختن آسیب‌ها و اختلاف‌هایی است که من تا کنون دیده‌ام. دانشجویان فارغ‌التحصیل زیر نظر من که از کشورها و سنت‌های گوناگونی آمده‌اند اغلب یادآور می‌شوند که حلقه‌ها در سنت‌های آنان به کار گرفته می‌شوند یا می‌شده‌اند.

این‌جا مجالی برای بحث از شکل‌های بسیار یا مزایای مرتبط با هر یک از الگوهای عدالت ترمیمی نیست. آنچه بایستی این‌جا یادآور شوم آن است که در تمام این الگوهایی که در بالا بدان‌ها اشاره شد، صورت‌هایی از مواجهه وجود دارد. این شکل‌های مواجهه را می‌توان بر حسب اعداد و مقولات مربوط به صاحبان حقوق و تاحدی بر اساس شیوه‌های مختلف تسهیل‌بخش، متفاوت از یکدیگر در نظر گرفت. دوباره یادآور شوم که این شکل‌ها به نحو فزاینده‌ای در هم تنیده می‌شوند؛ آن‌سان که تفاوت‌های موجود در میان‌شان بیش از پیش کم‌اهمیت جلوه می‌کند.

لطفاً به یاد داشته باشید تمام شکل‌های عدالت ترمیمی شامل مواجهه مستقیم نیست و تمام نیازها بر اساس مواجهه تامین نمی‌شود. در حالی که قربانیان نیازهایی دارند که مربوط به فرد آسیب‌رسان می‌شود ولی نیازهای دیگری هم دارند که ارتباطی به او ندارد. به نحو مشابه، آسیب‌زنده نیازها و الزاماتی دارد که مستقیماً ارتباطی به فرد آسیب‌دیده ندارد. بنابراین سنخ‌شناسی پیش رو هم شامل برنامه‌هایی می‌شود که مبتنی بر مواجهه است و هم غیرمبتنی بر آن است.

### الگوها از لحاظ اهداف با هم متفاوتند

راه دیگر برای فهم تفاوت بین این رهیافت‌های مختلف در بافتار حقوق جزایی ارزیابی اهداف آن‌هاست. بدین منظور می‌توان آن‌ها را در سه دسته زیر گنجانده؛ هرچند اغلب با یکدیگر همپوشانی دارند.

### برنامه‌های بدیل یا تغییر مسیر

معمولاً این برنامه‌ها به منظور تغییر دادن شکل پرونده‌ها صورت می‌پذیرد یا این که برای همه یا بخشی از فرآیند دادرسی قضایی یا حکم قضایی گزینه‌ای بدیل فراهم می‌آورد. چه بسا پلیس یا دادستان درباره پرونده داوری را بر عهده گیرند، اجرای حکم را به تاخیر اندازند و در نهایت، در صورتی که فرآیند به شکل رضایت‌بخشی رخ داده باشد، حکم

قضایی را ساقط نمایند. قاضی ممکن است پرونده‌ای را به نشست‌های ترمیمی ارجاع دهد؛ به عنوان مثال در موارد تاوان‌دهی. در برخی از فرآیندهای حلقه‌محور قاضی و دادستان امکان دارد به آن دسته از اعضای گروه‌های اجتماعی در حلقه بپیوندد که برای تنظیم حکم متناسب و سنجیده با نیازهای قربانی، مجرم و اعضای اجتماع در نظر گرفته شده است. در باتاویای نیویورک برنامه عدالت‌ورزی ترمیمی طولانی‌مدتی در ابتدا با قربانیان جنایات شدید به فعالیت مشغول شد و سپس دامنه فعالیت آن به افراد مجرم هم رسید که به دنبال گزینه‌ای بدیل برای تجدیدنظر، حکم قضایی و حتی برخی اوقات آزادی با ضمانت<sup>۱۳۴</sup> بودند. البته در نیوزلند شیوه مرسوم، نشست‌های ترمیمی است و دادگاه‌ها گزینه بدیل به حساب می‌آید. برنامه‌های تغییر مسیر قبل از صدور حکم همانند مورد اکلند کالیفرنیا از رهگذر مسئولیت‌پذیر ساختن مجرم، اشاره‌داشتن به اوضاع و شرایط محیطی که به رخ‌دادن جرم کمک کرده است و تامین نیازهای افراد آسیب‌دیده، در پی دور نگاه‌داشتن جوانان از نظام قضایی هستند.

### برنامه‌های درمان‌گرانه یا شفابخش

برنامه‌های عدالت ترمیمی مانند نشست‌های گفتگوی مجرم-قربانی برای اکثر جرایم سنگین مثل ضرب و شتم و حتی تجاوز و قتل هم در حال بسط و توسعه است. اغلب طرف آسیب‌زنده در این موقعیت‌ها در زندان به سر می‌برد. چنین نشست‌هایی معمولاً برای تحت‌تأثیر قراردادن حکم دادگاه درباره پرونده طراحی نشده‌اند. چنین نشست‌هایی با در نظر گرفتن ساختار و تمهیدات مناسب هم برای قربانیان و هم مجرمین تجربه‌های ارزشمند و مثبت به همراه دارد؛ فارغ از این که چه کسی این برنامه را اجرایی کرده باشد. همه این برنامه‌ها در این مقوله شامل ملاقات‌های مستقیم بین مجرمین و قربانیان از حادثه‌ای مشترک نیست. به عنوان مثال زمانی که آسیب‌زنده غایب است یا در صورتی که فرد آسیب‌دیده حاضر به ملاقات با آسیب‌زنده نباشد، آن گاه برای قربانی مفید است که به نحو نیابتی با فرد آسیب‌زنده دیگری ملاقات نماید که قبلاً همین جرم را مرتکب شده است، یا احتمال می‌رود آسیب‌زنده با قربانی نیابتی ملاقات نماید. برخی از این گونه برنامه‌ها به مثابه شکلی از بازپروری قربانی‌محور برای مجرمین عمل می‌کنند. به عنوان بخشی از فرآیند اجرایی، کسانی که مرتکب جرم شده‌اند تشویق می‌شوند تا مسئولیت‌پذیری را درک کنند و آن را در قبال آنچه انجام داده‌اند، بپذیرند. میزگردهای رودررو با قربانیان هم می‌تواند بخشی از این روند باشد؛ یعنی همان جلساتی

که به گروه‌هایی از قربانیان فرصت داده می‌شود تا برای مجرمان داستان‌های خود را بازگو کنند.

برنامه‌های دیگر همانند «پلی به سوی زندگی»<sup>۱۳۵</sup> جلسات چندگانه و همایش‌هایی در زندان را پیشنهاد می‌کنند که آن دسته از مجرمان و قربانیانی را گرد هم می‌آورد که پرونده مشترک با یکدیگر ندارند؛ برخی اوقات نیز اعضای گروه‌های اجتماعی را فرا می‌خواند تا موضوعات و مسائل متنوعی را به بحث بگذارند که برای همه طرف‌های درگیر اختلاف مفید است.

### برنامه‌های موقت/انتقالی

یک حوزه روبه‌رشد از برنامه‌های ترمیمی با انتقال‌های بعد از دوران زندان سروکار دارد. برنامه‌ها هم در زندان و هم در خانه‌های میان‌راهی<sup>۱۳۶</sup> معطوف به آسیب‌های قربانیان و مسئولیت‌پذیری مجرمان طراحی شده است تا آنان را یاری رساند که به اجتماع بازگردند.

یک الگو حلقه‌های حمایت و مسئولیت‌پذیری (CSA یا CoSA) است که در کانادا با مردانی فعالیت می‌کنند که جرایم جنسی مرتکب شده‌اند و از زندان بیرون آمده‌اند. در بسیاری از ایالت‌های آمریکا و کانادا کسانی که چنین جرایمی را مرتکب شده‌اند و دوره محکومیت خود را سپری کرده‌اند، وقتی به جامعه بازمی‌گردند از حمایت کمی برخوردارند؛ زیرا قبلاً زندانی بوده‌اند و هم از جامعه و هم از قربانیان خود در هراس به سر می‌برند. این اشخاص اغلب از سوی جامعه‌ای که آن‌ها را به خوبی می‌شناسد طرد می‌شوند؛ بنابراین به جوامعی می‌روند که در آن‌جا شناخته شده نیستند. با این فرض، احتمال جنایت‌پیشگی درباره ایشان می‌تواند بالا باشد.

حلقه‌های حمایت و مسئولیت‌پذیری گروهی از مردم را گرد هم می‌آورند که شامل زندانیان سابق، اعضای گروه‌های اجتماعی و حتی قربانیان سابق جنایات مشابه هستند. این کار نه فقط برای حمایت از آسیب‌زندگان انجام می‌شود؛ بلکه برای آن است که احساس مسئولیت‌پذیر بودن در آن‌ها نیز شکل گیرد. همکاری متقابل ابتدایی امری حساس است که شامل اعلام حضور روزانه و رهنمودهایی دقیق درباره کارهایی است که ایشان می‌توانند انجام دهند و مکان‌هایی است که تردد می‌نمایند. در حالی که آنان از حمایت ضروری در جای خود بهره‌مند می‌شوند، در همکاری با زندانیان

135- Bridges to Life

136- halfway houses

سابق مسئولیت‌پذیری درباره رفتارهای خود را یاد می‌گیرند؛ از این رو این حلقه‌ها در برگشت دوباره مجرمان به جامعه موفق عمل کرده‌اند و از میزان هراس آنان از جامعه کاسته‌اند. این الگو هم‌اکنون فراتر از جرایم جنسی به کار گرفته می‌شود و برای زندانیانی اجرا می‌شود که قرار است دوباره به جامعه بازگردند و چنین دانسته است که از تکرار آن جرایم می‌کاهد.

افراد زندانی به نحو روزافزونی پیش‌قدم می‌شوند تا گروه‌های عدالت ترمیمی ایجاد کنند یا در همان زندان آموزش ببینند؛ ولی این طرح به آسانی با سه مقوله‌ای که در بالا بدان‌ها اشاره شد مطابقت نمی‌نماید. به عنوان مثال زندانیان در زندان گرفتورند پسنیلوانیا دوره آموزشی خود را آغاز کرده‌اند که برای کمک به همتایان خود است تا ایشان رفتارهای خود و پیامدهای آن را درک کنند و بدان‌ها اشاره داشته باشند. ایشان قصد دارند تا در آینده نزدیک این رهیافت آموزشی را در سطح ملی اجرا کنند و بهره‌برداری از آن را برای همگان ممکن سازند. «کتابچه عدالت ترمیمی برای زندانیان»<sup>۱۳۷</sup> فلسفه کلی و رهیافت نهفته در آن را بیان می‌کند.<sup>۱۳۸</sup>

بنابراین هرچند برنامه‌های عدالت ترمیمی «مبنایی» شامل مواجهه‌های مستقیم بین کسانی است که آسیب وارده کرده‌اند و آسیب زده‌اند، با این حال رهیافت‌های مختلف دیگر کم‌تر مستقیم است. برای معناداری تمام این شکل‌ها چه‌بسا فهم پیوستاری از آن‌ها مفید باشد.

### پیوستار ترمیمی<sup>۱۳۹</sup>

در ساحت نظر، اکثر الگوهای مبتنی بر نشست یا حلقه‌محور را که شامل مواجهه مستقیم بین آسیب‌زنندگان و آسیب‌دیدگان است بایستی به طور کامل ترمیمی به‌شمار آورد. اگر رفتارهای متناسب و سازگار با اصول ارزش‌های عدالت ترمیمی انجام شود، آن‌گاه این اقدامات با تمام معیارهای عدالت ترمیمی که در دستورالعمل‌های بالا بدان‌ها اشاره کردم، سازگاری خواهند داشت. اما درباره دیگر رهیافت‌ها که ادعای ترمیمی بودن دارند، چه می‌توان گفت؟ درباره مواردی که شامل برخوردهای مستقیم نیست، چه می‌توان گفت؟ آیا گزینه‌های دیگری در چارچوب ترمیمی یافت می‌شود؟

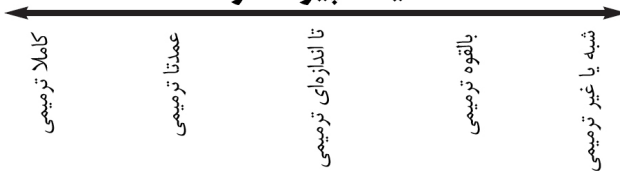
137- Restorative Justice for People in Prison

138- Barb Toews, *The Little Book of Restorative Justice for People in Prison* (Good Books, 2006).

139- A restorative continuum

پیوستار ملاحظه کردن عدالت ترمیمی اهمیت دارد؛ یعنی از الگوهای یکسره ترمیمی گرفته تا مواردی که ترمیمی نیست. در این میان مقولات و نکات مختلفی در کار است. هفت سوال اساسی کمک می‌کند تا هم اثرگذاری و هم گستره الگوهای عدالت ترمیمی را در موقعیت‌های خاص تحلیل کرد.

## میزان رفتارهای مبتنی بر عدالت ترمیمی: یک پیوستار



۱. آیا این الگو آسیب‌ها، نیازها و دلایل را درباره تمام افراد درگیر اختلاف خاطر نشان می‌کند؟
۲. آیا به اندازه کافی به نیازهای افراد آسیب‌دیده توجه شده است؟
۳. آیا افرادی که آسیب وارد کرده‌اند تشویق شده‌اند تا مسئولیت‌پذیر باشند؟
۴. آیا صاحبان حق مربوط به اختلاف در برنامه شرکت داده می‌شوند؟
۵. آیا فرصتی برای گفتگوی دوطرفه و تصمیم‌گیری مشترک فراهم شده است؟
۶. آیا الگو برای هر دو طرف اختلاف احترام قائل شده است؟
۷. آیا نظر به آگاهی از عدم توازن قدرت بین طرف‌های اختلاف، الگو به این امر اشاره و با همه به مساوات رفتار کرده است؟

در حالی که نشست‌ها یا برنامه‌های مواجهه را می‌توان کاملاً ترمیمی لحاظ کرد، ولی موقعیت‌هایی در کار است که در آن‌ها این الگوها را نمی‌توان یکسره و حتی تا قسمتی اجرایی کرد. درباره آن دسته از قربانیان چه می‌توان گفت که فرد آسیب‌زنده دستگیر نشده است یا این که حاضر به پذیرش مسئولیت در قبال کار خود نیست؟ خدمت‌رسانی در سیستم ترمیمی بایستی بلافاصله بعد از ارتکاب جرم آغاز گردد تا از این طریق نیازهای قربانی نشان داده شود و کار با او آغاز شود؛ فارغ از این که مرتکب

جرم دستگیر شده است یا نه. بنابراین در حالی که کمک‌رسانی به قربانی را نمی‌توان تمام فعالیت ترمیمی به حساب آورد، با این‌همه بخشی مهم از سیستم ترمیمی است و بایستی آن را دست‌کم تا حدی ترمیمی قلمداد کرد.

میزگردهای اثرگذار بر قربانی، اجازه می‌دهد تا کسانی که تجربه آسیب‌دیدن دارند داستان‌های خود را تعریف کنند و آنانی که آسیب رسانده‌اند تشویق شوند تا بفهمند چه کرده‌اند؛ در این نشست‌ها قربانیان و مجرمان در پرونده‌ای خاص با یکدیگر مشترک نیستند.

به نحو مشابه، اگر مجرمی مشتاق بود تا برای درک و مسئولیت‌پذیری خود گامی بردارد ولی قربانی در دسترس نبود یا اشتیاق نداشت، چه خواهد شد؟ برای چنین شرایطی چندین برنامه تنظیم شده است که باید بر تعداد آن‌ها افزود؛ به عنوان مثال به این افراد پیشنهاد می‌شود تا از آسیب‌دیدگان دیگری بیاموزند و به نحو نمادین آسیب وارده را جبران نمایند. وانگهی نمی‌توان این برنامه‌ها را کاملاً ترمیمی دانست؛ اگرچه به صورت کلی بر سیستم قضایی اثرگذار است.

آیا برنامه‌های بازپروری و درمان‌گری را می‌توان کنشگری بر اساس عدالت ترمیمی محسوب کرد؟ درمان‌گری برای آسیب‌زندگان به همراه برنامه آماده‌سازی زندانیان برای بازگشت به جامعه را می‌توان پاره‌ای از برنامه جلوگیری از ارتکاب جرم در نظر گرفت. با این‌همه مطابق آنچه به نحو متعارف اجرا می‌شود، این تلاش‌های بسیار در فرآیند درمان‌گری و بازپروری به میزان اندکی ترمیمی محسوب می‌شود. هرچند این برنامه‌ها هم می‌توانند کارکردی ترمیمی داشته باشند و دارند؛ به این صورت که درمان‌گری حول محور کمک‌کردن به کسانی برگزار شود که آسیب وارد کرده‌اند تا درک کنند و مسئولیت‌پذیر شوند، هم‌زمان تا جایی که امکان دارد به نیازهای افرادی توجه شود که آسیب دیده‌اند.

بسته به این که این کارها به چه کیفیتی اجرایی می‌شود، درمان‌گری آسیب‌زنده را می‌توان «بالقوه»<sup>۱۴۰</sup> یا «جزئی»<sup>۱۴۱</sup> به حساب آورد.

به نحو مشابه، برنامه‌های حمایت از مجرم یا ورود مجدد زندانی به جامعه یا آموزش‌های مذهبی در زندان به خودی خود ترمیمی نیست؛ اگرچه در نظام ترمیمی نقش مهمی بازی می‌کند- به‌ویژه در صورتی که این برنامه‌ها در چارچوب ترمیمی بازسازی شود.

140- potentially

141- partially



از دید من، «خدمات گروه‌های اجتماعی» ذیل مقوله «برنامه‌های ترمیمی بالقوه» دسته‌بندی می‌شود. این خدمات آنچنان‌که امروزه اجرا می‌شود، در بهترین حالت گزینه‌ای بدیل برای مجازات است و عدالت‌ورزی ترمیمی نیست. با این حال اغلب این خدمات در نیوزلند بخشی از هدف نشست‌های گروهی خانوادگی است. تمام افراد گروه در طرح‌دادن مشارکت دارند، این کار گروهی تا جایی که امکان دارد به جرم ارتباط پیدا می‌کند و در این طرح ویژگی‌هایی درباره چگونگی حمایت خانواده و گروه اجتماعی در آینده درباره این توافق در نظر گرفته می‌شود. در این جا فرصتی برای تمام افراد فراهم است تا با توافق متقابل با گروه‌های اجتماعی مشارکت کنند یا دین خود را به آن‌ها ادا نمایند. از رهگذر این چارچوب بخشی مجدد چه بسا بتوان خدمات گروه‌های اجتماعی را دارای نقش مهمی در رهیافت ترمیمی به شمار آورد.

بنابراین مقوله‌ای با نام «شبه ترمیمی» یا «غیر ترمیمی» در کار است. اصطلاح «ترمیمی» در حال تبدیل شدن به اصطلاحی رایج و پرطرفدار است. چندان‌که بسیاری از کنش‌ها و اقدام‌ها با عنوان «ترمیمی» برچسب زده می‌شوند؛ اما در واقع این چنین نیستند. برخی از این موارد را می‌توان از این برچسب رهایی بخشید و برخی را نمی‌توان رهایی بخشید. مجازات اعدام از این دسته دوم است که سبب آسیب اضافی و غیرقابل ترمیم می‌شود.



## فصل چهارم: از این جا به کجا؟

من اغلب در نوشتارهای پیشین خود بین چارچوب کیفری نظام قضایی جزایی یا قانونی و رهیافت ترمیمی تر عدالت‌ورزی تفاوتی آشکار ترسیم کرده‌ام. با این حال سپس‌تر چنین دریافتم که چه‌بسا این قطبی‌سازی تا اندازه‌ای گمراه‌کننده باشد. با وجود این که نمودارهای نمایانگر ویژگی‌ها تفاوت‌های مهمی را بین این دو رهیافت نشان می‌دهد، ولی جنبه‌های مشابه مهم و حوزه‌های همکاری را پنهان نگه می‌دارد.

### عدالت کیفری در مقابل عدالت ترمیمی

کنراد برانک<sup>۱۴۲</sup> اندیشمند حوزه فلسفه حقوق استدلال کرده است که در سطح فلسفی یا نظری این دو شیوه عدالت‌ورزی آن دو قطب مخالفی نیستند که اغلب پنداشته می‌شود.<sup>۱۴۳</sup> در واقع آن‌ها وجوه مشترک زیادی دارند. هدف اولیه هر دو آن‌ها رفع اتهام از طریق مقابله به مثل است؛ از این طریق که «ترازوی عدالت به تعادل» رسد. در حالی که هر یک از آن‌ها در شیوه‌هایی که پیشنهاد می‌کنند با هم متفاوتند ولی به نحو اثرگذاری تعادل را به‌درستی برقرار می‌کنند.

هم نظریه عدالت کیفری و هم عدالت ترمیمی بر شهود اخلاقی بنیادینی صحه

142- Conrad Brunk

143- Conrad Brunk, "Restorative Justice and the Philosophical Theories of Criminal Punishment" in *The Spiritual Roots of Restorative Justice*, Michael L. Hadley, editor (State University of New York Press, 2001), 31-56.

می‌گذارد که در آن ارتکاب خطا منجر به ازدست رفتن تعادل مزبور می‌شود. در نتیجه قربانی استحقاق چیزی را می‌یابد و مجرم نیز بدهکار او می‌شود. در هر دو این رهیافت‌ها استدلال می‌شود که بایستی با مجرمان به مثابه یک کنشگر اخلاقی رفتار شود و همچنین بین کنش مجرمانه و پاسخ نظام حقوقی باید تناسب برقرار باشد. با این حال در شیوه برآوردن الزامات و برقراری تعادل با یکدیگر تفاوت دارند.

نظریه کیفری بر این باور است که درد و رنج برطرف شدنی است؛ ولی اغلب در عمل هم برای مجرم و هم برای قربانی نتیجه عکس به بار می‌آورد. از سوی دیگر نظریه عدالت ترمیمی استدلال می‌کند آنچه واقعا برطرف کننده درد و رنج است، همان اعتراف به آسیب‌ها و نیازهای فرد قربانی است؛ این اقدام بایستی همراه با کوششی فعالانه برای تشویق مجرم به مسئولیت‌پذیری، درست کردن آنچه نابجا رخ داده و خاطر نشان ساختن علل رفتار مجرمانه از سوی او باشد. عدالت ترمیمی با نشان دادن این نیاز به برطرف شدن درد و رنج، به شیوه‌ای مثبت، ظرفیتی برای تأیید هر دو طرف اختلاف و یاری رساندن به آنان برای تغییر شیوه زندگی شان دارد.

### عدالت قضایی در برابر عدالت ترمیمی

طرفداران عدالت ترمیمی رویای روزی را در سر دارند که عدالت‌ورزی تماما ترمیمی باشد. می‌توان بحث کرد که آیا تحقق این امر دست کم در آینده نزدیک واقع‌گرایانه است یا نه. چه بسا رویای دست‌یافتنی‌تر آن زمانی است که روندهای عدالت‌ورزی ترمیمی به هنجار بدل شوند؛ زمانی که شکلی از نظام عدالت‌ورزی قضایی یا قانونی نسخه جایگزین یا پشتیبان برای خود فراهم آورد. هرچند به نحو آرمان‌گرایانه آن نظام پشتیبان می‌تواند با اصول عدالت ترمیمی و ارزش‌های اخلاقی حاکم بر آن راهنمایی شود.

جامعه باید نظامی داشته باشد که در زمانی که مردم از مسئولیت‌پذیر بودن سر باز می‌زنند، «حقیقت» را تا جایی که امکان دارد به بهترین وجه نمایان سازد. برخی موارد از اساس بسیار مشکل یا وحشتناک است که نمی‌توان از طریق دسته‌بندی کردن آن‌ها در ردیف جرایم بدانها رسیدگی کرد. برخی از کسانی که در پرونده‌های خاصی درگیر می‌شوند ممکن است انتخاب کنند که بخشی از فرآیند تصمیم‌گیری برای به نتیجه رسیدن نباشد. ما باید روندی داشته باشیم که به آن دسته از نیازها و الزامات اجتماعی پاسخگو باشد که فراتر از آن چیزی است که درباره صاحبان حق ردیف اول در نظر گرفته شده است. همچنین بایستی آن ویژگی‌های کیفی را از دست دهیم که نظام قانونی با آن‌ها به

شکل مناسبی عمل می‌کرده است: حاکمیت قانون، مراحل دادرسی، حفاظت شدید از حقوق بشر، بسط و توسعه منظم قانون.

چه‌بسا بتوان عدالت‌ورزی را به مثابه یک پیوستار دید. در یک سوی آن نظام قضایی یا قانونی غرب قرار گرفته است. قدرت این نظام بسیار چشمگیر و اساسی است؛ به عنوان مثال تشویق و ترغیب درباره مسئله حقوق بشر. با این وجود برخی نقاط ضعف انکارناشدنی هم دارد. در سوی دیگر این پیوستار گزینه بدیل ترمیمی قرار دارد. این گزینه نیز از قدرتی با اهمیت برخوردار است. همچنین مطابق آنچه هم‌اکنون در ساحت عمل مقبولیت پیدا کرده و اجرا شده است، با محدودیت‌هایی روبرو است.

شاید هدف اساسی، تا جایی که امکان دارد، حرکت برای دستیابی به رهیافتی ترمیمی باشد. ما در برخی موارد یا موقعیت‌ها قادر نیستیم تا حرکت زیادی داشته باشیم. در موارد دیگر، می‌توانیم به روندها یا نتایجی دست یابیم که به واقع ترمیمی است. در بین این دو سرطیف موارد و موقعیت‌های بسیاری در کار است که در آن‌ها بایستی از هر دو نظام حقوقی استفاده کرد و عدالت‌ورزی فقط تا پاره‌ای ترمیمی خواهد بود.<sup>۱۴۴</sup> وانگهی می‌توان رویای روزی را در سر داشت که این پیوستار خاص دیگر معنادار نباشد؛ زیرا در کل بر بنیانی ترمیمی استوار خواهد گشت.

### نکته بینش‌بخش

یک رهیافت عدالت‌ورزانه ترمیمی واقعی در رویاهای خود من شامل همکاری واقعی بین گروه‌های اجتماعی و نظام قضایی مورد نظر است. ما باید روندهای ترمیمی مبتنی بر همکاری گروه‌های اجتماعی را به کار ببریم تا بتوانیم انسان‌ها را از نظام رسمی رایج، تا جایی که مقدور است، به دور نگاه داریم. و کلا (که شامل دادستان هم می‌شود) بایستی خود را کم‌تر همچون گلاب‌باتور تصور کنند که قرار است در نبرد پیروز شوند، آنان باید خود را درمان‌گر و حلال مشکلات بدانند. همچنانکه دانگ نل<sup>۱۴۵</sup> استدلال کرده است وظیفه آن‌ها صرفاً اجرای گزینه‌های قانونی نیست؛ بلکه فراهم آوردن «طرح اختلاف»<sup>۱۴۶</sup>

۱۴۴- بنگرید به:

*Restorative Justice and Responsive Regulation* (Oxford University Press, 2002)

جان بریت‌ویت در این کتاب الگویی جالب برای ترمیم، بازدارندگی و اعلام سلب صلاحیت افراد پیشنهاد می‌کند که بر اساس آن بایستی در روند عدالت ترمیمی به این امور اشاره کرد.

145- Doug Noll

146- conflict map

درباره موقعیت و گزینه‌های خارج از قانون است.<sup>۱۴۷</sup> سوزان هرمان<sup>۱۴۸</sup> استدلال کرده است که نظام «عدالت موازی»<sup>۱۴۹</sup> باید برای کسانی در کار باشد که قربانی شده‌اند؛ فارغ از این که مجرم شناسایی شده باشد یا نه، بایستی به افراد آسیب‌دیده یاری رسانده شود تا نیازهای خود را مشخص کنند و بدان دست یابند. نظام موازی می‌تواند در جایی که امکان و ضرورت دارد، همکاری‌های متقابل ترمیمی برای کسانی پیشنهاد کند که آسیب را وارد کرده‌اند.<sup>۱۵۰</sup> یک ارگان یاری‌رسان مستقل واقعی به قربانیان بایستی هم از جانب دادستان و هم متهم مورد اعتماد باشد تا اطلاعات مورد نیاز قربانی را از هر دو طرف به دست آورد. در این نظام هر کس از مجریان قانون گرفته تا قاضی‌ها و دیگران باید به دنبال پاسخ به پرسش‌های ترمیمی باشند؛ مانند: چه کسی آسیب دیده است؟ نیازهای آنان چیست؟ این الزامات را چه کسی باید تامین کند؟ نظام دادرسی آمیخته با خصومت و زندان دست کم باید ترمیمی باشد و تا جایی که امکان دارد بر اساس اصول و ارزش‌های اخلاقی ترمیمی عمل کند.<sup>۱۵۱</sup> محافظت دقیق از این فرآیند باید از درون و به شیوه‌ای غیر خصمانه باشد. همه کسانی که در این فرآیند مشارکت دارند باید در پی آن باشند که کنش‌های خود را بر پایه مجموعه‌ای شفاف از ارزش‌های اخلاقی و اصول ترمیمی بنا کنند و نتایج فرآیند باید بر اساس این هنجارها ارزیابی شود.

147- Doug Noll, *Peacemaking: Practicing at the Intersection of Law and Human Conflict* (Cascadia, 2003).

148- Susan Herman

149- parallel justice

150- Susan Herman, *Parallel Justice for Victims of Crime* (National Center for Victims of Crime, 2010).

۱۵۱- برای مثال بنگرید به:

The Legacy of Community Justice, edited by Sandra Pavelka, Anne Seymour, and Barry Stuart (Vernon, British Columbia: JCharlton Publishing Ltd, 2013).

دنيس مولانی، گوردون بازموور و جو هادسون در این کتاب شیوه‌ای را طرح کرده‌اند که بر اساس آن مجازات تعلیقی یا عفو مشروط می‌تواند به شکلی بازسازی شود که افسران عفو مشروط تبدیل به «افسران عدالت‌ورز گروه‌های اجتماعی» شوند که واکنش‌های گروه‌های اجتماعی را به جنایت با سهولت بیش‌تر همراه سازند و منابع ارتباطی این گروه‌ها را تجهیز کنند. قاضی فرد مک‌الرا نیز به همین موضوع علاقه‌مند است. بنگرید به این فصل از کتاب او: "Restorative Justice as a Procedural Revolution: Some Lessons from the Adversary System" in *Civilising Criminal Justice: An International Restorative Agenda for Penal Reform* (Waterside Press, U.K., 2013)

از میان دیگر طرح‌ها، قاضی مک‌الرا به دنبال طرحی مبنی بر دایر کردن مراکز عدالت‌ورزی گروه‌های اجتماعی است تا از این طریق پرونده‌های اعضای گروه‌های اجتماعی مستقیماً به جای مراجعه به نظام قضایی رسمی بدان‌جا ارجاع داده شود.

اما این فقط یک رویاست؛ رویایی که بی تردید محدود و ناتمام از «دریچه چشم» خود من دیده شده است. برای تجسم آنچه یک «نظام» به واقع ترمیمی یا رهیافتی مشابه آن است، لازم است تا میان آراء متعدد و متنوع در این باره گفتگو برقرار شود. طبق گفته هرمان بیانکی<sup>۱۵۲</sup>، استاد حقوق هلندی، درباره جنبش عدالت‌ورزی ترمیمی یعنی عدالت‌ورزی واقعی که به تازگی رو به گسترش نهاده است «بگومگو و جروبحث»<sup>۱۵۳</sup> بی پایان ضرورت دارد.

روایاها و بینش‌ها مهم است. همچنان که من در مقدمه کتاب «تغییر دریچه‌های نگرش»<sup>۱۵۴</sup> آورده‌ام:

«من به آرمان‌ها باور دارم. بسیاری از اوقات ما از آرمان‌های خود کوتاه می‌آییم؛ ولی آن‌ها سنگ نشان راه ما است؛ آن‌ها مقصد راه است؛ اموری است که ما با آن‌ها کنش‌های خود را درست‌آزمایی می‌کنیم. آن‌ها به ما جهت مسیر را نشان می‌دهد. فقط از طریق وجود این جهت‌نماهاست که می‌توانیم بفهمیم چه زمانی به بیراهه رفته‌ایم»

آخرین باره گفتار مقدمه و نیز خود کتاب چنین است:

«امیدوارم این مطالب را به عنوان یک بینش بیندازید؛ بینشی که بیش از آن که سرابی خیالین باشد، مقصدی مبهم در نهایتِ راهی به ضرورت دور و دراز است»

### شیوه‌ای برای زیستن

در طول سالیانی که من درگیر این فعالیت بودم، بسیاری از افراد یادآور شدند که عدالت ترمیمی به واقع شیوه‌ای برای زیستن است. نخست آن که گنج و سردرگم شدم؛ چگونه رهیافتی که در ابتدا برای مقابله با جرایم طراحی شده است تبدیل به فلسفه حیات می‌شود؟ به این نتیجه رسیدم که این مسئله باید ربطی به آن نظام اخلاقی داشته باشد که

152- Herman Bianchi

153- palaver

154- Howard Zehr, *Changing Lenses: A New Focus for Crime and Justice* (Herald Press, 1990, 1995, 2005).

عدالت ترمیمی تجسم آن است.

نظام عدالت قضایی در غرب ناظر به ارتقای ارزش‌های اخلاقی مثبت است؛ یعنی بازشناسی امور درست از دیگر امور، اهمیت مرزهای ویژه در حوزه رفتار و مرکزیت حقوق بشر. با این حال این نظام آنچنان که محقق شده است، به صورت گسترده‌ای آسیب‌رسان است و بر این باور است که اگر شما به دیگران آسیب برسانید، ما هم به شما آسیب خواهیم رساند. مطابق استدلال جیمز گیلیگن، این نظام حقوقی همانند آینه تصویر عمل مجرمانه را به خود شما باز بر می‌گرداند.<sup>۱۵۵</sup> حاصل آنکه برای انسانی ساختن این نظام حقوقی می‌بایست دیگر ارزش‌های اخلاقی را بدان بیفزاییم تا حاکم بر آن باشند و از آن ویژگی‌های غیرانسانی بکاهند. این امر به خودی خود بینشی درباره امر خوب پیش روی ما نمی‌نهد.

از سوی دیگر عدالت ترمیمی نظام ارزشی بالذات مثبتی را فراهم می‌آورد؛ بینشی درباره کیفیت زیست انسان‌ها با یکدیگر در شیوه‌ای حیات‌بخش. پیش‌فرض این‌جا آن است که ما در شبکه ارتباط درهم‌تنیده‌ای با هم قرار داریم؛ این یعنی یادآوری به کسانی که در دنیای فردگرایانه‌ای زندگی می‌کنند. این امر به ما گوشزد می‌کند که ما در ارتباط با هم زندگی می‌کنیم و کنش‌های ما بر دیگران اثرگذار است؛ بدان معنا که وقتی این کنش‌ها آسیب‌رسان باشند، ما هم مسئولیت‌هایی در قبال آن‌ها داریم.

همچنان که پیش از این اشاره کردم، عدالت ترمیمی بایستی بر اساس ارزش‌های اخلاقی شکل بگیرد. بسیاری از ارزش‌ها را می‌توان صورت‌بندی و بیان کرد و بسیاری از آن‌ها چنین شده‌اند؛ با این حال من بر سه ارزش «الف-میم-الف» تمرکز خواهم کرد: احترام، مسئولیت‌پذیری و ارتباط. گزینه آخر زیربنایی است. ارتباط‌داشتن به واقعیتی اساسی اشاره دارد که اکثر ادیان و سنت‌های فرهنگی آشکارا بدان باور دارند. همچنین ارتباط‌داشتن جنبه‌ای بنیادین از سرشت انسانی ما است که مطابق آنچه دانیل گولمن<sup>۱۵۶</sup> بدان اشاره کرده است، علوم عصب‌شناختی نیز در حال یافتن این امر است که ما به عنوان موجودات انسانی «برای ارتباط با دیگران سیم‌کشی»<sup>۱۵۷</sup> شده‌ایم.<sup>۱۵۸</sup>

155- James Gilligan, *Violence: Reflections on a National Epidemic* (Random House, 1996).

156- Daniel Goleman

۱۵۷- تعبیری استعاری از رشته‌های عصبی در بدن انسان.

158- Daniel Goleman, *Social Intelligence: The New Science of Human Relationships* (Bantam, 2007).



### عدالت ترمیمی یک رودخانه است

سالانی پیش، زمانی که در پنسیلوانیا زندگی می‌کردم؛ به همراه همسرم تصمیم گرفتیم سرچشمه رودخانه ساسکوئیپهنا<sup>۱۵۹</sup> را بباییم که از میان ایالت عبور می‌کرد. یکی از دو شاخه رودخانه را پی گرفتیم تا این که به پشت انبار مزرعه‌ای رسیدیم و لوله‌ای قدیمی و زنگار گرفته را یافتیم که از تپه بیرون زده بود. آب با نشست گرفتن از این منبع از لوله به استخری ریخته می‌شد که به عنوان آبشخور گاوها مورد استفاده بود. آب از استخر به بیرون و به روی زمین روان شده و جریانی را شکل داده بود که عاقبت تبدیل به رودخانه‌ای با عظمت می‌شد.

البته محل تردید است که آیا این سرچشمه خاص همان منشأ اصلی باشد. محل‌های دیگری در منطقه هست که می‌توان آن‌ها را برای منشأ بودن در نظر داشت. البته چه‌بسا این جریان را بدون در نظر گرفتن دیگر منشأها نتوان رودخانه نامید. با این همه این رودخانه و این سرچشمه برای من تبدیل به استعاره‌ای برای جنبش عدالت ترمیمی گشت.

حوزه عدالت ترمیمی در دوران اخیر یعنی دهه ۱۹۷۰ به دستان با کفایت کسانی آهسته‌آهسته آغاز شد که در آرزوی عدالت‌ورزی به‌شیوه‌ای دیگرگون بودند. این امر ریشه در کنشگری و تجربه داشت و نه تامل‌ورزی انتزاعی. نظریه‌پردازی، یعنی مفاهیم، سپس‌تر و در مرحله بعد رخ نشان داد. با این وجود در حالی که منابع اولیه جریان عدالت ترمیمی مدرن در دوران معاصر جای داشت، هم کنشگری و هم نظریه‌پردازی به نحو اساسی بر بنای سنت‌هایی شکل گرفت که وسعتی به اندازه تاریخ انسان و گستره جامعه جهانی دارند.

زمانی جریان عدالت ترمیمی به صورت زیرزمینی از سوی نظام‌های حقوقی مدرن به کار گرفته می‌شد. اما در دهه‌های اخیر این جریان به سطح مناسبات جامعه رسید و به رودخانه‌ای وسیع بدل شد. امروزه در تمام جهان دولت‌ها و گروه‌های اجتماعی به وجود عدالت ترمیمی درباره جرایم اذعان دارند. هزاران نفر از مردم در پهنه گیتی تجربه‌ها و اقدامات خود را به این رودخانه می‌افزایند. این رودخانه نیز همانند دیگر رودخانه‌ها وجود دارد؛ زیرا تعداد بی‌شماری نهر روان از همه جای دنیا به سوی آن جاری است.

برخی از این جریان‌های آب روان همان برنامه‌های عملی است؛ مانند آنچه در بسیاری کشورها به اجرا درآورده شده است. رودخانه نیز از سنت‌های اصیل گوناگون و رهیافت‌های مقبول رایج سیراب می‌شود که بر اساس آن سنت‌ها پایدار شده‌اند: به عنوان مثال نشست‌های خانوادگی در نیوزلند از سنت‌های مائورایی، احکام صادره

حلقه‌محور از گروه‌های اجتماعی مردم بومی کانادای شمالی، دادگاه‌های آشتی‌دهنده از قوانین مرسوم در افریقا و جرگه در فرهنگ مردم افغانستان الهام گرفته‌اند. جریان میانجی‌گری و حل اختلاف، همچنین جنبش‌های یاری‌رسانی و احقاق حقوق قربانی و جنبش قائل به مجازات جایگزین زندان نیز در دهه‌های اخیر به همین رودخانه روان می‌شوند. سنت‌های دینی متنوعی به سوی این رودخانه جریان دارند.

هرچند تجربه‌ها، اقدام‌ها و رسوم مختلف فرهنگ‌ها و گروه‌های اجتماعی فراوان سودمند و آگاهی‌بخش است، نمی‌توان و نباید از آن‌ها کپی‌برداری کرد و به‌سادگی این الگو را در جوامع و گروه‌های اجتماعی دیگر به کار بست. بلکه باید آن‌ها را همچون نمونه‌هایی از جوامع و گروه‌های اجتماعی متنوعی دانست که متناسب با شرایط خود عدالت‌ورزی را به عنوان پاسخی به خطاکاری تفریر کرده‌اند. این رهیافت‌ها می‌تواند الهام‌بخش ما و نقطه آغازینی باشد. از آن‌جا که چنین نمونه‌ها و سنت‌هایی طرحی کلی در اختیار ما قرار نمی‌دهند، در عوض به عنوان گزینه‌ای یاری‌رسان برای شکل دادن به ایده‌ها و مقاصد می‌توان آن‌ها را به کار گرفت.

رهیافت متن‌محور به عدالت‌ورزی به ما یادآوری می‌کند که عدالت واقعی از رهگذر گفتگو و هماهنگ‌ساختن با نیازها و سنت‌های هر منطقه خود را نمایان می‌سازد. این یکی از دلایلی است که ما را بر آن می‌دارد تا درباره راهبردهای از بالا به پایین هشیار باشیم تا عدالت‌ورزی ترمیمی اجرایی شود.

استدلالی که در این جا ارائه شد بسیار ساده است. عدالت فقط در صورت تمرکز انحصاری بر پرسشگری از مسائل نظام‌های حقوقی رایج به دست آمدنی نیست: کدام قوانین زیرپا گذاشته شده‌اند؟ چه کسی این کار را کرده است؟ آن‌ها مستحق چه هستند؟ برای رسیدن به عدالت واقعی به جای پرسیدن چنین سوالاتی باید چنین پرسید: چه کسی آسیب دیده است؟ آن‌ها نیازمند چه هستند؟ برآورده کردن این نیازمندی‌ها به عهده کیست و چه الزاماتی را برمی‌تابد؟ در این موقعیت صاحبان حق چه کسانی هستند؟ چه عواملی در شکل‌گیری این وضعیت دخالت دارد؟ چه فرآیندی می‌تواند وجود داشته باشد تا صاحبان حقوق را به یافتن راه‌حل برساند؟ عدالت ترمیمی نه تنها ما را به تغییر دادن دریچه نگاه بلکه به پرسیدن سوالات دیگر گونه وامی‌دارد.

عدالت ترمیمی به‌ویژه فراخوانی است برای پیوستن به گفتگو؛ به گونه‌ای که از یکدیگر یاری طلب کنیم و از همدیگر بیاموزیم. عدالت ترمیمی به ما یادآوری می‌کند که همگی در واقع در شبکه‌ای از روابط درهم‌تنیده زندگی می‌کنیم.



## ضمیمه اول: اصول بنیادین عدالت ترمیمی

### هوارد زهر و هری میکا<sup>۱۶۰</sup>

این اصول که برای نخستین بار در سال ۱۹۸۸ منتشر شد، از بعضی جنبه‌ها تاریخ گذشته به حساب می‌آید. با این همه برای این که استمرار تاریخی آن حفظ شود، تصمیم ما بر آن شد که مطابق با همان قالب اولیه آن را بازنویسی کنیم. از این رو توصیه می‌شود این اصول را متناسب با موقعیت خود به‌روزرسانی نمایید و به کار برید.

۱-۰ ارتکاب جرم به معنای نادیده‌انگاشتن روابط بین افراد و انسان‌ها است.

#### ۱-۱ قربانی و اجتماع آسیب دیده‌اند و بایستی ترمیم شوند.

۱-۱-۱ قربانیان اصلی کسانی‌اند که ارتکاب جرم بیش‌ترین آسیب را بدان‌ها وارد کرده است؛ اما دیگرانی مانند اعضای خانواده‌های قربانی، مجرم، شهود و اجتماع نیز آسیب‌دیده قلمداد می‌شوند.  
 ۱-۱-۲ روابطی که از ارتکاب جرم تاثیر گرفته (و بازتاب داشته) بایستی خاطر نشان شود.

160- Howard Zehr and Harry Mika, "Fundamental Principles of Restorative Justice," *The Contemporary Justice Review*, Vol. 1, No. 1 (1998), 47-55.

۱-۱-۳ ترمیم کردن به معنای واکنش نشان دادن پیوستاری به طیفی از نیازها و آسیب‌هایی است که از سوی قربانی، مجرم و اجتماع تجربه شده است.

## ۲-۱ قربانیان، مجرمان و اعضای اجتماع صاحبان اصلی حقوق در فرآیند عدالت‌ورزی هستند.

۱-۲-۱ فرآیند عدالت‌ورزی ترمیمی دخالت و مشارکت این افراد را در جستجوی ترمیم، درمان، مسئولیت‌پذیری و جلوگیری از تکرار جرم پیشینه می‌نماید؛ به‌ویژه قربانیان اصلی و همچنین مجرمان.

۲-۲-۱ نقش این افراد متناسب با ماهیت جرم و نیز استعداد و ترجیح آنان تفاوت خواهد داشت.

۳-۲-۱ دولت عوامل موثر در فرآیند را مشخص و محدود می‌سازد؛ ولی خودش قربانی اصلی محسوب نمی‌شود. این عوامل عبارتند از: بررسی واقعیت‌های مربوط به جرم، تسهیل کردن فرآیند دادرسی و تامین امنیت.

## ۲-۲ بی‌حرمتی به انسان‌ها ایجادکننده الزامات و تعهدات است. ۱-۲ تعهدات مجرم به منظور درست کردن خطا تا جایی است که امکان دارد.

۱-۱-۲ از آن رو که تعهدات اصلی متوجه قربانیان است، فرآیند عدالت‌ورزی ترمیمی قربانیان را قدرتمند می‌سازد تا به صورت موثر در شناخت این امور مشارکت داشته باشند.

۲-۱-۲ برای مجرمان فرصت فراهم می‌شود و تشویق می‌شوند تا آسیبی را درک کنند که به قربانی و اجتماع وارد کرده‌اند؛ همچنین طرح‌هایی در نظر گیرند تا از طریق آن‌ها به صورتی متناسب مسئولیت آن آسیبی را بپذیرند که مرتکب شده‌اند.

۳-۱-۲ مشارکت داوطلبانه مجرمان افزایش می‌یابد و از اعمال فشار و محرومیت‌ها کاسته می‌شود. با این حال شاید ضروری باشد در صورت عدم پذیرش داوطلبانه، برخی از تعهدات را عهده‌دار شوند.

۴-۱-۲ تعهداتی که به دنبال ضرر ناشی از جرم می‌آید، بایستی در راستای درست کردن مشکلات باشد.

۲-۱-۵ بسا عمل به این تعهدات سخت و حتی دردآور باشد؛ اما هدف از وضع آن‌ها نباید وارد کردن درد و رنج، انتقام یا تلافی جویی باشد.

۲-۱-۶ تعهدات نسبت به قربانی مانند بازسازی آسیب‌ها بر دیگر تعهدات و قراردادهای مربوط به دولت مانند پرداخت جریمه اولویت دارد.

۲-۱-۷ مجرمان متعهد می‌شوند تا به صورت فعال در خاطر نشان ساختن نیازهای خود مشارکت داشته باشند.

## ۲-۲ تعهدات اجتماع هم‌ناظر به قربانی و هم‌ناظر به مجرم است؛ دلیل آن نیز فراهم ساختن بهروزی برای تمام اعضای جامعه است.

۲-۲-۱ اجتماع درباره حمایت و کمک به قربانیان جرایم مسئولیت دارد تا نیازمندی‌های آنان را تامین کند.

۲-۲-۲ اجتماع متعهد به بهروزی اعضای خود و همچنین شرایط اجتماعی و روابطی است که در کاهش جرم و آشتی بین افراد اجتماع موثر است.

۲-۲-۳ اجتماع تعهداتی برای حمایت از تلاش‌هایی دارد که مجرمان را با جامعه به هماهنگی می‌رساند، تا به صورت فعال در تعریف تعهدات مجرمان بکوشد و ضمانت کند فرصت‌هایی را برای مجرمان فراهم آورد که آنان اصلاح شوند.

## ۳-۰ عدالت ترمیمی به دنبال درمان‌گری و درست‌کاری در قبال خطاکاری است.

## ۳-۱ آغازین گام عدالت‌ورزی ترمیمی پاسخ به نیاز قربانیان درباره اطلاعات، اعتبار قانونی، اثبات حقانیت، ترمیم، شهادت، امنیت و حمایت است.

۳-۱-۱ امنیت قربانیان اولویت اصلی است.

۳-۱-۲ فرآیند عدالت‌ورزی چارچوبی فراهم می‌آورد که روند بازپروری و درمان‌گری را ارتقا می‌بخشد؛ یعنی همان حوزه‌ای که در نهایت به افراد قربانی ارتباط دارد.

۳-۱-۳ قربانیان از رهگذر افزودن بر اطلاعات و مشارکت در مشخص نمودن نیازها و نتیجه‌ها قدرت‌مند می‌گردند.

۳-۱-۴ مجرمان در برطرف کردن آسیب‌ها تا حد امکان مشارکت می‌کنند.

**۲-۳ فرآیند عدالت‌ورزی فرصت‌ها را برای تبادل اطلاعات، مشارکت، گفتگو و تعامل بین قربانی و مجرم افزایش می‌دهد.**

۱-۲-۳ مواجهه‌های رودررو در برخی موارد مناسب است، با این حال گونه‌های بدیل مواجهه نیز در برخی موارد دیگر مناسب می‌نماید.  
۲-۲-۳ قربانیان نقش اصلی را در تعریف و جهت‌دهی به اوضاع و شرایط این تبادل دارند.

۳-۲-۳ توافقات بین دو طرف مقدم بر نتایج تحمیلی است.  
۴-۲-۳ فرصت‌ها به منظور پشیمانی، بخشش و آشتی فراهم می‌شود.

**۳-۳ باید نیازها و توانمندی‌های مجرمان خاطر نشان گردد.**

۱-۳-۳ با ملاحظه این که خود مجرمان اغلب آسیب دیده‌اند، بر درمان کردن و بازگشت ایشان به بدنه اجتماع تاکید می‌گردد.  
۲-۳-۳ در فرآیند عدالت‌ورزی حمایت از مجرمان و رفتار با آنان همراه با احترام است.

۳-۳-۳ محدودیت‌های شدید و دور نگاه‌داشتن مجرمان از اجتماع تا حد ضرورت و به نحو حداقلی است.  
۴-۳-۳ عدالت‌ورزی به تغییرات افراد فراتر از رفتار فرمانبردارانه ارزش می‌نهد.

**۴-۳ فرآیند عدالت‌ورزی ناظر به اجتماع است.**

۱-۴-۳ اعضای گروه‌های اجتماعی به صورت فعال در فرآیند عدالت‌ورزی دخالت دارند.

۲-۴-۳ فرآیند عدالت‌ورزی از سرچشمه‌های اجتماعی نشئت می‌گیرد و به نوبه خود در ساختن و قدرت‌مندسازی اجتماع مشارکت می‌کند.  
۳-۴-۳ عدالت‌ورزی در صدد ارتقا تغییرات در اجتماع، هم از جهت جلوگیری از رخ دادن آسیب‌های مشابه برای دیگران و هم تقویت مداخله زودهنگام برای خاطر نشان کردن نیازهای قربانیان و مسئولیت‌پذیری مجرمان است.

**۵-۳ عدالت‌ورزی به نتیجه‌های عامدانه و غیرعامدانه واکنش‌های**

### خود به ارتکاب جرم و جنایت توجه تام دارد.

۳-۵-۱ عدالت‌ورزی پیامدهای فعالیت خود را رصد و از آن‌ها پشتیبانی می‌کند؛ زیرا درمان، بازپروری، مسئولیت‌پذیری و تغییر هنگامی افزایش می‌یابد که همگان بر سر توافق خود پایبند باشند.

۳-۵-۲ انصاف نه بر اساس همانندی در نتایج بلکه از رهگذر تمهید حمایت ضروری و فراهم کردن فرصت‌ها برای هر دو طرف درگیر در اختلاف، فارغ از تبعیض‌های جنسیتی، قومی و طبقاتی تضمین می‌شود.

۳-۵-۳ نتایجی که به صورت بالادستی بازدارنده یا سلب‌کننده صلاحیت از مجرمان است باید به عنوان راهکار آخر در نظر گرفته شود که شامل کم‌ترین میزان دخالت در محدود ساختن آنان باشد؛ زیرا فرآیند عدالت‌ورزی به دنبال ترمیم آسیب‌های هر دو طرف اختلاف است.

۳-۵-۴ اموری مانند توقف روندهای ترمیمی به منظور صدور حکم قهری و تنبیهی، موضع نابجای مجرمان یا بسط کنترل اجتماعی همه و همه از پیامدهای غیرعامدانه‌ای است که در برابر آن‌ها ایستادگی می‌شود.





نکته: این ضمیمه منبعی است که شاید برای خواننده یا برای به کار گرفتن در گفتگوها یا همایش‌ها مفید باشد. شاید بتوان این ضمیمه را همراه با نقل قول‌های مناسب بازتولید کرد.

## ضمیمه دوم: عدالت ترمیمی در سه‌پاره‌ها

### هوارد زهر

نکته: این ضمیمه منبعی است که شاید برای خواننده یا برای به کار گرفتن در گفتگوها یا همایش‌ها مفید باشد. شاید بتوان این ضمیمه را همراه با نقل قول‌های مناسب بازتولید کرد.

سه انگاره که عدالت ترمیمی آن‌ها را تلقی به قبول کرده است:

- نیازها زمانی به وجود می‌آید که انسان‌ها و روابط آن‌ها آسیب دیده باشد.
- نیازهایی که بر اثر آسیب‌دیدن به وجود آمده است، تعهداتی را در پی دارد.
- تعهدات ناظر به درمان‌گری و «درست‌کاری» در برابر خطاکاری است؛ این امر عادلانه است.

- سه اصل عدالت ترمیمی این انگاره‌ها را بازتاب می‌دهد. یک واکنش عادلانه:
- بازسازی آسیب‌هایی که به خاطر خطاکاری به وجود آمده‌اند و نمود یافته‌اند (ترمیم)؛
  - تشویق به مسئولیت‌پذیری متناسب به منظور خاطر نشان کردن نیازها و بازسازی آسیب‌ها (مسئولیت‌پذیری)؛
  - افرادی که تحت تاثیر قرار گرفته‌اند برای یافتن راه حل مشارکت می‌کنند؛ این افراد شامل اعضای گروه‌های اجتماعی‌اند (درگیر مسئله شدن).

سه ارزش اخلاقی مبنایی:

- احترام قائل شدن؛
- مسئولیت‌پذیری؛
- برقراری ارتباط انسانی.

سه پرسش اساسی در عدالت‌ورزی ترمیمی:

- چه کسی آسیب دیده است؟
- نیازهای آن‌ها چیست؟
- چه کسی متعهد است تا نیازها را خاطر نشان کند، در قبال خطاکاری درست کاری پیشه نماید و روابط انسانی را احیا کند؟
- (این پرسش‌ها در تقابل با چنین اموری است: چه قانونی زیر پا گذاشته شده است؟ خطا کار کیست؟ این فرد مستحق چه مجازاتی است؟)

سه گروه صاحب حقوق باید در نظر گرفته شود و/یا مشارکت داشته باشند:

- کسانی که آسیب دیده‌اند و خانواده‌های ایشان؛
- کسانی که آسیب زده‌اند و خانواده‌های ایشان؛
- گروه یا گروه‌های اجتماعی در ارتباط با این افراد.

سه آرزوی عدالت ترمیمی که راه‌نما است: نیاز به همزیستی در رابطه‌ای خوب با:

- یکدیگر؛
- جهان؛
- خالق جهان.



نکته: این ضمیمه منبعی است که شاید برای خواننده یا برای به کار گرفتن در گفتگوها یا همایش‌ها مفید باشد. شاید بتوان این ضمیمه را همراه با نقل قول‌های مناسب بازتولید کرد.

## ضمیمه سوم: عدالت ترمیمی؟ عدالت ترمیمی کدام است؟

### هوارد زهر

اگر عبارت «عدالت ترمیمی» را در گوگل جستجو نمایید، بیش از هزاران نتیجه را خواهید یافت و این در حالی است که این تعبیر تقریباً ۳۵ سال پیش اصلاً وجود نداشت. چرایی این امر را از خود پرسید و بسا پاسخ‌های گوناگونی برای آن خواهید یافت. برای بسیاری از افراد این مسئله دلالت بر ملاقات بین قربانیان و کسانی دارد که در برابر ایشان مرتکب جرم شده‌اند. یک خانواده با نوجوانانی ملاقات می‌کند که از منزل ایشان سرقت کرده‌اند، با ایشان درباره احساس خود سخن می‌گوید و برای بازپرداخت خسارت ناشی از جرم مذاکره می‌کند. والدین با کسی ملاقات می‌کنند که دخترشان را به قتل رسانده است تا با او از تاثیر جنایت رخ داده حرف بزنند و پرسش‌های خود را از

قاتل پیرسند. مدیر مدرسه و خانواده‌اش با پسرانی صحبت می‌کنند که بمب لوله‌ای<sup>۱۶۱</sup> در حیاط جلویی مدرسه انداخته‌اند، در حالی که مدیر و فرزند نوزاد او را نادیده انگاشته بودند. هراس خانواده‌ها و همسایه‌های آنان از رخداد دوباره این حادثه همچنان ادامه دارد و پسر بچه‌ها برای نخستین بار متوجه شدت زشتی کاری شدند که انجام داده‌اند.

عدالت ترمیمی شامل برنامه‌های مواجهه رودررو بین کسانی است که آسیب وارد کرده‌اند و آسیب دیده‌اند؛ امروزه هزاران شکل مشابه از این برنامه‌ها در سراسر دنیا برگزار می‌شود. با این وجود عدالت ترمیمی بیش از یک مواجهه است و تمرکز آن از نظام عدالت قضایی فراتر می‌رود. مدارس به صورت فزاینده‌ای فرآیندهای متناسب با منطق ترمیمی را به اجرا در می‌آورند، نهادهای دینی رهیافت‌های ترمیمی را در تعامل با مسئله خطاکاری به کار می‌برند که شامل سوءاستفاده جنسی روحانیان می‌شود و تمام جوامع رهیافت‌های ترمیمی را به منظور نشان‌دادن خطاکاری در مقیاس بزرگ استفاده می‌کنند. افزایش محبوبیت روزافزون نشست‌های ترمیمی و فرآیندهای حلقه‌محور مردم را دور هم گرد می‌آورد تا دیدگاه‌ها و دغدغه‌ها را با یکدیگر به اشتراک گذارند و به صورت دسته‌جمعی راه‌کارهایی برای آن دسته از مسائل بیابند که برای خانواده و اجتماع آنان رخ داده است.

عدالت ترمیمی در دهه ۱۹۷۰ با تلاش‌هایی آغاز شد تا مبتنی بر نقاط قوت نظام حقوقی غربی، نقاط ضعف آن را تصحیح نماید. ساحتی با دغدغه ویژه بر نادیده‌انگاشتن قربانیان و نیازهای آنان؛ عدالت مبتنی بر قانون که به نحو گسترده‌ای معطوف به مجرمان است. همچنین نیاز به مسئولیت‌پذیری واقعی افرادی که آسیب وارد کرده‌اند سبب شده تا عدالت ترمیمی به وجود آید. عدالت ترمیمی با تشخیص این که مجازات اغلب ناکافی است، در پی آن است که به آسیب‌زنندگان یاری رساند تا متوجه آن آسیبی شوند که مسبب آن شده‌اند و تشویق شوند تا جایی که امکان دارد آسیبی را ترمیم کنند که به وجود آورده‌اند. به جای این که ذهن خود را درگیر مسئله دریافت مجازات استحقاقی مجرمان نماییم، عدالت ترمیمی متمرکز بر بازسازی آن آسیب‌هایی است که ناشی از ارتکاب جرم است و انسان‌ها و افراد جامعه را درگیر فرآیند عدالت‌ورزی می‌نماید.

این مسئله به نحو اساسی همان خرد جمعی است؛ یعنی همان درس‌هایی که از آموزه‌های پدران و مادران و اجدادمان به ما رسیده است و از این رو برخی وادار شدند تا از آن همچون شیوه‌ای برای زیست یاد کنند. زمانی که خطایی رخ می‌دهد، باید بدان اشاره و اذعان داشت. کسانی که آسیب دیده‌اند نیاز دارند تا قادر به گلایه‌گذاری و

شکایت کردن شوند، تا بتوانند داستان‌های خود را به زبان آورند، تا برای پرسش‌های خود پاسخ‌هایی بیابند؛ این بدان معناست که بایستی مجرمان به آسیب‌ها و نیازهایی اشاره کنند که ایجاد کرده‌اند. آنان و همچنین خود ما نیاز داریم تا افرادی که خطا مرتکب شده‌اند مسئولیت کار خود را بپذیرند و گام‌هایی برای بازسازی آسیب‌ها تا حد امکان بردارند.

همچنان‌که با مشاهده نتیجه‌های بسیار زیاد از جستجوی گوگل برای شما تصور کردنی است، کار بست این اصطلاح به نحو گسترده‌ای متفاوت از یکدیگر است. برخی اوقات این اصطلاح به شیوه‌هایی به کار گرفته می‌شود که تقریباً دور از ساحتی است که در ابتدا بدان معنا وضع شده است. بنابراین وقتی چنین اصطلاحی را مشاهده می‌کنید، شاید از خود چنین سوالاتی را بپرسید: آیا به خطاکاری‌ها اذعان شده است؟ آیا به نیازهای کسانی اشاره شده است که آسیب دیده‌اند؟ آیا کسی که مرتکب جرم شده، مورد ترغیب قرار گرفته تا آسیبی را که وارد کرده است، درک کند و تعهد داده که در قبال خطاکاری کار درست را انجام دهد؟ آیا کسانی که در این جریان مشترک هستند یا تحت تاثیر آن قرار گرفته‌اند، دعوت شده‌اند تا بخشی از فرآیند «حل مسئله» باشند؟ آیا نسبت به تمام کسانی که در جریان مشارکت دارند ابراز دغدغه شده است؟ اگر پاسخ به این پرسش‌ها «نه» باشد، آن گاه حتی در صورتی که فرآیند شامل عناصری ترمیم‌محور باشد، عدالت‌ورزی ترمیمی نخواهد بود.





## ضمیمه چهارم: ده شیوه برای زیستن ترمیم‌محور

هوارد زهر ۱۶۲

۱. ارتباط بین انسان‌ها را جدی بگیرید؛ خود را در شبکه‌ای درهم‌تنیده از انسان‌ها، نهادها و محیط زیست تصور کنید.
۲. تلاش کنید تا از گستره تاثیر اعمال خود بر دیگران و محیط زیست آگاه باشید؛ این تاثیر هم به نحو بالقوه و هم واقعی می‌تواند تصور شود.
۳. زمانی که اعمال شما دیگران را به صورت منفی تحت تاثیر قرار داد، مسئولیت آن را از رهگذر اذعان و تلاش به منظور بازسازی آسیب‌ها بپذیرید؛ حتی در صورتی که احتمالاً راه‌گریز یا انکار برای شما مهیا باشد.
۴. برای همه کس احترام قائل شوید، حتی برای کسانی که انتظار نمی‌رود دوباره با آن‌ها مواجه شوید؛ حتی کسانی که آن‌ها را مستحق احترام نمی‌دانید و حتی کسانی که به شما یا دیگران آسیب رسانده‌اند.
۵. تمام افرادی را که تحت تاثیر تصمیم‌گیری خواهند بود تا حد امکان در فرآیند تصمیم‌گیری مشارکت دهید.
۶. به آسیب‌ها و اختلاف‌ها به مثابه فرصت بنگرید.
۷. به دیگران به دقت و از سر شفقت گوش فرا دهید، در صدد فهم باشید حتی اگر

۱۶۲- بنگرید به:

<http://emu.edu/now/restorative-justice-2009/11/27/10/ways-to-live-restoratively/>

- با آنان موافق نیستید. (به این که در آینده می‌خواهید چه کسی باشید بیندیشید، به جای این که تنها بر حق بودن خود را تصور کنید).
۸. با دیگران وارد گفتگوی دوطرفه شوید، حتی زمانی که آنچه گفته می‌شود سخت باشد، برای آموختن از دیگران و مواجهه با دیگران گشوده باشید.
۹. درباره تحمیل «حقایق» و دیدگاه‌های خود به دیگران و دیگر موقعیت‌ها هشیار باشید.
۱۰. هر روزه با حساسیت نسبت به بی‌عدالتی‌ها واکنش نشان دهید؛ این امور دربردارنده سکسیسم، نژادپرستی، هوموفوبیا و اختلاف طبقاتی است.
- نمودار زیر برخی از دلالت‌ها درباره پنج اصل کلیدی عدالت ترمیمی درباره عدالت قضایی و زیست ترمیم‌محور را برمی‌رسد.
- اصول عدالت ترمیمی را کاترین بارگن از سوزان شارپ در کتاب «عدالت ترمیمی: دیدگاهی برای درمان‌گری و تحول» برگرفته است. از کاترین برای پیشنهاداتش که در بالا ذکر شد، تشکر می‌کنم.

کاربست درباره زیست ترمیم محور	کاربست درباره عدالت جزایی	اصل عدالت ترمیمی
<p>از تمام کسانی دعوت به عمل می‌آید که احساس می‌کنند در موقعیت رخداد آسیب یا وجود اختلاف، صاحب حق هستند تا در گفتگو پیرامون آن موضوعات مشارکت داشته باشند و ایشان در تصمیماتی که گرفته می‌شود یا احکامی که صادر می‌شود، حق اظهار نظر دارند. به عدم توازن قدرت اشاره می‌شود و تا جایی که ممکن باشد برای رسیدن به اتفاق نظر بدان خاطر نشان می‌گردد.</p>	<p>قربانیان، مجرمان و اجتماع در واکنش به آسیب از دیدگاه قانونی، حق اظهار نظر واحدی دارند که حتی الامکان شباهت زیادی با آن حکمی دارد که باید داده شود.</p>	<p>از مشارکت همگانی و اتفاق نظر استقبال کنید!</p>
<p>ارتباطات و موقعیت‌های روزانه ما انسان‌ها می‌تواند موجب درد و رنج در ساحت گفتاری یا کرداری شود که چه بسا احساس بی‌عدالتی یا عدم توازن در ارتباطات را پدید می‌آورد. عدالت ترمیمی تا جایی که ممکن است سعی دارد که از بار این درد و رنج بکاهد و فضایی برای درمان‌گری و آماده‌سازی افراد به وجود آورد.</p>	<p>نیاز به درمان‌گری به‌ناچار وقتی رخ می‌نماید که ارتکاب جرمی در کار باشد؛ این امر می‌تواند در شکل درمان ناظر به احساسات (هم برای قربانیان و هم مجرمان)، روابط و/یا بازگردانی خسارت مالی باشد.</p>	<p>سلامت امور از دست رفته را بازیابی کنید!</p>

<p>زمانی که آسیبی رخ می‌دهد، می‌توانیم از محیطی برای زندگی حمایت کنیم که ما را در ایفای نقش فرد مسئولیت‌پذیر در برابر اعمال آسیب‌زننده یا سوءاستفاده از قدرت تشویق می‌کند. زیستن به سبک ترمیمی به معنای آن است که محترمانه از یک‌یک افراد انتظار رود تا در برابر کردار خود به نحو منصفانه و معقول مسئولیت‌پذیر باشند.</p>	<p>مجرمان بایستی مسئولیت اعمال و انتخاب‌های خود را بر عهده گیرند. بدان‌ها فرصت داده می‌شود تا کردار خود را توضیح دهند و به نحو مستقیم در برابر کسانی که بدان‌ها آسیب وارد کرده‌اند، به تعهداتی عمل کنند که از رفتارهای خود آن‌ها به وجود آمده است.</p>	<p>به مسئولیت‌پذیری کامل و مستقیم باشید!</p>
<p>کردار آسیب‌زننده یا دردآور در محیط‌های تعامل بین افراد انسانی می‌تواند مایه پیدایش احساس جدافتادگی شود و فرد احساس کند از اجتماع طرد شده است. ممکن است این امر موجب شود تا افراد جانبدارانه به ذهنیت «ما/ایشان» دامن بزنند. زیستن ترمیمی به گونه حداکثری و تا جایی که امکان دارد باید این موقعیت‌ها را بررسی کند که موجب پدیدارشدن چنین تقسیماتی اند و در جهت برگرداندن توازن، ادراک و بازانسجام‌بخشی تلاش کند.</p>	<p>اغلب قربانیان جرایم جنایی حسی از جدافتادگی از اجتماع را تجربه می‌کنند؛ برای مجرمان نیز چنین امری صادق است. هرچند دلایل این دورافتادگی درباره این دو گروه احتمالاً باهم تفاوت دارد؛ با این‌همه فرآیندهایی که بازانسجام‌بخشی را مجاز می‌شمرد بایستی از پی ارتکاب جرم برای تمام کسانی به کار بسته شود که تحت تاثیر این جریان قرار گرفته‌اند. این فرآیندها می‌تواند موجب پیدایش احساسی نوین از وحدت و «قربابت» و همچنین حس یکپارچگی با اجتماع شود.</p>	<p>اموری را که از هم پاشیده‌اند، دوباره در کنار هم گرد آورید!</p>

<p>اکثر گروه‌های اجتماعی می‌توانند در نهایت از موقعیت‌های آسیب‌زا درس بگیرند، رشد کنند و در مواقع لزوم تغییر ایجاد نمایند. وقتی ترمیم‌محور زندگی کنیم، می‌توانیم درباره بی‌عدالتی عمومی و عدم توازن قدرت روشنگری کنیم. آن‌گاه است که مدافع تغییر مثبت برای ساختن اجتماعی سالم‌تر و عادلانه‌تر برای همگان خواهیم شد.</p>	<p>آن روند عدالت‌ورزی که ترمیم‌محور است نه تنها بر جزئیات جرم قابل دسترس متمرکز می‌شود بلکه دلایل عمومی رخداد جرم در اجتماع و کیفیت خاطرنشان ساختن آن‌ها را در دستور کار قرار می‌دهد. بدین شیوه اجتماع سالم‌تر و امن‌تری برای همگان و نه صرفاً کسانی که خواستار درمان‌بودن از آسیب‌های جرایم هستند، به وجود می‌آید.</p>	<p>جامعه را در برابر رخدادهای آسیب‌زنده در آینده توانمند سازید!</p>
---	---	---



## ضمیمه پنجم: عدالت ترمیمی و آشتی بخشی

در مرکز عدالت و آشتی بخشی که من در هیئت علمی آن حضور دارم، ما به حوزه آشتی بخشی به مثابه اصطلاحی با طیف معنایی گسترده نظر می کنیم. همچنان که همکارم لیزا شیرخ در کتابچه آشتی بخشی راهبردی (انتشارات کتب سودمند<sup>۱۳</sup>، سال ۲۰۰۴) تبیین نموده است، آشتی بخشی حوزه های متنوع، برنامه ها و رهیافت هایی را در بر می گیرد که هدف آن ها ساختن جامعه ای است که افراد به نحو عادلانه در آشتی با هم به سر می برند.

یک شیوه تعریف آشتی بخشی آن است که این مفهوم را درباره پدید آوردن و ماندگار ساختن روابط سالم و حمایت از کسانی بدانیم که آسیب دیده اند. با توجه به این مهم، عدالت ترمیمی را می توان به عنوان عنصر افزایش دهنده مشارکت ویژه برای آشتی بخشی در نظر گرفت، همچنین می توان همین نقش را برای حوزه های دیگری مانند حل اختلاف یا ایجاد تغییر صادق دانست که از زیرمجموعه های فعالیت های آشتی بخش محسوب می شود:

۱. تشخیص این که اختلاف شامل بی عدالتی هایی است که باید بدان ها اشاره کرد؛
۲. درک نسبی از خطا کاری که مرتبط با تاثیر آن بر انسان ها و روابط آن ها است، و نه قواعد حقوقی؛
۳. مجموعه ای از اصول که در هنگام رخداد خطا راهنمای ما است؛

۴. دسته‌ای از کنش‌های خاص که به‌رغم مشابهت با نمونه‌هایی که برای حل اختلاف به کار برده می‌شود، مشارکت‌کنندگان را یاری می‌دهد تا به آسیب‌ها و تعهدات ناشی از آن‌ها اشاره کنند و از آن‌ها نام ببرند؛
۵. بسترسازی واضح و آشکار برای اصول و ارزش‌های اخلاقی بنیادین که راهنمای فرآیند عدالت‌ورزی و بااهمیت برای سالم‌سازی روابط است.





## خواندنی‌های بیش‌تر

### **Little Books of Justice & Peacebuilding related to restorative justice**

- David R. Karp, *The Little Book of Restorative Justice for Colleges and Universities*.
- Allan MacRae and Howard Zehr, *The Little Book of Family Group Conferences, New Zealand Style*.
- Kay Pranis, *The Little Book of Circle Processes*.
- Lorraine Stutzman Amstutz, *The Little Book of Victim Offender Conferencing*.
- Lorraine Stutzman Amstutz and Judy H. Mullet, *The Little Book of Restorative Discipline for Schools*.
- Barb Toews, *The Little Book of Restorative Justice for People in Prison*.
- Carolyn Yoder, *The Little Book of Trauma Healing*.
- Howard Zehr, *El Pequeño Libro De Justicia Restaurativa*.

### **Related resources by the author**

- *Changing Lenses: A New Focus for Crime and Justice* (Herald Press, 1990, 1995, 2005).
- *Doing Life: Reflections of Men and Women Serving Life Sentences* (Good

Books, 1996, 2010).

- Transcending: Reflections of Crime Victims (Good Books, 2001).
- What Will Happen to Me? with Lorraine Stutzman Amstutz (Good Books, 2011).
- Critical Issues in Restorative Justice, with Barb Toews (Lynne Rienner, 2004).
- “Restorative Justice Blog,” with Carl Stauffer, available at
- <http://emu.edu/now/restorative-justice/>.
- The Zehr Institute for Restorative Justice (webinar series and other resources) available at <http://emu.edu/cjp/restorative-justice/>.



## درباره نویسنده

هوارد زهر را «پدربزرگ» عدالت ترمیمی نامیده‌اند؛ او فعالیت خود را در کسوت کنشگر و نظریه‌پرداز در اواخر دهه ۱۹۷۰ از سطح پایه‌ای در این حوزه آغاز کرد. او نخستین برنامه نشست‌های دفاع از قربانیان را به صورت رسمی در ایالات متحده اجرا کرد و یکی از اولین توسعه‌دهندگان مفهوم عدالت ترمیمی بود. زهر نویسنده، ویراستار، سخنران، آموزگار و عکاس-خبرنگار کوشا و پرکار به نحوی فعالانه دیگر رهبران در این حوزه را حمایت و پشتیبانی می‌کند.

کتاب او «تغییر دریچه‌های نگاه: تمرکز دوباره بر جرم و عدالت» اثری مبنایی در حوزه عدالت‌ورزی ترمیمی است. دیگر آثار فراوان او شامل این موارد است: «زندگی کردن: تاملاتی بر مردان و زنانی که در خدمت احکام زندگی هستند»؛ «تعالی: تاملاتی بر قربانیان جنایت»؛ و «چه بر من خواهد گذشت؟».

او دیگرانی را در آمریکای شمالی و بیش از ۲۵ کشور دیگر دنیا آموزش داده است و برای ایشان سخنرانی کرده است. زهر استاد برجسته عدالت ترمیمی و یکی از مدیران موسسه زهر است که در مرکز عدالت و آشتی‌بخشی در دانشگاه منونایت شرقی (هریسونبرگ ایالت ویرجینیا) قرار دارد. او لیسانس خود را از کالج مورهاوس، فوق لیسانس را از دانشگاه شیکاگو و دکترای خود را از دانشگاه راتگرز دریافت کرده است.

